

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر امین امیریان فارسانی

مدیر داخلی: مهدی عبدی ابیانه

مدیر اجرایی: مصطفی اکبری

دبیر علمی: احمد امیریان فارسانی

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر محمود مالیر (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر مسعود حیدری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر کریم صالحی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)

دکتر رشید قدیری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

دکتر محمد رضا شادمان فر (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر امین امیریان فارسانی (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر راضیه قاسمی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران)

دکتر علی زلقی (دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان)

دکتر الهام حیدری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

فصلنامه سراسری دادگران کیفری (حقوق تخصصی)

به شماره ثبت ۸۸۴۶۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.chaponashr.ir/dr-amirian

www.chaponashr.ir

وب سایت اختصاصی دکتر امین امیریان فارسانی

سازمان چاپ و نشر ایران

آماده سازی، تهیه و تنظیم و ویراستاری: سازمان چاپ و نشر ایران (www.chaponashr.ir)

نشانی: اصفهان، سپاهان شهر، دانشگاه شهید اشرفی

اصفهانی، گروه حقوق

صفحه آرا: پروانه مهاجر

☐ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

☐ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

فهرست مطالب

رعایت حقوق متهم در کسب دلیل با چشم انداز به اصول حقوقی ۳

وجیهه اوقاتیان، مهدی نقوی

رابطه انس با قرآن و نقش آن در سلامت روانی و کاهش جرایم و پیشگیری از آن ... ۲۵

دکتر محمد مهدی احمدی فراز

تأثیر مجازات حبس بر اصلاح، باز پروری و درمان مجرمین (با رویکرد پیشگیری ثالث)
..... ۶۳

مهدی عبدی ابیانه، مسعود جابری

تحلیل جرم شناسی پدیده بیوتروریسم ۸۵

امین امیریان فارسانی، علی ناظم ، مریم السادات جلیلی

جایگاه تغییر کاربری اراضی از منظر حقوق کیفری ۱۱۲

مصطفی اکبری، علیرضا پوررنگ

رعایت حقوق متهم در کسب دلیل با چشم انداز به اصول حقوقی

وجیهه اوقاتیان* مهدی نقوی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲	شماره صفحه: ۲۴-۳
-------------------	-------------------------	-------------------------	------------------

ادله اثبات در امور کیفری در نظام آیین دادرسی، رکن اساسی پرونده مطروح نزد قاضی را تشکیل می‌دهد، اصل برائت جزء اصول خدشه ناپذیر در نظام‌های کیفری است که جز با فراهم آوردن و ارائه ادله کافی و واجد ارزش اثباتی و تحصیل شده از طرق مشروع و قانونی، علیه فرد یا افراد متهم به ارتکاب جرم قابل نقض نیست. اهمیت بنیادین دلیل در دادرسی‌های کیفری ضرورت مطالعه عمیق آن و نیز اصول حقوقی حاکم بر آن را نمایان می‌سازد. رعایت اصول حقوقی حاکم بر ادله اثبات دعوا باعث آسایش و آرامش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت جامعه بشری در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره می‌شود. اصول کلی حقوقی، به عنوان پایه‌های هر نظام حقوقی، مجموعه احکام عامی هستند که منشأ وضع چند قاعده جزئی‌تر به شمار می‌آیند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به این مهم دست یافته است که، اصول حقوقی، راهنمای قانونگذار در وضع قوانین، تفسیر کننده آن‌ها در موارد ابهام و تکمیل کننده نقایص قانونی هستند و از سوی دیگر قانونگذار با وضع قواعد، اصول کلی و انتزاعی را روشن و عینی می‌سازد. اصول، دادرس را در ارائه تفسیر دادگرانه از قانون یاری رسانده و معیار ارزش گذاری آراء قضایی هستند.

واژگان کلیدی: اصول حقوقی، حقوق کیفری، کسب دلیل، حقوق متهم

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران
** استادیار گروه حقوق حقوق جزا و جرم دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

مقدمه

برای دستیابی به آرمان عدالت کیفری، کنکاش در اصول و قواعد حاکم بر قوانین جزایی موضوعه، همواره از کلیدی‌ترین مباحث مورد عنایت دکتربین حقوق کیفری بوده است. برای هر موضوعی قطعاً مبانی وجود دارد که ضرورت‌های وجودی آن را ایجاب می‌کند. در مبانی ما از هسته‌ها صحبت می‌کنیم و از هسته‌ها، باید‌ها را انتزاع می‌کنیم. زیرا در پاره‌ای از موارد، موضوعات چنان اهمیت دارند که سیر تکاملی فرآیند رسیدن از آنچه که هست به آنچه که باید باشد در آنها بیشتر مورد لحاظ است. یکی از مسائل قابل تأمل در فرآیند دادرسی کیفری که محل بحث قرار گرفته و در چارچوب آنچه باید باشد بررسی می‌شود، تحصیل دلیل توسط طرفین پرونده کیفری و نیز مرجع رسیدگی کننده به آن می‌باشد. تحصیل دلیل، به معنای به دست آوردن و ساختن دلیل است. سیستم قضایی کشور در برخورد با رفتارهای خلاف نظم عمومی و ارزش‌های فردی و اجتماعی و اختلافات موجود در روابط میان افراد، قائل به تفکیک رسیدگی به امور حقوقی و کیفری شده است. بی شک هر یک از این دو نوع رسیدگی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود می‌باشد که البته علت این امر را می‌توان در منشأ و اهداف متفاوت هر یک از این دو عنوان کرد. بنابراین باید گفت هریک از این دو نوع رسیدگی در کیفیت و نحوه تحصیل دلیل نیز با هم متفاوت هستند و دارای تشریفات خاصی در رسیدگی می‌باشند. دلایل در امور کیفری از اهمیت بیشتری نسبت به امور حقوقی برخوردارند

در واقع، به غیر از اهمیت منافع و حقوقی که محدود کردن آنها در امور کیفری مطرح است، طبع خاص موضوع دلیل نیز بر اهمیت دلایل در این امور افزوده است. اصولاً در امور کیفری، دلایل از قبل آماده نمی‌شوند بلکه بعد از واقعه مجرمانه باید در پی جمع آوری آنها بود. همین امر متضمن رعایت اصولی به قرار زیر می‌باشد.

۱- اصل قانونی بودن

دادرسی منصفانه دربردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق اصحاب دعوا در رسیدگی به دعوای آنان پیش بینی گردیده است. در بستر چنین دادرسی، دلیل به عنوان مرکز ثقل دعوای کیفری نه تنها باید خود، مشروع و قانون باشد بلکه روش تحصیل و به کارگیری آن نیز باید تابع اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری باشد. کیفر مجرمان در اجتماع، هرچند یکی از اهداف اساسی آیین دادرسی کیفری است اما این هدف مهم نباید به کارگیری

هرگونه ابزار و وسیله‌ای را توجیه نماید چرا که بدون تردید، شیوه‌های غیرقانونی نمی‌تواند متصف به وصف انصاف و عدالت گردند و در چنین وضعیتی، صحبت از دادرسی منصفانه خود ناعادلانه است. دستگاه عدالت کیفری که به دنبال تحقق عدالت و دادرسی منصفانه است، نمی‌تواند فقط به محصول کسب دلیل توجه نموده و از شیوه‌های تحصیل آن غافل گردد. بنابراین نقطه آغاز تضمین دادرسی منصفانه، رعایت اصول و قواعد حاکم بر ادله کیفری به ویژه در مقام تحصیل و به کارگیری آن‌ها در فرآیند رسیدگی‌های کیفری است (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۰، ۲۱۵).

در نظام ادله قانونی که می‌توان آن را «اقناع وجدانی قانونگذار» نامید، مقنن دلیل یا ادله قابل قبول و ارزش اثباتی هر یک یا مجموعه‌ای از آنها را پیشاپیش تعیین و دادرسی را در صورت ارائه دلیل یا ادله مورد نیاز و صرف از اعتقاد درونی او، موظف به صدور حکم محکومیت نموده است و در صورت عدم ارائه دلایل مورد نظر مقنن، قاضی مکلف به تبرئه نمودن متهم است و حق ندارد به دلیل دیگر استناد کند (آشوری، ۱۳۹۲، ج ۲، ۲۳۳).

در واقع قانونگذار در این نظام از ادله، قواعد ثابتی را تعیین نموده و به دادرس نشان می‌دهد که حکم کیفری خود را بر اساس کدام نسخ از ادله استوار نماید و بر ادله‌ای که مبنای حکم قرار می‌گیرد، چه شرایطی را بار نماید. این قواعد، دادرس را ملزم به رعایت دقیق ضوابط می‌نماید و هنگامی که علم و یقین حاصل در وجدان وی کاملاً منطبق بر قالب فرمول‌های قانونی نباشد، حق اصدار حکم محکومیت را به وی نمی‌دهد. پس قانونگذار از قبل و بر اساس یک برنامه کلی، ارزش اثباتی ادله مختلف را مشخص می‌نماید و در این فرآیند، قاضی فقط باید کوشش نماید به سایر مقررات مربوط به دلایل آگاهی یابد و بنابراین مأموریت عمده‌اش کمک به تحصیل دلایل، بررسی و بازبینی آنها و فراهم نمودن شرایط قانونی لازم برای صدور حکم است (ترخانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۹۷).

ریشه‌های نظام ادله قانونی را باید در دوره تجدید حیات حقوق روم که به وسیله حقوقدانان عرفی و با تکیه بر قوانین ژوستینین ۱ به عمل آمد جستجو کرد که در قرن شانزدهم به اوج تکامل خود رسید. این نظام که در امپراتوری رم و اروپای قرون وسطی متداول بوده است، دادرس را مانند شخصی مسلوب الاختیار فرض نموده است که به مثابه صفحه کلیدی است که اگر برخی

دکمه‌های آن را فشار دهند، ضرورتاً همواره به یک روش پاسخ می‌دهد. در نظام ادله قانونی، قواعد ثابتی برای اثبات وقوع جرم و انتساب آن معین شده و دادرس مجبور است به حکم قانونگذار، امر معینی را دلیل بر وجود یا عدم امری بداند و وقوع جرم و صحت انتساب آن را منحصرأ از طریق ادله قانونی احراز کند به طوری که گفته شده: قاضی باید طبق دلایل پیش بینی شده در قانون رأی بدهد، هرچند به وقوع جرم و انتساب آن به متهم یقین نداشته باشد (آخوندی، ۱۳۹۴، ج ۴، ۳۸۳).

و از قدرت قانونی برای استفاده از تمام وسایل و امکانات تحقیق و کشف حقیقت و توسل به تمام انواع و اقسام ادله اثباتی محروم است و در حقیقت، چون قانونگذار انواع ادله اثبات بزهکاری متهم و ارزش قانونی آنها را تعیین و اعلام نموده و برای آنها، خواه در جهت تأمین برائت مهم و خواه در جهت صدور حکم محکومیت و آثار و نتایجی در نظر گرفته است، کلیه قضات ملزم به تبعیت از آن قرار می‌گیرند. در نظام جزایی اسلام، در جرائم غیرتعزیری نظام قانونی تحصیل دلیل حاکم می‌باشد. با این وجود عده‌ای معتقدند که نظام کسب دلیل در دادرسی کشورمان از نظام اقناع وجدان قاضی و نه نظام قانونی تبعیت می‌نماید و در این خصوص به وظایف ضابطین قضایی در جهت انجام هرگونه اقدامی به منظور اقناع وجدان قاضی و علیرغم در دست داشتن دلیل، اشاره داشته‌اند (ضرابی، ۱۳۹۰، ۱۰۳).

بدیهی است، نظام قانونی تحصیل دلیل، به دلیل قرار گرفتن در تنگنا و محدودیت نمی‌تواند به تنهایی نظام مناسبی جهت استقرار یک دادرسی منصفانه تلقی شود. در کشور ما مقررات آیین دادرسی کیفری، به وضوح گویای پذیرش چنین نظامی می‌باشد که البته این امر را می‌توان به عنوان یکی از نواقص بزرگ قانونی کشورمان دانست. لازم به ذکر است که در مقام نظام قانونی تحصیل دلیل، نظام آزاد تحصیل دلیل مطرح می‌باشد. در این نظام محدودیت‌های نظام قانونی کسب دلیل مشاهده نمی‌شود.

۲- اصل آزاد بودن کسب دلیل

در پرونده‌های کیفری، چون غالباً مقصود، اثبات امور عادی از قبیل ارتکاب اعمال مجرمانه و عناصر مادی و روانی بزه می‌باشد، امکان تهیه دلیل از زمان وقوع جرم وجود ندارد. بنابراین قانونگذار نمی‌تواند برای این نوع دعاوی ادله اثبات پیش بینی نماید. به همین دلیل نظر قالب این است که قاضی باید بتواند از هر راهی که ممکن است اقناع وجدان حاصل نماید و دست او در

تحقیق و تفحص و جمع آوری ادله برای اثبات جرم نسبت به دعاوی حقوقی بارزتر است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ۷۹).

آزادی دلیل را نباید مترادف با لجام گسیختگی نظام دلایل یا آشفتگی ادله دانست. زیرا با وجود پذیرش این اصل، ادله جزایی باید متضمن شرایطی باشد و اصولی را محترم بشمارند. بارزترین این شرایط عبارت است از محترم شمردن حق دفاع متهم و به سخن دیگر دامنه آزادی دلایل تا آنجا گسترش می‌یابد که حق دفاع متهم که خود ممکن است به صورت فعال یا غیرفعال اعمال شود، مخدوش نگردد (پورزند، ۱۳۸۰، ۲۲).

فرضیه آزادی دلیل دارای محدودیت‌هایی است، گرچه کشف حقیقت، هدف و منظور اساسی پرونده کیفری است در عین حال این حقیقت نمی‌تواند به هر وسیله‌ای ولو نامشروع به دست آید. شان و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی، مستلزم جلوگیری از به کار بردن وسایلی است که ارزش‌های اساسی تمدن بشری را به مخاطره می‌اندازد (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ۳۶).

در این راستا، قانونگذاران کشورمان در اصول قانون اساسی و قوانین عادی، اصل آزاد بودن تحصیل دلیل را مورد تخصیص قرار داده‌اند. آزادی دلیل در قلمرو آیین دادرسی کیفری بیانگر دو جنبه مکمل یکدیگر است. از یک طرف آزادی دلیل به مفهوم آزادی اشخاص در تهیه و ارائه دلیل در امور کیفری است که تحت عنوان تحصیل آزادانه دلیل شناخته می‌شود. از طرف دیگر، آزادی دلیل به معنای آزادی دادرسان در ارزیابی ادله و پذیرش یا رد آنهاست که تحت عنوان ارزیابی آزادانه دلیل مطرح می‌شود. گفته شده است که در قوانین جزایی کشورمان در جرائم تعزیری اصل آزاد بودن تحصیل دلیل حاکم می‌باشد (زراعت، ۱۳۹۲، ج ۱، ۴۶).

بررسی مواد مختلف قانون آیین دادرسی کشورمان بیانگر این نکته است که قانونگذار در صدد تحصیل اقناع وجدانی دادرس و صحه گذاردن بر اصل ارزیابی آزادانه دلیل توسط دادرسان است و جز در موارد استثنایی از جمله حدود و قصاص که ادله اثباتی خاصی را پیش بینی نموده است، در مورد سایر جرائم از اصل تحصیل آزادانه ادله، تبعیت نموده است. البته ماده‌ای که صراحتاً بر این دو بعد آزادی دلیل اشاره نماید وجود ندارد (تدین و باقرنژاد، ۱۳۹۰، ۱۰۶-۱۰۷).

در توجیه ضرورت پذیرش اصل آزادی در تحصیل دلیل باید به حفظ حقوق طرفین دعوا و نقصان نظام قانونی کسب دلیل استناد نمود. البته باید اضافه نمود که آزاد بودن تحصیل دلیل به تنهایی موجبات مفسده خواهد بود و می‌تواند زمینه‌ای جهت ارائه دلایل ناموجه را فراهم آورد.

بنابراین به نظر می‌رسد در نظام گردآوری ادله کیفری، بهترین گزینه، تلفیقی از نظام قانونی و آزاد با یکدیگر باشد. بدین ترتیب که در موارد خلاء نظام قانونی به نظام آزاد کسب دلیل رجوع نمود و بالعکس.

۳- حقوق متهم در کسب دلیل

۳-۱- احترام به تمامیت جسمانی

عده‌ای از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و فلسفه با اصالت بخشیدن به اجتماع هر موقع که حقوق اجتماعی و فردی در تقابل با همدیگر قرار می‌گیرند، با فدا کردن حقوق فردی از اجتماع دفاع می‌کنند. حالت اسف بارتر این موضوع زمانی است که پای شکنجه به میان آید و بدین ترتیب مهمترین حق از حقوق فردی پایمال گردد (حیدرعلامه، ۱۳۸۹، ۴۱۵).

از ابتدای ورود سیستم عدالت کیفری در یک پرونده که همان مرحله کشف جرم و تحصیل دلیل می‌باشد، تا وقتی که اتهامی به اثبات نرسیده و مسئولیتی بر دوش کسی به عنوان مجرم بار نشده است، اعمال هرگونه «خسونت فیزیکی که منتهی به مخدوش شدن اصل تمامیت جسمانی گردد ممنوع است و هر گونه دلیلی هم که از این طریق به دست آید غیرمشروع بوده و بلا اثر می‌باشد (پورزند، ۱۳۸۰، ۱۸).

شکنجه که بارزترین نوع آن، خدشه به اصل تمامیت جسمانی است، در حقوق بین الملل به موجب دو منبع معتبر ممنوع شده است. یکی از این منابع معاهدات بین المللی است و دیگری عرف بین المللی ناشی از طرز عمل عمومی است که همانند حقوق مقبول واقع شده است. ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، قرارداد منع شکنجه مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از جمله مقررات بین المللی می‌باشند که به بیان قاعده منع شکنجه پرداخته‌اند. در حقوق داخلی نیز اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری صریحاً شکنجه را ممنوع کرده است. بنابراین چنانچه در جریان تحصیل دلیل چه در عرصه بین الملل و چه در عرصه داخلی فردی مورد شکنجه واقع شود و تمامیت جسمانی او به هر شکلی به مخاطره بیفتد، دلیلی که از این طریق تحصیل شده باطل و بلا اثر بوده و این عمل هم مشمول جرائم و مجازات خواهد بود.

البته شکنجه نه فقط شامل اذیت و آزار بدنی، شامل هر گونه رنج و عذاب روحی نیز می‌گردد که بر اساس مقررات یاد شده ممنوع می‌باشد. تلاش جامعه جهانی در زمینه مبارزه با شکنجه تا آنجا بوده است که این کار را در کنار قتل، به بردگی گرفتن، کوچ دادن اجباری، تجاوز جنسی و غیره، جنایت ضدبشری به شمار آمده و حتی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در رده جرائم قابل پیگرد از سوی این دیوان قرار گرفته است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶، ۱۲۷).

بنابراینچه ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر، ممنوع بوده و دلایل تحصیل شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۳-۲- احترام به حیثیت ذاتی اشخاص

متهم حق برخورداری از رفتاری منطبق با حیثیت ذاتی انسان را دارد. قانون اساسی در اصل ۳۹ مقرر می‌دارد «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر شده، بازداشت، زندانی یا تبعید گردیده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است».

۳-۳- احترام به زندگی خصوصی و حق خلوت

زندگی خصوصی افراد نیز از جمله حقوق اساسی آنان است که تحت هر شرایطی بایستی از تعرض مصون بماند. آن چیزی که در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است نحوه عمل سیستم عدالت کیفری با این اصل مهم می‌باشد.

بنابراین مقامات قضایی و ضابطان دادگستری باید در فرایند جمع آوری ادله و کشف جرم مواظب باشند تا موجبات تضییع حقوق و آزادیهای افراد را فراهم نیاورند که این امر خطیر با پیشرفت پلیس علمی و به کار گرفتن دستگاههای ضبط صوت و تصویر و دوربین‌های مخفی بیشتر در معرض تزلزل است (فرخشه، ۱۳۸۴، ۶۷).

مقررات بین المللی از جمله ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ب ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، همه بالاتفاق تجاوز به حریم خصوصی افراد از جمله استراق سمع را ممنوع اعلام کرده است. قوانین موضوعه ایران نیز به لزوم احترام به حریم خصوصی افراد تأکید دارد و ضمانت اجرای آن هم در ماده ۵۸۲

ق.م.ا.آمده است. لیکن به نظر برخی از نویسندگان ماده ۲۳ ق.ا.د.ک. دست ضابطان را در مورد شکستن حریم خصوصی در جرائم مشهود باز گذاشته است که این گونه کلی گویی قانونگذار به دور از منطق حقوقی تلقی می‌شود. بنابراین احترام به حریم خصوصی و زندگی اشخاص ایجاب می‌کند که در تحصیل دلیل، حریم مسکن، محل کار، ارتباطات تلفنی، مکالمات و مراسلات اشخاص محترم شمرده شود (تدین، ۱۳۸۸، ۱۴).

اصل ۲۲ ق.ا.و مواد ۹۶ تا ۱۰۰ ق.ا.د.ک. به صراحت به احترام حریم خصوصی اشخاص و لزوم رعایت تشریفات آن در فرایند تحصیل دلیل اشاره دارد که عدم رعایت آن مطابق مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ ق.م.ا. ۴ دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

۳- ۴- احترام به کرامت انسانی

کرامت انسانی به معنای بزرگی و حرمت داشتن اوست و این امر نه یک حق بلکه وصف ذاتی انسان است (قماش، ۱۳۹۰، ۶۸). کرامت و شأن انسانی در هیچ شرایطی نباید قربانی اهداف دیگری گردد؛ زیرا پاسداشت کرامت انسانی یکی از ارزشهای اساسی اخلاقی است که امروزه بیش از گذشته به اهمیت آن پی برده شده است و نقض یک چنین ارزشی می‌تواند به شکستن یک نظام ارزشی مهم و در نتیجه به فروپاشی شالوده نظم اجتماعی منجر شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین جرائم شناخته شده در جوامع متمدن بشری اعمال منافی کرامت ذاتی انسان است که البته ارتکاب این جرم مانند هر جرم دیگری از سوی سیستم عدالت کیفری قبیح‌تر است. قوانین داخلی و بین‌المللی در زمینه حمایت از کرامت انسانی گام‌های مرثری برداشته‌اند. در حقیقت رعایت کرامت انسانی آنچنان دارای اهمیت می‌باشد که به طور قطع به عنوان پایه اساسی بسیاری از حقوق انسانی در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که این اصل در اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی نیز ذکر شده است؛ در حال حاضر کرامت انسانی علاوه بر این که به عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حق‌های جدایی ناپذیر در نظر گرفته شده، به عنوان یک ستون و پایه حقوق بشر در نظر گرفته شده و توسعه پایدار هر جامعه‌ای، رعایت آن را طلب می‌نماید؛ در غیر این صورت، ارزش‌هایی همانند آزادی و برابری، دیگر به اندازه کافی دارای مفهوم نبوده و رنگ خواهند باخت (Moutouh, ۱۹۹۹، ۶۱).

از آن جمله بند ۶ اصل دوم ق.ا. است که ایمان به کرامت انسانی را یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی برشمرده است و در اصول متعددی به صراحت از این حق و آثار آن حمایت کرده است (حبیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۶، ۶۳).

ممنوعیت منع شکنجه موضوع اصل ۳۸، منع هتک حرمت و حیثیت دستگیر شدگان موضوع اصل ۳۹، منع تبعید خودسرانه یا تغییر اقامت اجباری موضوع اصل ۳۳، منع دستگیری و توقیف غیرقانونی موضوع اصل ۳۲ همگی در حمایت از اصل و ملزومات احترام به کرامت ذاتی انسان می‌باشد.

۳-۵- احترام به حق آزادی

یکی از بنیادیت‌ترین حقوق بشر آزادی در رفت و آمد است که در اسناد مهم بین المللی نیز به رسمیت شناخته شده است. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ منشور آفریقایی و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به همین اصل مهم اشاره دارند. با این وجود گاهی مقامات قضایی با صدور قرار بازداشت در تمام مدت تحقیقات مقدماتی متهم را عملاً زندانی می‌کنند که این اقدام خلاف بین اصل برائت و اصل آزادی است. متهمی که هنوز جرمی از او به اثبات نرسیده است متحمل مجازات زندان می‌شود که دارای آثار سوئی می‌باشد. یکی از این آثار ذهنیت منفی‌ای است که قضات از یک متهم بازداشت شده پیدا می‌کنند و سعی می‌کنند رأی بر برائت او صادر نکنند. دومین اثر سوء آن است که فردی که هنوز مجرم شناخته نشده است در معرض تمام مضراتی قرار می‌گیرد که سیستم متعالی عدالت کیفری بخاطر این مضرات حتی از زندانی کردن مجرم نیز خودداری می‌کند و از مجازات‌های جایگزین حبس بهره می‌جوید. این وضعیت وقتی اسف بارتر است که این متهم نهایتاً تبرئه می‌شود اما سیستم قضایی علیرغم وظیفه خودش به میزان خسارات مادی و معنوی از عهده تاول او برنمی‌آید. بنابراین شایسته است تمام تشریفات صدور قرار بازداشت موقت رعایت گردد. تشریفات اعم از صدور قرار توسط مقام صالح، مبنی بر دلایل قابل توجیه، مدت معقول بازداشت، مکان مناسب آن، اطلاع دادن به خانواده متهم و غیره که همگی باید مراعات گردد. قوانین و مقررات داخلی در این زمینه نیز پایه پای مقررات بین المللی رویکرد خوبی داشته است و قانون اساسی در رأس همه قوانین موضوعه داخلی در اصول ۳۲ و ۳۳، ۳۶ و ۳۷، ۳۸ و ۳۹ به بیان صریح حق آزادی اشخاص و آثار آن پرداخته است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶، ۱۲۹).

بنابراین اصل بر آزادی اشخاص و ممنوعیت توقیف، دستگیری و بازداشت آنان است و این اصل ایجاب می‌کند که بازداشت و دستگیری در موارد استثنایی و ضروری نیز کاملاً محتاطانه و با رعایت مقررات خاص تعیین شده انجام پذیرد.

۳-۶- رعایت اصل بی طرفی قضایی

یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه و شرط لازم تحقق آن اصل بیطرفی در دادرسی است. گفته می‌شود مبنای اصل بیطرفی همان برابری افراد نسبت به یکدیگر در قبال هیئت حاکمه و نزد مراجع قانونی است. تمام آحاد شهروندان یک جامعه در مقابل قانون و مراجع دادرسی برابرند. در مواد ۷ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۳ و ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است (رازقی، ۱۳۸۹، ۸۷).

بیطرفی در دادرسی دارای جهات متعددی است؛ یکی از آن جهات بی طرفی در تفسیر و تأویل قواعد و قوانین است که گفته می‌شود تأثیر شدیدتری در دادرسی دارد. یک جنبه دیگر بیطرفی در تحصیل دلایل له یا علیه متهم یا هر کس دیگری است. البته آن بدان معنا نیست که دادرس نتواند از حق و عدالت حمایت کند و این طبیعی است که حمایت از حق و حقیقت به حمایت از یک طرف دعوی خواهد انجامید اما تا زمانی که هنوز حقیقتی روشن نشده، در رفتار و گفتار هیچ مقام قضایی و هیچ دادرس نباید کوچکترین سوگیری وجود داشته باشد. البته این بیطرفی منحصر در دادرس نیست؛ بلکه ساختار یک سیستم عدالت کیفری باید به گونه‌ای چیده شود که عمل کرد آن تماماً بر پایه بیطرفی بنا شده باشد که این همان بی طرفی دادگاه یا بیطرفی عینی می‌باشد و در مقابل بیطرفی شخصی (بیطرفی دادرس) قرار دارد. برای تأمین بیطرفی دادرس گفته می‌شود ابزارهایی وجود دارد که استقلال قضایی، مصونیت دادرسان و تقوا و تزکیه نفس آنان از جمله این ابزارها می‌باشد و برای کنترل آن در نظام دادرسی نیز یک سری مقرراتی وضع شده است که علنی بودن دادرسی، احاله کیفری، رد دادرس، سلب صلاحیت در موارد خاص، دو درجه‌ای بودن رسیدگی، نظام تعدد دادرس و مستند و مستدل بودن رأی صادر شده از جمله این مقررات لازم الاجراست (ناجی، ۱۳۸۵، ۴۶).

۳-۷- اصل استقلال قضایی

تحقق استقلال قضایی در هر کشور نیازمند وجود شرایطی است. شرایط لازم برای تحقق استقلال قضایی را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. اولین شرط لازم جهت تحقق استقلال قضایی، وجود ساختاری مستقل برای قوه قضاییه و دومین شرط لازم، وجود سازوکارهایی جهت تضمین استقلال فردی قضاات است. در حقوق عصر، حاضر تعریف یکسانی از استقلال قضایی در متون قانون اساسی وجود ندارد.

تحولات و توسعه نظام‌ها و مفاهیم حقوقی، اندک اندک امنیت قضایی را پشت سر گذاشته و به ضرورت تأمین قضایی رسیده‌اند. تفاوت این دو مفهوم چنین تقریر می‌شود که امنیت قضایی، مربوط به تهدیدات و خطراتی است که از بیرون به سیستم آسیب می‌رسانند. اما تأمین قضایی ناظر به کمبودها، نارسایی‌ها و مشکلاتی است که تمامیت و مؤثر بودن نظام قضایی را خدشه دار می‌سازد. مثلاً اشتباهات قضاات، یعنی اشتباهاتی که ممکن است قضاات در فرایندهای رسیدگی مرتکب شوند و اشتباهات نظام قضایی، یعنی اشتباهاتی که ممکن است نظام قضایی به فرایندهای رسیدگی تحمیل کند، پیچیدگی قوانین، تکرر و فراوانی آنها و تعارض بین آنها و نظایر اینگونه معایب و نارساییها، از اموری هستند که شهروندان باید در قبال آنها از تأمین قضایی بهره‌مند شوند. اما مثلاً استقلال قضاات یا استقلال قوه قضاییه، مسائل مربوط به امنیت قضایی هستند. مبنای این تمایز از آنجاست که برای مؤثر و کارآمد بودن یک سامانه، تنها راحت بودن آن از شر مزاحمت‌های خارجی کافی نیست. بلکه یکپارچگی و تمامیت سامانه و همگونی و همخوانی اعضا و ارکان آن و انسجام و نظم و معنی‌دار بودن روابط بین اجزای سامانه نیز قطعاً لازم و ضروری است. اگر سامانه قضایی، کاملاً و مطلقاً از مزاحمت و خطرات خارجی در امان و مأمون باشد، اما اموری از قبیل ضعف دانش و بینش قضاات، نقایص کارشناسی قوانین و مقررات یا ناهمگنی و تعارض بین آنها، نتواند عدالت را برقرار نماید و در یک کلام، تأمین قضایی برپا نباشد، کارآمدی سامانه قضایی اگر یکسره و بکلی مفقود نباشد، بی‌تردید مخدوش و معیوب است. در عین حال باید به این نکته توجه داشت که هرچند نظام‌های توسعه یافته قضایی توانسته‌اند بر آسیب‌های امنیت قضایی فایق آیند و به گسترش تأمین قضایی روی آورند، اما نباید در انتظار استقرار امنیت قضایی، تأمین قضایی را به بوته فراموشی سپرد. امنیت و تأمین قضایی، همچون سایر مفاهیم علوم انسانی در روابط پیچیده و درهم تنیده‌ای قرار دارند و انتظام یک مجموعه منظم و قوه قضاییه مستقل و کارآمد بدون درک و شناخت دقیق اجزا و روابط بین آنها میسر

نیست. استقلال قوه قضائیه از قوای دیگر لزوماً تابع ساختار معینی نیست، یعنی تنها یک مدل برای استقلال قوه قضائیه وجود ندارد که اگر از آن مدل تبعیت نشود استقلال قوه قضائیه نتواند تأمین شود. در ایران، قانونگذار اساسی تلاش کرد تا حداکثر استقلال را به قوه قضائیه اعطا کند، تصریح به وظایف و اختیارات وزیر دادگستری در اصل ۱۶۰ با هدف نفی نقش و اختیار وی در قوه قضائیه، اعطای حق ایجاد تشکیلات و تقدیم لوایح به رئیس قوه قضائیه در اصل ۱۵۸، پیش بینی نهاد رئیس قوه قضائیه در اصل ۱۵۷، نفی هرگونه نقش به قوه مجریه یا مقننه در نصب یا انتخاب رئیس قوه قضائیه و عموم قضات و به طور کلی حذف رابطه قوه قضائیه با دو قوه دیگر و تقلیل نقش وزیر دادگستری به شخصی که مسئول مسائل مربوط به روابط میان قوه قضائیه و قوای دیگر باشد، همه اینها نتیجه اعطای استقلال حداکثری به قوه قضائیه است، امری که از آغاز تا کنون هر روز بیشتر از دیروز قوه قضائیه را به سوی استقلال از دو قوه دیگر هدایت نموده تا آنجا که قوه قضائیه را از نظام تعادل و توازن قوا و در نتیجه از نظارت قوای دیگر خارج کرده است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۱).

هرچند این رویکرد، برای قوه قضائیه‌ای که ممکن بود به مویی از تعلق، خدمتگزار بی قید و شرط قوه مجریه باشد مذموم نیست و به ضعف‌ها و نارسایی‌های ناشی از بی نظارت ماندن می‌آرزیده است.

بر اساس تعریف بی‌طرفی می‌توان گفت که بی‌طرفی یک وضعیت ذهنی است که مربوط به شخص قاضی می‌شود. این وضعیت ذهنی در ارتباط با طرفین دعوا مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که استقلال قضایی به معنای عدم دخالت و نفوذ عوامل بیرون یا درون دستگاه قضایی در امر تصمیم‌گیری پیرامون پرونده است. ممکن است در ابتدای امر، این دو مفهوم یکسان دیده شوند اما هریک مربوط به وضعیتی خاص و با دیگری متفاوت‌اند. یکسان تصور کردن این دو مفهوم موجب خلط قلمرو آنها و در نتیجه برداشت نادرست از هریک می‌شود. بنابراین در حالی که بی‌طرفی به معنای عدم جانبداری قاضی است، استقلال قضایی تشریح‌کننده تأمین بنیادی و ساختاری در مقابل دخالت دیگران در وظایف قضایی می‌باشد (مجدزاده، ۱۳۸۳، ۴۹).

منظور از استقلال قاضی آن است که هیچ فشار یا تحمیل خارجی نباید مانع از انجام وظیفه قاضی گردد.

پس در واقع استقلال شرط بی‌طرفی قاضی است و قاضی فاقد استقلال، به طور عینی

مشکوک و مظنون به غرض ورزی است، یعنی این امکان وجود دارد که قاضی غیرمستقل به طور خودسرانه و در نتیجه تبعیت از اراده آزاد خود برای تفسیر موسع قوانین به گونه‌ای که می‌خواهد یا بر اثر فشار بیرون، از قوانین موجود تجاوز نموده و به جای اعمال صحیح قوانین موضوعه، در جهت تحکیم خودکامگی برآید. به عبارت دیگر، به هنگام بحث درباره استقلال بیشتر دادگاه به عنوان یک ارگان و جنبه‌های ساختاری آن به ذهن می‌آید ولی در بحث بی‌طرفی، اغلب اوصاف و خصوصیات اخلاقی و رفتاری شخص قاضی مطرح می‌شود. اما این مانع از توجه به ضرورت شرط استقلال قاضی علاوه بر استقلال دادگاه و نیز بی‌طرفی دادگاه، علاوه بر بی‌طرفی قاضی نیست. تفاوت در تضمین‌های پیش بینی شده در این زمینه گویای چنین واقعیتی است (فضائلی، ۱۳۸۹، ۲۴۴).

استقلال قضایی به عدم وابستگی قاضی به عوامل درون یا بیرون از دستگاه قضایی و نیز عدم نفوذ و یا فشار از سوی آنها بر روی قاضی اشاره دارد. از این رو در مفهوم استقلال نوعی اختیار و آزادی تصمیم‌گیری برای قاضی وجود دارد. در حالی که مفهوم بی‌طرفی را اساساً به معنای موضع قاضی در رابطه با طرفین دعوی مورد توجه قرار داده‌اند (ساکوچی، ۱۳۸۶، ۴۷).

بنابراین وقتی بی‌طرفی به عنوان یک وضعیت ذهنی خالی از پیش داوری، جانبداری و غرض‌ورزی مربوط به شخص قاضی مورد توجه قرار گیرد و استقلال به معنای عدم وجود رابطه تأثیرگذار و دخالت‌کننده که ممکن است آزادی عمل قضایی را تحت الشعاع قرار دهد تفسیر شود، این نتیجه به دست می‌آید که بی‌طرفی عدم تعصب است، حال آنکه استقلال، عدم تعهد است. در استقلال، مصونیت اصولاً در برابر عوامل خارجی است ولی بی‌طرفی مصونیت از عوامل درونی است (فضائلی، ۱۳۸۹، ۲۱۶).

از همین رو، در مجموعه اصول رفتار قضایی نیز مفهوم بی‌طرفی به عنوان یک ارزش مجزا و متمایز از استقلال مورد اشاره قرار گرفته است.

در شرح ارزش دوم مورد تأکید اصول رفتار قضایی بنگلور - که همان بی‌طرفی است، آمده است که: «استقلال، پیش شرط ضروری بی‌طرفی است» (شاه حیدرپور و هم‌تیه، ۱۳۷۹، ۷۱).

اگر استقلال یک قاضی نقض شود و آن قاضی در تصمیم‌گیری قضایی خویش مستقل نباشد و به عوامل دیگری وابسته باشد دیگر نمی‌توانیم صحبت از امکان عوامل دیگری وابسته باشد، این امر بدین معناست که در نحوه عملکرد نیز به سمت آن عامل یا عوامل گرایش پیدا

می‌کند. گرایشی که ممکن است حتی اجباری باشد و خود این گرایش یا جانبداری به معنای نقض بی‌طرفی است (رنجبران، ۱۳۹۲، ۴۸).

بنابراین به نظر می‌رسد که همانطور که در شرح اصول رفتار قضایی بنگلور مطرح شده است، استقلال پیش شرط ضروری بی‌طرفی و همانگونه که بیان شد رابطه آن با بی‌طرفی واجب است.

۳-۸- اصل پاسخگو بودن قوه قضاییه

طبق این اصل دستگاه قضایی هر زمان که لازم بود باید در برابر اقدامات خود پاسخگو باشد. در قانون اساسی ایران مانند بسیاری از کشورها، حق نظارت بر دادگاه‌ها به دیوان عالی کشور سپرده شده است. دیوان عالی کشور حق نظارت دارد، البته عملاً بر همه دادگاه نظارت نمی‌کند، به جز در موارد خاص و پرونده‌هایی که به آنجا ارجاع داده می‌شود. ولی طبق قانون اساسی، دیوان حق نظارت عام بر همه دادگاه‌ها را دارد. اینکه چگونه می‌شود اصل پاسخگو بودن را تضمین کرد، محل بحث است. مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم هیچگاه در این مسئله به نتیجه مطلوبی نرسیدند. آیا حق تحقیق و تفحص مجلس را می‌توان در امور قضایی هم جاری و ساری نمود و راجع به یک پرونده قضایی، مجلس هم وارد شود و تحقیق و تفحص کند یا خیر؟ در مجلس اول، در اوایل کار فکر می‌شد که با احضار در دادگستری و سؤال از وی، می‌توان به این اصل دست یافت. حتی در مجلس اول یک سری سؤالات از وزیر دادگستری مطرح شد که وزیر دادگستری، دلیل نداشتن اختیارات کافی از دادن پاسخ به سؤالات ناتوان بود و سرانجام از سمت خود استعفا داد. بی‌تردید وزیر دادگستری با اختیارات محدودی که دارد، نمی‌تواند در این زمینه پاسخگو باشد. رئیس قوه قضاییه هم که در برابر مجلس پاسخگو نیست. آیا به غیر از نظارتی که خود رئیس قوه می‌تواند داشته باشد و بازرسی‌هایی که می‌تواند انجام دهد، یعنی نظارت‌های درون قوه‌ای، آیا از بیرون قوه هم می‌شود نظارتی انجام داد؟ البته نظارت‌های عامی وجود دارند، مانند نظارت مردم، رسانه‌ها، احزاب، که این گونه موارد نظارت‌های عام و عمومی است که در صورتی که آزادی‌های لازم در جامعه باشد، می‌توان آن را فعال کرد. اما در عین حال به یک دستگاه رسمی خارج از قوه قضایی نیاز است، تا بتواند این قوه را مورد سوال قرار دهد و آن را ملزم به پاسخگویی کند. فعلاً چنین نهادی در کشور وجود ندارد.

در مجلس حاضر غیر از درون قوه قضاییه برای پاسخ گو بودن، ماده‌ای در وظایف مجلس

خبرگان وجود دارد که در سال ۱۳۸۱ در مجلس خبرگان تصویب شده که در آنجا آمده است: «نهادهایی که مستقیم زیر نظر مقام معظم رهبری هستند، مجلس خبرگان و هیئت رئیسه می‌توانند مسئولین آنها را به مجلس خبرگان فرا بخوانند و از آنها در مورد عملکردشان گزارش بخواهند و نمایندگان مجلس خبرگان هم می‌توانند سؤالات، نقدها و پیشنهادات خود را مطرح کنند و گزارش کامل آن را هم برای مقام رهبری ارسال نمایند» (ماده ۱۶ آیین نامه داخلی مجلس خبرگان).

۳-۹- اصل کارآمدی دستگاه قضایی

همه اصول، سیاست‌ها، برنامه‌ها و چارچوب‌ها باید دقیقاً مورد مراعات دستگاه قضایی قرار گیرد تا عدالت و امنیت قضایی تضمین گردد و دستگاه قضایی را کارآمد نماید. برای نمونه می‌توان به چند مورد اشاره نمود:

الف) متناسب بودن ارجاع پرونده‌ها با توان قاضی. اگر قاضی در میان پرونده‌های فراوانی خود را محصور ببیند و از طرفی مقامات بالا هم برای حل و فصل سریع‌تر آنها قاضی را تحت فشار قرار دهند، نمی‌توان انتظار قضاوت دقیقی از او داشت. کار عجولانه هیچ گاه نمی‌تواند با حقیقت و عدالت توأم باشد. باید در حدّ توان و در چارچوب ساعات کار روزانه، پرونده به قاضی ارجاع داده شود تا بتوان از کار صحیح و دقیق او اطمینان داشت.

ب) همسان نمودن فرهنگ قضاء نیز یک ضرورت است. در دستگاه قضایی عده‌ای تحصیل کرده حوزه علمیه هستند و عده‌ای هم در دانشگاه آموزش دیده‌اند که فرهنگ همسانی ندارند و این عدم هماهنگی در سال‌های بعد از انقلاب، همواره مشکل آفرین بوده است. باید در این زمینه تدبیر کرد تا راه حل مناسبی پیشنهاد و اجرا شود.

ج) تخصصی شدن رسیدگی به دعاوی جزو اصولی است که در سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، به عنوان یک اصل تأکید شده است.

د) تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضاییه از مواردی است که در سیاست‌های کلی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

هـ) تناسب جرم و مجازات که باید مورد توجه قضات از یک طرف و قوه مقننه از طرف دیگر قرار گیرد. این عدم تناسب در سال‌های اخیر یکی از مشکلات جامعه ما بوده است. وقتی

وجدان جامعه برخی از احکام دادگاه‌ها را نمی‌پذیرد و قبول نمی‌کند و تناسبی بین جرم و مجازات نمی‌بیند، جایگاه قوه قضاییه تضعیف و عدالت یا استقلال قاضی زیر علامت سؤال قرار می‌گیرد. اجرای موارد فوق می‌تواند کارآمدی دستگاه قضایی را تضمین کند.

۳-۱۰- اصل ثبات نظام قضایی

ثبات نظام دستگاه قضایی کشور، از اصولی است که امنیت قضایی قوه قضاییه را تضمین می‌کند. در سال‌های اخیر گاهی کارهای عجولانه‌ای انجام گرفت که بعد هم روشن شد که آن اقدامات، اقدامات درستی نبوده است. مثلاً در مجلس چهارم تحت فشار شدید، مجلس دادگاه‌های عام را تصویب و دادرها را منحل کرد که با اصرار رئیس قوه قضاییه آن مصوبه در مجلس با رأی ضعیفی تصویب شد. در آن جلسه مجلس، مطالب فراوانی از جمله بحث افراد از سوی قوه قضاییه در اثبات اینکه اگر این قانون تصویب شود، چه تحول مهمی رخ خواهد داد، مطرح شد. در دوره بعد هم رئیس قوه قضاییه جدید اصرار داشت که مجرمین در ملأ عام و در خیابان‌ها شلاق بخورند و این کار شروع شد. این هم جزو کارهای عجولانه‌ای بود که بعدها برچیده شد. برنامه‌های عجولانه و بی‌مطالعه نسبت به سیستم قضایی، می‌تواند امنیت قضایی را زیر سؤال برد.

نتیجه‌گیری

مرکز ثقل دعاوی، دلیل است. جایگاه و اهمیت ادله در دعاوی به ویژه در دعاوی کیفری غیرقابل اغماض و تسامح است. دلیل به عنوان اثبات وجود عملی در شیوه‌های پذیرفته شده توسط قانون و انتساب آن به شخص تحت بررسی در امور کیفری، کشف حقیقت است و این کشف حقیقت فقط در خدمت تأمین منافع خصوصی افراد زیان دیده نیست و به این قلمرو محدود نمی‌شود. از آنجا که ارتکاب جرائم موجبات اخلال در نظم جامعه و امنیت عمومی را فراهم می‌کنند، لذا کشف حقیقت، حمایت از منافع و مصالح عمومی و اجتماعی را نیز لحاظ می‌کند. ادله به عنوان وسایلی که قانوناً بتوانند وجود یا عدم وجود یک واقعه و صحت و سقم یک موضوع را تأیید کنند، از مهمترین مسائل آئین دادرسی کیفری است. بسیاری از بزرگان حقوق کیفری بحث دلیل را به عنوان یکی از اجزای پایه‌ای و اساسی دادرسی کیفری معرفی می‌کنند چرا که در صورت فقدان دلیل، قاضی مکلف به صدور حکم برائت است.

بدین خاطر است که قانونگذار و قاضی مکلفند بین مصالح و منافع مختلف از قبیل حمایت

از بی گناه، احترام به حیثیت و شرافت انسانی و حمایت از نظم عمومی جامعه، رابطه صلح آمیزی را برقرار نمایند. اثبات هر امری در مراجع قضایی به مفهوم «نمایاندن آن به کمک دلیل» است؛ بنابراین امری که ادعا شده اما اثبات نگردد، در حقوق مانند امری است که در واقع وجود ندارد. اهمیت «اثبات» تا آنجاست که گفته‌اند: عدم اثبات حق و نبود در امور حقوقی ادله اثبات دعوا محدود و از سوی قانونگذار احصا شده است. پذیرش این روش در حق به یک معناست. امور کیفری، مبارزه مؤثر علیه بزهکاری و اجرای عدالت را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. چنین است که در دعاوی کیفری اصل تحصیل آزادانه دلیل پذیرفته شده است؛ اصلی که علاوه بر جامعه، متهم نیز از آن بهرهمند می‌گردد. منظور از اصول حقوقی، احکامی کلی، دائمی و الزامی‌اند که مبنای حقوق موضوعه قرار گرفته و عقل مستقل آن را برای تضمین حقوق اساسی و سعادت انسان‌ها ضروری می‌داند و نقش هدایتگرانه‌ای در قانونگذاری و دادرسی دارند. یکی از محققان به نام دوگی اصول حقوقی را هنجار حقوقی، می‌نامد و می‌گوید، هنجارها و یا بنیادهای حقوقی اصولی هستند که به طور مستقیم از زندگی اجتماعی ناشی شده و مبنای تمام قواعد دیگر است. به اعتقاد دوگی، اصول حقوقی که برخاسته از احساس عدالت و تعاون اجتماعی است، مبنای همه قواعد حقوقی هستند. اصول حقوقی دارای ویژگی‌هایی هستند که عبارتند از: کلی بودن، دائمی بودن، مبنای بودن برای حقوق موضوعه، ثبوتی بودن و الزامی بودن. در خصوص ادله اثبات دعوا اصول کلی حقوقی جایگاه خاصی دارند. از جمله مهمترین اصولی که در ادله اثبات دعوا نقش دارند می‌توان به اصول، اصل قانونی بودن، اصل شفافیت دلیل، اصل آزاد بودن کسب دلیل، اصل براءت، اصل تساوی، اصل مشروعیت دلیل، اصل ضرورت و اصل احترام به حریم خصوصی اشاره نمود. برای نمونه در خصوص اصل قانونی بودن، می‌توان گفت، دادرسی منصفانه دربردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق اصحاب دعوا در رسیدگی به دعوی آنان پیش بینی گردیده است. در بستر چنین دادرسی، دلیل به عنوان مرکز ثقل دعای کیفری نه تنها باید خود، مشروع و قانون باشد بلکه روش تحصیل و به کارگیری آن نیز باید تابع اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری باشد. کیفر مجرمان در اجتماع، هرچند یکی از اهداف اساسی آیین دادرسی کیفری است اما این هدف مهم نباید به کارگیری هرگونه ابزار و وسیله‌ای را توجیه نماید. بدیهی است، نظام قانونی تحصیل دلیل، به دلیل قرار گرفتن در تنگنا و محدودیت نمی‌تواند به تنهایی نظام مناسبی جهت استقرار یک دادرسی منصفانه تلقی شود. در کشور ما مقررات آیین دادرسی کیفری، به وضوح گویای پذیرش چنین نظامی می‌باشد که البته این امر را می‌توان به عنوان

یکی از نواقص بزرگ قانونی کشورمان دانست. لازم به ذکر است که در مقام نظام قانونی تحصیل دلیل، نظام آزاد تحصیل دلیل مطرح می‌باشد. در این نظام محدودیت‌های نظام قانونی کسب دلیل مشاهده نمی‌شود

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، جهاد دانشگاهی، تهران.
۲. آشوری، محمد (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، تهران.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۵هـ)، لسان العرب، جلد سوم و چهارم، بیروت، دارالتراث العربی.
۴. اشرافی، ارسلان (۱۳۸۹)، اصل تساوی سلاحها در حقوق ایران با تاکید بر قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه حقوق فارس، شماره ۱.
۵. انصاری، باقر (۱۳۹۰)، حقوق حریم خصوصی، انشارات سمت، تهران.
۶. بابایی، محمدعلی و افراسیابی، علی (۱۳۸۹)، حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجله آموزه های حقوقی دانشگاه علوم رضوی، شماره ۱۳.
۷. پورزند مقدم، پژمان (۱۳۸۰)، ژرف ساخت دلیل کیفری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۴.
۸. تدین، عباس (۱۳۸۸)، گستره دلیل در دادرسی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۷۳.
۹. تدین، عباس (۱۳۹۰)، تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۳.
۱۰. توکلی، سعید (۱۳۸۵)، ارزش شهادت و حدود اعتبار آن در نظام حقوقی ایران، مجله دادرسی، شماره ۵۶.
۱۱. جباری، صابر (۱۳۹۲)، تاثیر تحصیل دلیل به طریق نامشروع بر ماهیت دلیل واقعی در پرتو فقه اسلامی، اسناد بین المللی و حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۱۲. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۳)، مبانی فلسفی تفسیر حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵)، حقوق تعهدات، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، دانشنامه حقوقی، جلد سوم، امیرکبیر، تهران.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش.
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)، ادله اثبات دعاوی کیفری، مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۷. حبیب زاده، محمدجعفر و رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۶)، مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۲.
۱۸. حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۸۳)، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات سمت، تهران.
۱۹. حیدری، الهام و فتحی، محمدجواد (۱۳۹۳)، گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان، مجله مطالعات دانشگاه شیراز، شماره ۲.
۲۰. خزانی، منوچهر (۱۳۸۹)، فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، گنج دانش، تهران.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹)، لغت نامه دهخدا، جلد دوم، موسسه نشر دانشگاه تهران، تهران.
۲۲. رازقی، کیانوش (۱۳۸۹)، استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران، فصلنامه حقوق، شماره ۱۰۵.
۲۳. رستمی، مهدی (۱۳۹۶)، تحولات ارزش اثباتی اقرار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دومین همایش بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی.
۲۴. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، انتشارات ققنوس، تهران.
۲۵. سرمست بناب، باقر (۱۳۸۷)، اصل برائت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، تهران.
۲۶. صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۷. طاهری بجد، محمدعلی (۱۳۸۹)، تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، نشر سمت، تهران.

۲۸. طه، فریده؛ اشرافی، لیلا (۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، نشر میزان، تهران.
۲۹. عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۰. فضائی، مصطفی (۱۳۸۹)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، نشر شهر دانش، تهران
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۳۲. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵)، ادله اثبات دعوی، انتشارت میزان، تهران.

Abstract

Evidence in criminal matters in the procedural system is the basic element of the case before the judge. The law cannot be violated against the person or persons accused of committing a crime. The fundamental importance of evidence in criminal proceedings highlights the need for an in-depth study of it as well as the legal principles that govern it. Observance of legal principles governing the evidence of litigation causes legal comfort and tranquility of citizens and, as a result, promotes human society in the economic, cultural, political and other fields. General legal principles, as the foundations of any legal system, are a set of general provisions that are the source of a few more detailed rules. They interpret them in cases of ambiguity and complement legal defects, and on the other hand, the legislator clarifies and generalizes general and abstract principles by setting rules. The principles assist the judge in providing a judicial interpretation of the law and are the criteria for evaluating judicial judgments.

Keywords: legal principles,, criminal law., Obtaining evidence, defendant rights

رابطه انس با قرآن و نقش آن در سلامت روانی و کاهش جرایم و پیشگیری از آن

(مطالعه موردی بیماران بستری در بیمارستان های اصفهان)

دکتر محمد مهدی احمدی فراز *

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۲/۱۰/۱۵	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۲/۱۰/۲۵	شماره صفحه : ۶۲-۲۵
--------------------	---------------------------	--------------------------	--------------------

زمینه و هدف: دستیابی به آرامش واقعی یکی از خواسته های همیشگی بشر در طول تاریخ بوده و در این راستا، تأثیر و نقش دین در آثار اجتماعی و فردی برای رسیدن به آرامش مؤثر بوده است پژوهش حاضر که تحت عنوان «بررسی رابطه انس با قرآن با سلامت روان بیماران بستری در بیمارستانهای اصفهان» مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش شناسی : روش تحقیق این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. داده ها در نرم افزار Excel وارد شده و با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمونهای آماری توصیفی (میانگین) و آزمون های تحلیلی، t -test تجزیه و تحلیل شده است.

جامعه آماری: این پژوهش شامل کلیه بیماران بستری در بخشهای مختلف بیمارستانهای شهر اصفهان می باشد. که نمونه مورد مطالعه ۱۵۶ بیمار بوده است. علاوه بر سؤالاتی در زمینه جمعیت شناختی مانند جنس، تأهل، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و اشتغال به کار، از سه پرسشنامه انس با قرآن، نگرش به قرآن و پرسشنامه سلامت عمومی GHQ28 استفاده شده است. از نظر انس با قرآن و نگرش به قرآن به ترتیب ۳۹/۷ درصد و ۵۰ درصد در حد بالا، ۳۰/۷ درصد و ۳۵/۲ درصد

* استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

درصد در حد متوسط و ۲۹/۶ درصد و ۱۴/۸ درصد در حد پایین بودند. از نظر سلامت روانی ۵۶/۴ درصد وضعیت روان سالم و ۴۳/۶ درصد بیماران مشکوک به اختلال روانی و دارای مشکل سلامت روان هستند. و در حقیقت از نظر سلامت روان بیمار محسوب می شوند.

یافته و دستاوردها: نتایج ارزیابی بیانگر همبستگی بین انس با قرآن و ابعاد چهارگانه سلامت روان (کارکرد اجتماعی $sig=0/002$ -افسردگی $sig=0/050$) می باشد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد. و بین نگرش به قرآن و بعد افسردگی سلامت روانی همبستگی (۱/۰۰۱ $sig=$) وجود داشته و با اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد. اما بین انس با قرآن و نگرش به قرآن با کارکرد جسمانی سلامت روان بیماران همبستگی وجود داشته و رابطه معنی داری نبوده است. با توجه به نتایج پژوهش و رابطه بین میزان انس به قرآن و نگرش به قرآن لازم است کارهای فرهنگی بیشتری انجام شود و برای بررسی رابطه انس با قرآن و سلامت روان توصیه می شود پژوهش های مداخله ای و یا مقایسه ای گروه مورد و شاهد انجام شود.

واژگان کلیدی: سلامت روانی، بیماران، قرآن کریم، شهرستان اصفهان

مقدمه و بیان مساله:

اگر چه مطالعه نظریه پردازی در زمینه های مختلف دینی از قدمت طولانی برخوردار است اما مطالعه دین از زاویه روان شناختی از حدود ۱۰۰ سال پیش آغاز شده است. نگرش دینی و موضوعات مرتبط به حیطه دین و روانشناسی تحت عنوان روانشناسی دین می باشد که موجودیت خود را به هم زمانی پیرایش ادیان تطبیقی در قرن ۱۹ با پیدایش دو رشته دیگر یعنی روان تحلیل گری و روان شناسی فیزیولوژیک مدیون است (خرمشاهی، ۱۳۷۵ به نقل از روغنجی، ۱۳۸۴).

مفهوم سلامت روان یا سلامت روان شناختی، جنبه ای از مفهوم کلی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی است، که علی رغم تلاش هایی که از سوی پیشگامان سلامت روانی در جهان به منظور تأمین هر چه بیشتر سلامتی انسانها به عمل آمده هنوز معیار قاطعی در زمینه تعریف و مصداق کامل سلامتی روانی در افراد وجود ندارد. توجه به سلامت فکر و روان پس از جنگ اول جهانی در برخی از دانشکده های اروپا به تدریج متداول شده است تا آنجا که در سال ۱۹۴۴، نوزده کشور در اروپا و آمریکا دارای جمعیت های طرفدار بهداشت روانی شدند. ولی پس از جنگ

دوم جهانی و برملا شدن وقایع وحشت‌انگیز آن، موضوع سلامت فکر و بهداشت روانی با تأکید بر کیفیت روابط افراد بشر، مورد توجه جدی و عمیق حکما و فلاسفه، پزشکان، کارشناسان، مربیان تعلیم و تربیت، دانشمندان، روحانیون و متفکران علوم اجتماعی قرار گرفت. در سال ۱۹۴۸ با شرکت نمایندگان ۴۸ کشور از جمله ایران «انجمن جهانی سلامتی فکر» در لندن تأسیس شد و مقرر شد که ۴ سال یکبار، کنگره جهانی سلامت فکر با حضور نمایندگان کشورها و با اهداف بررسی مسائل مربوط به روابط فرد با خانواده، فرد با اجتماع، فرد با مسایل و مشکلات زندگی مدرن ماشینی و... برگزار و مورد بحث قرار گیرد. سلامت روانی علاوه بر بدن سالم، به محیط و شرایط زندگی سالم نیاز دارد. این که محیط و عوامل مختلف آن چگونه بر ساختار روانی فرد و سلامت روانی او تأثیر می‌گذارد و فرد با چه شیوه‌ای با کشمکش‌های محیطی مبارزه می‌کند، موضوعی است که رویکردهای مختلف روان‌شناسی هر کدام با توجه به دیدگاه اختصاصی خود پیرامون ماهیت انسان و نیروی انگیزشی او سلامت روانی انسان را به شیوه خاصی تبیین کرده‌اند. به عنوان مثال برخی از این رویکردها، سلامت روانی را فرآیندی مستمر دانسته‌اند و برخی دیگر آن را در قالب هنجارها و پیروی از آداب و سنن اجتماعی جستجو کرده‌اند و گروهی دیگر به هر دو جنبه توجه نموده‌اند. به عنوان مثال روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی در آسیب‌شناسی روانی بر اصل انسان بهنجار تأکید داشته‌اند و بهنجاری یا سلامت روان را معادل «فقدان علایم بیماری» می‌پنداشته‌اند اما وضعیت جاری روان‌شناسی جهان حاکی از توجه شایان روان‌شناسان به مفهوم سلامت روانی در قالبی ورای بهنجاری و فقدان علایم بیماری است (خدا رحیمی، ۱۳۹۴).

تحقیقات مربوط به مذهب، شخصیت و سلامت روان فراخنایی به اندازه یک قرن دارند. در سال‌های اخیر تحقیقات بیشماری در مورد مذهب و سلامت روان انجام شده است. این تحقیقات به طور کلی نشان داده‌اند که یک ارتباط مثبت بین مذهب و سلامت روان وجود دارد. به نظر می‌رسد اعتقادات مذهبی می‌توانند اثرات مثبت و یا منفی بر سلامت روان داشته باشند و بسته به دیدگاه‌های مذهبی شخص، رویدادهای مشابه در زندگی افراد می‌توانند به شیوه‌ای کاملاً متفاوت مد نظر قرار گیرند (شاملو و نجات، ۱۳۸۷).

سلامت روان به عنوان یکی از مؤلفه‌های «سلامت» در عرض «سلامت بدنی» همواره در کانون توجه دانشمندان علوم گوناگون قرار داشته است. در طول تاریخ، عقاید راجع به سلامت و بیماری، الگوهای تأثیرگذار بر آنها و شیوه‌های پیش‌گیری، تشخیص و درمان بیماری تغییر کرده است. سلامت روان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به دلیل آنکه متأثر از عوامل متعددی

است، در تطور تاریخ سلامت دستخوش تغییر و تحول شده است. گاهی برخی عوامل خرافی را در بروز اختلالات روانی مؤثر دانسته و گاه نیز بر برخی عوامل به گونه‌ای افراط‌گرایانه تأکید نموده‌اند. در نهایت، اکنون دیدگاه «زیستی - روانی - اجتماعی»، دیدگاه نظری برجسته‌ای است که فرض اساسی آن، تأثیر متقابل عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، و اجتماعی در تعیین سلامت و بیماری است (تایلور، ۱۹۹۵). به همین دلیل، سلامت روانی در قالب پدیده‌ای زیستی - روانی - اجتماعی، مستلزم درک و تفسیر درست از امور مرتبط با آن است و آن را باید در چارچوب عوامل اساسی زمینه‌ساز و تعدیل‌کننده مورد توجه قرار داد. همچنین اختلالات روانی نیز همانند سلامت روان، منتج مؤلفه‌های زیستی، روانی، و اجتماعی هستند و کمتر می‌توان برای آنها، علت و عامل واحدی را برشمرد. چنان‌که ادلین^۱ و همکاران (۱۹۹۹) بیان نموده‌اند، در بالا بودن سطح سلامت افراد، لازم است که تمامی سطوح و ابعاد آن با یکدیگر هماهنگ و یکپارچه باشند. برخی ابعاد که ادلین و همکاران (۱۹۹۹) برای ایجاد تعادل در فرد بر آن تأکید نموده‌اند عبارتند از: ابعاد جسمانی، هیجانی، هوشی، معنوی، شغلی و اجتماعی. اگرچه تعریفی که سازمان جهانی بهداشت از سلامت ارائه کرده، در دنیای امروز به عنوان جامع‌ترین و مقبول‌ترین تعریف پذیرفته شده است، اما نمی‌توان نقص بزرگ آن را نادیده گرفت. البته اگر نیازهای انسان فقط در حد نیازهای جسمی، روانی، و اجتماعی محدود بود، این تعریف از سلامت، کاملاً کافی به نظر می‌رسید (اصفهانی، ۱۳۸۴). بر این اساس، می‌توان گفت: اگر نگاه به انسان و مطالعه در ابعاد مختلف وجودی او و - برای مثال - مطالعه دربارهٔ روان آدمی و امور مربوط به آن، از جمله مسئلهٔ سلامت روانی، صرفاً بر اساس مبانی تجربه‌گرایی انجام گیرد و به گونه‌ای باشد که منجر به پالایش علم از اعتقادات ماورای طبیعی و معارف وحیانی گردد، عملاً انسان خود را از معارف بسیاری دربارهٔ خود و جهان هستی محروم ساخته و همچنان در یک شناخت‌شناسی محدود باقی خواهد ماند. پس آنچه در مجموع باید گفت این است که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه، نادیده‌انگاری حیات روحانی بشر و بی‌توجهی نسبت به بخشی از معارف است که از طریق وحی به دست انسان رسیده است. اگر در علم جدید برای جهان هستی غایت و هدفی منظور نشود و سازمان وجودی همهٔ موجودات هستی فقط به صورت مکانیکی و تنها بر اساس عناصر و فعل و انفعالات بیوشیمیایی و فیزیکی تعبیر و تفسیر شود، حضور اراده‌های ذی‌شعور، به هر

نحوی نادیده گرفته می‌شود. بر همین اساس، مؤلفان بسیاری (از جمله: حبّی، ۱۳۸۳؛ اصفهانی، ۱۳۸۴؛ میلر و تورسن، ۱۹۹۹؛ به نقل از تان^۱ و همکاران، ۲۰۰۱) پیشنهاد می‌کنند که با وارد کردن معارف الهی در شناخت ماهیت وجودی انسان و بعد روحی - روانی او و همچنین در نظر گرفتن عواملی که دین برای آرامش و اطمینان قلبی مطرح می‌سازد، تلاشی برای دستیابی به چشم‌اندازی گسترده‌تر از مفهوم روان و سلامت روانی صورت گیرد. میلر و تورسن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند که «تصویر درست‌تر از سلامتی این است که آن را یک سازهٔ نهفته مانند شخصیت، خلق یا شادکام بودن تصور نماییم؛ سازه‌ای چند بعدی که زیرساخت مجموعه‌ای وسیع از پدیده‌های قابل مشاهده می‌باشد». در مفهوم‌سازی پیشنهاد شدهٔ میلر و تورسن سلامتی، دربردارندهٔ سه دامنهٔ گسترده می‌شود، رنج، توانایی کارکردی، و آرامش یا انسجام درونی ذهنی در زندگی. این دامنه‌ها، افزون بر جنبه‌های بدنی، جنبه‌های شناختی، هیجانی و معنوی را دربرمی‌گیرند (به نقل از تان و همکاران، ۲۰۰۱).

تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی و محیطی بر سلامت روان در پژوهش‌ها فراوان مورد تأکید قرار گرفته است، اما یکی از عواملی که به طور روزافزون بر نقش آن در بهداشت روان و ارتقای سلامت روان تأکید می‌شود، عامل جهت‌گیری مذهبی است. گورساک^۲ (۱۹۸۸) در این خصوص یادآور می‌شود که آگاهی در مورد مذهب به اندازهٔ سایر ضمایم پایگاه اطلاعات روان‌شناختی ارزشمند است؛ به همین دلیل، می‌توان چنین استنباط نمود که میزان دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی به عنوان یک متغیر و منبع مهم برای ایجاد تغییرات روان‌شناختی در افراد قابل توجه است. بنابراین، انتظار می‌رود با پذیرش «مذهب» به عنوان یک متغیر مهم در زندگی افراد، آن را به عنوان یک منبع برای تأثیر در نفوذ باور، نگرش، رفتار، و ویژگی‌های شخصیتی افراد مورد بررسی قرار داده و از آن به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر تحلیل و بررسی‌های روان‌شناختی یاد کنند. با نگاه به تاریخچهٔ پژوهش‌های صورت گرفته در زمینهٔ مذهب و سلامت روان، به این نتیجه دست می‌یابیم که به رغم توافق بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در وجود یک رابطهٔ مثبت میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان، چگونگی سازوکار تأثیر دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی بر مؤلفه‌های سلامت روان به درستی تبیین نگردیده است. به دلیل آنکه عقاید و ارزش‌های مذهبی

1. Tan

2. Gorsach

بخشی از زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد، تأثیر ارزش‌ها و باورهای مذهبی بر سلامت روان و یا بهداشت روان در پژوهش‌های بسیاری بر روی جامعه‌های آماری گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از ارتباط و همبستگی مثبت بین ارزش‌های مذهبی با بهداشت روان در افراد است (آلواردو^۱ و همکاران، ۱۹۹۵؛ میسن هلدر و چاندلر، ۲۰۰۰؛ لارسون، کونیگ، ۲۰۰۰؛ به نقل از ساردوئی، ۱۳۸۲).

افزایش تحقیقات در زمینه‌های گوناگون، از جمله میزان مذهبی بودن، نیاز به مذهب، تأثیر آن بر سلامت جسمی و روانی، مقابله با تنیدگی در سطوح مختلف سنی، مراقبت‌های بهداشتی، و سلامت اجتماعی بسیار معنادار است. چاپ مقالات متعدد، انتشار روزافزون نشریه‌های گوناگون و ایجاد نهادهای رسمی برای بررسی‌های علمی دین و دین‌داری در سراسر دنیا شاهی بر این مدعاست. در این بین، برخی دانشمندان معاصر عرصه روان‌شناسی (از جمله: اسپیلکا^۲ و همکاران، ۲۰۰۳؛ آرگیل^۳، ۲۰۰۰؛ گورساچ، ۱۹۸۸؛ پارگامنت^۴، ۱۹۹۲؛ کونیگ و لارسون^۵، ۲۰۰۱) تمام تلاش‌های علمی خود را صرف بررسی نهاد دین نموده‌اند؛ برای مثال، مجله بین‌المللی روان‌شناسی دین و مجله مطالعه تجربی دین، مجله مذهب و پزشکی، مذهب و سال‌خوردگی، روان‌درمانگری در چارچوب مذهب، مذهب و روان‌شناسی، تجربه دینی، و خدا در ناهشیار. آنچه به اجمال مورد اشاره قرار گرفت، همگی بیانگر اهمیت روزافزون مذهب در زندگی بشر امروزی و تحقیقات دامنه‌دار روان‌شناسی در این عرصه هستند. شاید مهم‌ترین دلیل برای این مسئله آن باشد که با افزایش جهت‌گیری مذهبی و ایمان مذهبی در افراد، فرایند خودکنترلی در درون فرد نیز ارتقا یافته و مانع از اثربخشی شرایط بیرونی یا جمعیت‌شناختی و موقعیت‌های محیطی می‌شود. در نتیجه، فرد کمتر دستخوش شرایط نامناسب قرار گرفته و سلامت روان خود را حفظ می‌کند. بر این اساس، در توجیه این رابطه برخی نظریات قابل توجه وجود دارد:

و اکنون به دلیل تحولات شگرف در تکنولوژی و متأثر ساختن زندگی کنونی، نقش و اهمیت و ارزش قرآن و مسائل دینی به عنوان راهی برای بهبود سلامت جامعه بیش از پیش مورد

-
1. Alvarado
 2. Spilka
 3. Argyle
 4. Pargament
 5. Koenig and Larson

توجه قرار گرفته است. بنابراین در این تحقیق، محقق به دنبال تبیین رابطه بین انس با قرآن و سلامت روانی در بیماران بستری شده در بیمارستان‌های اصفهان می‌باشد و اینکه چه نوع رابطه‌ای بین آنها وجود دارد؟ آیا افرادی که انس با قرآن بیشتری دارند از سلامت روان متعادل‌تری برخوردارند یا خیر؟

ضرورت انجام تحقیق

امروزه با وجود پیشرفت‌های علمی چشمگیری که در زمینه‌های روان‌پزشکی و روان‌درمانی به وجود آمده است، برخی از صاحب‌نظران برجسته نیاز به نقش، اهمیت و ضرورت دین در بهداشت روانی و روان‌درمانی را مورد تأکید قرار داده، معتقدند که اعتقادات مذهبی و توکل به خدا، موجب تسکین و بهبودی سریع‌تر آلام و مشکلات روانی می‌شود. در قرآن کریم، می‌خوانیم: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۱ «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است». اولین برداشتی که صورت می‌گیرد این است که بدون ایمان، آرامش روحی و روانی وجود ندارد. یا دست‌کم می‌توان گفت: یکی از عوامل ایجاد آرامش، دارا بودن ایمان به خدا می‌باشد. به تعبیر علامه طباطبائی «ظاهراً مراد از سکینت در این آیه آرامش و سکون نفس و اطمینان آن، به عقایدی است که به آن ایمان آورده و لذا نزول سکینت را این دانسته که «لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» تا ایمانی بر ایمان سابق آنها بیفزایند. پس معنای آیه این است که: پروردگار عالم، ثبات و اطمینان را لازمه مرتبه‌ای از مراتب روح دانسته و در قلب مؤمن جای داد تا ایمانی که قبل از نزول سکینت وجود داشته بیشتر و کامل‌تر شود.» (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۱۰۸۶). اعمال مذهبی، ارزش مثبتی در ایجاد معنی در زندگی دارند؛ اعمالی از قبیل توکل به خداوند، زیارت و غیره می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند. باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر اعمال عبادت‌کننده‌هاست، تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد. به‌طوری که اغلب افراد مؤمن ارتباط خود را با خداوند، مانند ارتباط با یک دوست بسیار صمیمی توصیف می‌کنند و معتقدند که

می‌توان از طریق اتکا و توسل به خداوند، تأثیر موقعیت‌های غیرقابل کنترل را به‌گونه‌ای کنترل نمود. به همین دلیل، گفته می‌شود مذهب می‌تواند به شیوهٔ فعالی در فرایند مقابله مؤثر باشد. به‌طور کلی مقابله مذهبی، متکی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است و از این طریق، در کنترل استرس‌های هیجانی و ناراحتی‌های جسمی به افراد کمک می‌کند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق به منبعی والا، امیدواری به کمک و یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و روحانی همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آنها می‌توانند در برخورد با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند. مذهب می‌تواند در تمامی امور، نقش مؤثری در استرس‌زایی داشته باشد و در ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی فرد، فعالیت‌های مقابله و منابع حمایتی موجب کاهش گرفتاری روانی شود. بر این اساس، امروزه چنین تصور می‌شود که بین مذهب و سلامت روان ارتباط مثبتی وجود دارد و اخیراً نیز روان‌شناسی مذهب، حمایت‌های تجربی زیادی را در راستای این زمینه فراهم آورده است (اسدی، ۱۳۹۱). با توجه به مطالعات متعددی که در زمینه مذهب و سلامت و بهداشت روان انجام شده است، اما به دلیل تناقض در مطالعات انجام شده و نتایج متفاوتی که در این مطالعات حاصل شده است، تا رسیدن به یک رابطه منطقی و مستدل و علمی راه طولانی باقی مانده است، چرا که مذهب دارای ابعاد گوناگونی است و سلامت روان نیز از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است. یکی از مباحثی که تاکنون در ارتباط با سلامت روان مورد توجه قرار نگرفته است، مسأله انس با قرآن و ارتباط آن با سلامت روان است که خلأ چنین مطالعه‌ای در پژوهش‌های مذهب و سلامت روان به چشم می‌خورد، بنابراین پژوهش حاضر برای پر کردن این خلأ اقدام به بررسی رابطه انس با قرآن با سلامت روان بیماران بستری در بیمارستان‌های شهر اصفهان پرداخته شده است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

نظریه های مربوط به سلامت روانی

نظریه فروید

به عقیده ی فروید^۱ اکثر مردم به درجات مختلف، روانی هستند و سلامت روانی یک آرمان است نه یک هنجار آماری. فروید معتقد است نخستین ویژگی سلامت روانی خودآگاهی است، یعنی هر آنچه که ممکن است در ناخودآگاهی بایستی به (من) بازگردانیده شود. در نهایت خودآگاهی حقیقی ممکن نیست. مگر این که کنترل غیر واقعی و غیر ضروری یا زاید (من برتر) در هم شکسته شود. به نظر وی انسان متعارف کسی است که مراحل رشد روانی جسمی را با موفقیت گذرانیده باشد و در هیچ یک از مراحل بیش از حد تثبیت نشده باشد (کیخا، ۱۳۸۶).

نظریه آدلر

به عقیده آدلر^۲ سلامت روانی یعنی داشتن اهداف مشخص در زندگی، داشتن فلسفه ای استوار و محکم برای زیستن. بنا به نظر آدلر فرد برخوردار از سلامت روان شناختی توان و شهامت یا جرأت عمل کردن را برای نیل به اهدافش دارد. چنین فردی جذاب و شاداب است و روابط اجتماعی سازنده و مثبتی با دیگران دارد. فرد سالم به نظر وی از مفاهیم و اهداف خودش آگاهی دارد و عملکرد او مبنی بر نیرنگ و بهانه نیست. فرد دارای سلامت روانی مطمئن و خوشبین است و ضمن پذیرش اشکالات خود در حد توان اقدام به رفع آنها می کند. او روابط خانوادگی صمیمی و مطلوبی دارد و جایگاه خود را در خانواده و جامعه به درستی می شناسد و در زندگی هدفمند و غایت مدار است و اعمال او مبتنی بر تعقیب این اهداف است. فرد سالم دارای علاقه اجتماعی و میل به مشارکت اجتماعی و این افراد تلاش می کنند تا برای هموعان خود مفید باشند. چنین افرادی سعی در کاستن عقده ی حقارت خود دارند و به دنبال غلبه و چیرگی بر بی جرأتی خود می باشند. در نهایت چنین فردی موفق می شود که انگیزه های نامطلوب خود را دگرگون سازد (سیدمحمدی، ۱۳۸۵).

1. Ferued

2. Adler

نظریه یونگ

به عقیده یونگ^۱ فرایند نفوذ یکی از عوامل مؤثر در سلامت روانی است. تفرد در ساده ترین شکل آن عبارت است از تمیز تدریجی (من) یا خودآگاهی از ناخودآگاهی، طوری که فرد به تدریج بیش تر و بیش تر از افکار و انگیزه های منشعب شده از خودآگاهی جمعی، هشیار و آگاه می شود. البته تشخیص تمیز ناخودآگاهی تنها نیمی از داستان تفرد است. همزمان با این تمیز بایستی نسبت های خودآگاه و ناخودآگاه روان دوباره یکپارچه شوند. این یکپارچه سازی مجدد ضروری است زیرا منبع ناراحتی و بیماری بشر، میل به نادیده گرفتن ناخودآگاه است، یونگ افزایش بیش از حد خودآگاهی را به همان اندازه اندک بودن آن آسیب گونه می داند. بنابر نظریه یونگ بالاترین و نهایی ترین اهداف انسان و رسیدن به خود و تحقق بخشیدن به خود است و تنها از طریق مشارکت بی قید و شرط در هنر، مذهب و یا نمادی از این نوع می تواند به تحقق خویشتن دست یافت (سیدمحمدی، ۱۳۸۵).

نظریه موری

به عقیده موری^۲ فرد سالم از نظر روانی خودش آگاهی لازم را دارد. همچنین به نظریه رشد طبیعی و سالم به گونه ای است که ابتدا "نهاد"، "من برتر" و آن گاه "من" نقش تعیین کنندگی رفتار را ایفا می کنند. تکانه های نهاد بایستی با نظارت خردمندانه "من" و مواظبت و حراست "من برتر" به صورت قابل قبول فرهنگی و تحت شرایط مورد قبول جامعه ارضاء شود. "نیازها" یکی دیگر از مفاهیم با اهمیت نظریه ی موری هستند. به عقیده ی وی شخص سالم کسی است که نیازهای تثبیت شده نداشته باشد. نیازهای درونی یا نهفته اش در جهت معیارهای درونی شده "من برتر" باشد و براساس نیازها واکنش عمل نکند و نیازهایش با یکدیگر در تعارض و کشمکش نباشد. به علاوه انسان برخوردار از سلامت روان شناختی به نظر منحصر به فردی است که بایستی به صورت یگانه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و دارای این خصوصیات باشد. بین من برتر و من آرمانی فرد فاصله وجود ندارد. "من" دارای قدرتمندی و کارآمدی بسیار است. از ساختار روانی خودش آگاهی لازم را دارد. هدف نهایی او رشد خلاقیت و تحقق خویشتن است

1. Yong

2. Mory

(کیخا، ۱۳۸۶).

آبراهام مزلو

مزلو^۱ ویژگی های افراد سالم از نظر روان شناختی را به شرح ذیل بیان می کند. این افراد نیازهای پایین را برآورده کرده اند و اختلال روانشناختی ندارند و می دانند که چه کسی هستند و کجا می روند. از لحاظ سنی تقریباً میانسال و سالخورده اند زیرا جوانترها حس توانایی هویتی و استقلال ندارند و هنوز به پرورش ارزش ها، شکیبایی و خردمندی نپرداخته اند. ادراک افراد سالم از واقعیت درست است و به عبارتی دیگر شناخت آن ها از هستی، عینی است. این افراد طبیعت دیگران و خویشان را به صورت واقعی و حقیقی می پذیرند. لذا حالت تدافعی ندارند و با خودشان در صلح و آشتی و تمایلات نفسانی خود را بدون حالت تدافعی می پذیرند. افراد برخوردار از سلامت روانی به مسائل خارج از خودشان نیز توجه دارند. تعهد حرفه ای دارند. بدون استثناء وظیفه شناس هستند. نیاز به خلوت و استقلال دارند. به رضایت دیگران متکی نیستند و لذا می توانند از مردم و معیارهای آنان دور باشند یعنی خودشان تصمیم بگیرند و انگیزش و نظام خودشان را تجربه نمایند. این حالت موجب می شود که گاهی مردم آن ها را غیر صمیمی، پرافاده و حتی دشمن بپندارند. ویژگی دیگر سلامت روان شناختی، کنش مستقل است. کنش مستقل در ارتباط نزدیک با نیاز به خلوت و استقلال است. چون نیاز افراد سالم در درون آن ها است بنابراین خودکفائی و استقلال شدیدی دارند که این حالات آن ها را در مقابل رویدادها و مصائب مقاوم و پایدار می کنند. تجارب زندگی برای این افراد تازگی مداوم دارد و از آن ها سیر و خسته نمی شوند. نوع دوستی و احساس معمولی از ویژگی های افراد سالم است. این افراد خوی مردم گرا دارند. بین خیر و شر و هدف و وسیله تفاوت می گذارند. خلاقیت و آفرینشگری دارند. ویژگی های فوق برخی از کل ویژگی هایی است که مازلو برای سلامت روانشناختی بر شمرده است (کیخا، ۱۳۸۹).

همچنین مزلو ویژگی خود شکوفایی را که آخرین نیاز انسان می داند به طور خلاصه چنین معرفی می کند. (۱) توجه به واقعیت (۲) پذیرش خود دیگران و جهان هستی (۳) خود جوش زیاد (۴) توجه به مشکلات بیرونی (۵) میل به نهائی و فضای خصوصی (۶) خودمختاری و استقلال (۷) منزلت اشخاص برای آن ها قالبی و ثابت نیست بلکه متحول است (۸) تجارب عرفانی و روحی

۹) همانند دانستن خود با هم‌نوعان (۱۰) دارا بودن دموکراتیک (۱۱) داشتن هدف (۱۲) شوخ طبعی (۱۳) خلاقیت (نشانی، ۱۳۷۵).

نظریه آلبرت ایس

الیس^۱ معتقد است عواطف انسان زائده تفکر هستند و هیچ چیز فی نفسه خوب یا بد نمی‌باشند بلکه خوب بودن را تفکر انسان می‌سازد. به نظر وی عدم سلامت روانی انسانی از تمایلات ذاتی و نامطلوب هر انسان برای نیاز مفرط به برتری از دیگران و همه فن حریف شدن توسل به عقیده احمقانه و بدبینانه، پرداختن به تفکرات آرزومندانه و توقع خوش رفتاری و خوبی مداوم از دیگران، محکومیت خویشتن و تمایلات عمیق به زودرنجی و آسفتگی ناشی می‌شود. ایس معتقد است افکار منطقی و عقلانی به عواقب و پیامدهای منطقی منتهی می‌شود و در نتیجه به سلامت روانی فرد ختم می‌شود. به عقیده ی او انسان‌ها تا حد زیادی در پیدایش اختلالات روانی خودشان سهیم هستند. به علاوه انسان استعداد و آمادگی پریشانی و اضطراب را دارد و این آمادگی او تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد. ماهیت انسان هم منطقی و عقلانی و هم غیر منطقی و غیر عقلانی است.

الیس بعضی از ویژگی‌های افراد سالم را به این شرح توضیح می‌دهد: عشق ورزیدن به دیگران، جویای محبت دیگران شدن در حد اعتدال، انجام دادن کار به خاطر نفس کار نه به خاطر دیگران، نسبت دادن شکست‌ها به عوامل بیرونی، تلاش در جهت به دست آوردن استقلال فردی و مسئولیت اجتماعی و رویگردان از کمک‌های دیگران، انجام وظیفه محوله و حل مشکلات با تفکر منطقی، فرد سالم پیش از آنکه به گذشته فکر کند به حال و وضعیت موجود یعنی اینجا و اکنون توجه دارد. از نظر آلیس عواملی وجود دارند که بر هم زننده سلامت روانی انسان‌ها می‌باشند. این عوامل در سه دسته جای می‌گیرند:

۱ - عوامل زیستی: تعدادی عوامل زیستی وجود دارند که از طریق ژن‌ها به نسل منتقل می‌شوند. مثلاً افسردگی مادران، قابل انتقال به فرزندانشان می‌باشد. تعدادی عوامل زیستی نیز می‌باشند که بر کارکرد سیستم عصبی مرکزی اثر گذاشته و سلامت روانی فرد را بر هم می‌زنند. مثلاً ترشح تیروئید بر مغز اثر می‌کند و موجب کم‌طاقتی و عصبانیت می‌شود.

۲ - عوامل عاطفی و روانی: انتظارات و ذهنیت منفی ما، عامل اصلی مشکلات روانی ما می‌باشند. عواملی مانند فشار روانی مستمر، فضاهای عاطفی سرد، جدائی و تبعیض و بی‌محبتی موجب افسردگی، وسواس، بی‌خوابی، بی‌قراری در افراد می‌شود.

۳ - عوامل اجتماعی: خانواده و اجتماع در تأمین سلامت روانی نقش مؤثری دارند. کمبودهایی در زمینه تأمین مسکن، شغل، تغذیه و برخورداری از رفاهی نسبی، همه و همه بر سلامت روانی افراد اثر دارد (کیخا، ۱۳۸۶).

نظریه اریک فروم^۱

وابستگی و یگانگی با دیگران از لوازم سلامت روان شناختی است. هرنوع رفتار نامعقول حتی جنون، نتیجه عدم ارضای این نیاز است. انسان سالم به تمام جهان و انسانیت عشق می‌ورزد. انسان سالم بایستی فردیت داشته باشد و هویت مستقل و منحصر به فرد دارد و چهارچوب جهت‌گیری‌اش متکی بر عقل و خود است زیرا فقط با خود است که می‌توان تصویری واقع‌گرا و عینی از جهان به دست آورد. انسان سالم ادراک جهان را با نیازها و ترس‌های ذهن خودش تعریف نمی‌کند. فروم شخصیت سالم را دارای جهت‌گیری بارور می‌داند. راهنمای شخصیت سالم و وجدان اخلاقی انسان از درون می‌جوشد (کیخا، ۱۳۸۶).

مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه مذهب و سلامت روان

طاهری خرامه و همکاران (۱۳۹۲) سلامت معنوی و راهبردهای مقابله‌ای مذهبی در بیماران همودیالیزی را مورد مطالعه قرار دادند. در این مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی)، ۹۵ بیمار تحت درمان با همودیالیز از مراکز همودیالیز بیمارستان‌های شهر به روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه سلامت معنوی الیسون و پالوتزین و مقیاس مقابله مذهبی پارگامنت بود. نتایج نشان داد میانگین و انحراف معیار نمره کل سلامت معنوی بیماران $91/98 \pm 15/09$ و میانگین و انحراف معیار نمره راهبردهای مقابله مذهبی مثبت و منفی به ترتیب $23/38 \pm 4/17$ و $11/46 \pm 4/34$ بود. $52/6$ درصد از بیماران در مقیاس سلامت معنوی نمره بالاتر از میانگین کسب کرده بودند. $52/6$ درصد نمونه‌ها در مقیاس راهبردهای مذهبی

مثبت نمره بالاتر داشتند و این رقم در مورد راهبردهای مذهبی منفی $37/9$ درصد بود. سلامت معنوی و راهبردهای مقابله مذهبی مثبت ارتباط مستقیم و معنادار داشت ($r=0/463$) و ارتباط سلامت معنوی و راهبردهای مقابله مذهبی منفی معکوس و معنادار بود ($r=-0/430$). سلامت معنوی و میزان استفاده از راهبردهای مقابله مذهبی در دو جنس تفاوت معناداری نداشت. با افزایش سن سلامت معنوی نیز بیشتر می‌شد و این رابطه از نظر آماری معنادار بود. یافته‌ها نشان داد سلامت معنوی بیماران همودیالیزی در حد نسبتاً مطلوبی قرار داشت و با توجه به تأثیر مثبت راهبردهای مذهبی کارآمد در افزایش سلامت معنوی، تمرکز بر تقویت راهبردهای مذهبی در مراقبت‌های معمول، می‌تواند وضعیت سلامت معنوی و در نهایت کیفیت زندگی روانشناختی این بیماران را بهبود بخشد.

اسدی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به بررسی پیش بینی خطر خودکشی دانشجویان بر اساس اعتقادات مذهبی، حمایت اجتماعی، راهبردهای مقابله ای و سلامت عمومی پرداختند. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری ۴۵۶۴ دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی بود. با روش نمونه گیری طبقه ای نسبی ۵۶۰ دانشجو انتخاب و داده ها با مقیاس خطر خودکشی مرکز پژوهش سلامت رفتاری شمال غرب (۲۰۰۵) و پرسشنامه غربالگری جوانان در معرض خطر مؤسسه پژوهشی منتر (۱۹۹۸)، پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ (۱۹۷۲)، حمایت اجتماعی بخشی پور، پیروی و عابدیان (۱۳۸۴) و راهبردهای مقابله ای اندلر و پارکر (۱۹۹۰) جمع آوری و بر اساس رگرسیون لجستیک و نسبت بخت تحلیل شد. نتایج نشان داد اعتقادات مذهبی، حمایت اجتماعی و راهبرد مسأله مدار در کاهش خطر خودکشی و سابقه مشکلات روانی، اضطراب و افسردگی در افزایش خطر خودکشی مؤثر است. دانشجویانی که سابقه مشکلات روانی داشتند بیش از ۸ برابر دانشجویان بدون سابقه مشکلات روانی در معرض خطر خودکشی بودند. نتایج این مطالعه بیانگر آن بود که حمایت اجتماعی، سابقه مشکلات روانی و اضطراب از پیش بینی کننده های قوی و مؤثر در عوامل محافظت کننده و خطرزا به شمار می آیند. با ارائه یک الگوی پیش بینی کننده می توان عوامل محافظت کننده را تقویت کرد و عوامل خطرزا را کاهش داد و از آن در جهت طرح های پیشگیری اولیه استفاده نمود.

قهرمانی و نادری (۱۳۹۱) رابطه بین مؤلفه های مذهبی - معنوی با سلامت روان و امید به آینده را در کارکنان بیمارستان های دولتی شیراز مورد مطالعه قرار دادند. پژوهش حاضر یک پژوهش مقطعی-همبستگی بود که جامعه آماری را کارکنان بیمارستانهای دولتی وابسته به

دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۴۰۰۰ نفر) در پاییز ۱۳۸۹ تشکیل دادند که از بین آنها ۲۵۰ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه امید به آینده، سلامت روان و همچنین ابعادهای مذهبی- معنوی شامل پنج مؤلفه (بهزیستی وجودی، انگیزه پرستش و سازگاری، تعالی معنوی، حمایت مذهبی و اعمال و نگرش مذهبی) جمع آوری و از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین مؤلفه‌های بهزیستی وجودی با امید به آینده، انگیزه پرستش و سازگاری با امید به آینده و سلامت روان با امید به آینده رابطه معناداری وجود داشت. همچنین تمام مؤلفه‌های مذهبی-معنوی دارای همبستگی معناداری با سلامت روان بودند. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز حاکی از آن بود که در گام اول انگیزه پرستش با ضریب تعیین ۵ درصد، در گام دوم انگیزه پرستش همراه با سلامت روان با ضریب تعیین ۶,۴ درصدی، در گام سوم انگیزه پرستش همراه با سلامت روان و بهزیستی وجودی با ضریب تعیین ۹,۱ درصدی و در گام چهارم ترکیب انگیزه پرستش همراه با بهزیستی وجودی با ضریب تعیین ۸,۹ درصدی با امید به آینده دارای رابطه چندگانه معنادار هستند. شواهد به دست آمده در این پژوهش حاکی از آن است که انگیزه پرستش همراه با بهزیستی وجودی به ترتیب مهمترین ابعاد مذهبی-معنوی هستند که به همراه سلامت روان بر امید به آینده مؤثرند.

مداحی و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط میان جهت گیری مذهبی و بهزیستی روان شناختی در دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال بود. نمونه آماری پژوهش به حجم ۷۱ نفر به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای از دانشکده های مدیریت، حقوق و روانشناسی انتخاب شدند. برای جمع آوری داده، از مقیاس‌های جهت گیری مذهبی (آلپورت، ۱۹۵۰) و بهزیستی روانشناختی (PWI (کارول، ۱۹۸۸) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی به دست آمده بین نمره جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی با بهزیستی روانشناختی از نظر آماری معنادار بود. از طرفی دیگر نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که جهت گیری مذهبی هم از نوع درونی و هم از نوع بیرونی آن قابلیت پیش بینی بهزیستی روانشناختی را دارد. این نتایج را این طور می توان تبیین کرد هرچه میزان جهت گیری مذهبی جوانان درونی تر باشد، بهزیستی روان شناختی آن ها بیشتر خواهد بود. و هرچه میزان جهت گیری مذهبی جوانان بیرونی تر باشد، بهزیستی روانشناختی آن ها

کمر خواهد بود. از سوی دیگر، جهت گیری مذهبی قابلیت پیش بینی بهزیستی روانشناختی را دارد.

سلیمی بجستانی و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط جهت گیری مذهبی و امیدواری با اضطراب سلامت در زنان پرستار بیمارستان امام خمینی (ره) تهران را مورد مطالعه قرار دادند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان پرستار که در مهرماه ۱۳۹۰ در بیمارستان امام خمینی (ره) تهران شاغل بوده اند. با روش نمونه گیری در دسترس یگ گروه ۷۰ نفری از پرستاران انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه های امیدواری اسنایدر و جهت گیری مذهبی بهرامی احسان و اضطراب سلامت سالکوسکیس بوده است. داده ها با استفاده از آزمون آماری همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری نشان می دهد که بین جهت گیری مذهبی و امیدواری رابطه معناداری وجود دارد. اما بین جهت گیری مذهبی و اضطراب سلامت رابطه وجود ندارد. همچنین بین امیدواری و اضطراب سلامت رابطه معکوس وجود دارد. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می دهد که با تقویت ابعاد مذهبی و تأکید بر حفظ سلامت روانی در پرستاران می توان امیدواری را در آنان تقویت کرد. اگر آنان درک مثبتی از مؤلفه های شناختی و گرایش های مذهبی داشته باشند تعهدات بالایی نسبت به انجام وظایف خود خواهند داشت.

آقاپور و حاتمی (۱۳۸۹) رابطه بین جهت گیری مذهبی با بهداشت روانی خانواده؛ مطالعه موردی: خانواده های ساکن شهر شیراز را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری این تحقیق شامل خانواده های ساکن شهر شیراز در سال ۱۳۸۷ بود که در آن ها زن و شوهر در قید حیات بوده و با هم زندگی می کنند. بر اساس نمونه گیری طبقه ای تصادفی منظم، ۳۸۶ خانواده انتخاب شده اند. یافته های پژوهش نشان داد که رابطه معنی داری میان متغیرهای سن، جنسیت، درآمد، تحصیلات، جهت گیری مذهبی درونی و جهت گیری مذهبی بیرونی با بهداشت روانی خانواده وجود دارد. بر اساس نتایج معادله رگرسیون چند متغیره، از میان کل متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای جهت گیری دینی درونی، درآمد، جهت گیری مذهبی بیرونی و تحصیلات حدود ۶۶

درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می نمایند. بر اساس مدل تحلیل مسیر، از میان این متغیرها، جهت گیری مذهبی درونی بالاترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است.

صدری و جعفری (۱۳۸۹) رابطه باورهای مذهبی با سلامت روان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر) را مورد مطالعه قرار دادند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر که در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ به تحصیل اشتغال داشته اند، تشکیل می دهد. با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعداد ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر پسر و ۲۰۰ نفر دختر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای آزمایش فرضیه ها پرسشنامه اعتقادات مذهبی و سلامت روان مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد رابطه معنی داری میان باورهای مذهبی با سلامت روان دانشجویان وجود دارد. همچنین رابطه معنی داری میان باورهای دینی با سلامت روان دانشجویان پسر و دانشجویان دختر وجود داشت.

بالجانی و همکاران (۱۳۹۰) ارتباط بین سلامت معنوی، مذهب و امید در بیماران مبتلا به سرطان را مورد پژوهش قرار دادند. در این مطالعه مقطعی توصیفی - تحلیلی، ۱۶۴ بیمار مبتلا به سرطان مراجعه کننده به بیمارستان امید ارومیه از خرداد تا آذر ماه ۱۳۸۹، به روش نمونه گیری آسان تداومی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون چند گانه در سطح معناداری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد. یافته ها نشان داد بین سلامت وجودی و سلامت مذهبی (زیر گروه های سلامت معنوی) و همچنین بین مذهب درونی و اعمال مذهبی (از زیر گروه های مذهب) با امید ارتباط معناداری وجود داشت. سلامت وجودی، اعمال مذهبی سازمان یافته و مذهب درونی (از زیر گروه های مذهب) عوامل پیش گویی کننده معنادار برای امید بودند. نتایج این مطالعه اهمیت سلامت معنوی و مذهب را به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر امید بیماران سرطانی مورد تأیید قرار می دهد. بنابراین به پرستاران و متخصصان بالینی توصیه می شود که بر مذهب و سلامت معنوی به منظور حفظ امید بیماران تأکید داشته باشند.

پورسردار و همکاران (۱۳۹۰) سلامت روان، کیفیت زندگی، صمیمیت و نگرش های مذهبی در متأهلین با گذشت و بدون گذشت شاغل در مراکز بهداشتی و درمانی شهر آبدانان را مورد بررسی قرار دادند. جامعه این پژوهش کارکنان متأهل شبکه بهداشت شهر آبدانان بودند که کل آن ها (۱۷۰ نفر) به عنوان نمونه پژوهش، مورد مطالعه قرار گرفتند. برای سنجش متغیرهای

مورد مطالعه در این پژوهش از مقیاس گذشت خانواده^۱، پرسش نامه سلامت عمومی^۲، پرسش نامه کیفیت زندگی^۳، پرسش نامه صمیمیت و پرسش نامه نگرش های مذهبی استفاده شد. برای تحلیل داده ها از روش آماری تحلیل واریانس چند متغیری و تحلیل واریانس تک متغیری استفاده شد. آزمون فرضیه های پژوهش نشان داد که کارکنان متأهل باگذشت و بدون گذشت از نظر سلامت روان، کیفیت زندگی و صمیمیت تفاوت معناداری دارند. هم چنین نتایج این پژوهش نشان داد که کارکنان متأهل باگذشت و بدون گذشت از نظر نگرش های مذهبی تفاوت معناداری نداشتند. افرادی که به همسر خود گذشت بیشتری نشان می دهند، سلامت روان بیشتری دارند، کیفیت زندگی بهتری دارند و میزان صمیمیت بین آن ها بالاتر است. هم چنین ممکن است که افراد باگذشت و بدون گذشت، نگرش های مذهبی متفاوتی نداشته باشند.

عارفی و محسن زاده (۱۳۹۰) ارتباط بین جهت گیری مذهبی، سلامت روان و جنسیت را مورد مطالعه قرار دادند. جامعه آماری دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ بودند و نمونه پژوهش تعداد ۷۲۰ نفر دختر و پسر به سهم برابر که به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. افراد نمونه، پرسش نامه های سلامت عمومی گلدنبرگ (۱۹۷۲) و جهت گیری مذهبی بهرامی احسان را تکمیل کردند. نتایج نشان داد بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان افراد رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. هر چند جنسیت در شدت رابطه مذکور اثر نداشت. به عبارتی دیگر، شدت رابطه سلامت روان و جهت گیری مذهبی دختران و پسران تفاوت معناداری ندارد. همچنین نتایج حاکی است میزان سلامت روان دختران و پسران متفاوت است و این تفاوت به نفع پسران است. در واقع، پسران در مقایسه با دختران از سلامت بهتری برخوردار بودند. اما از نظر میزان جهت گیری مذهبی بین دو جنس تفاوتی وجود نداشت.

حسینی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه سبک های دلبستگی و سبک های مقابله مذهبی با سلامت روان در بیماران HIV+ را مورد پژوهش قرار دادند. در این مطالعه توصیفی مقطعی که طی اردیبهشت ۱۳۸۷ انجام شد، ۱۲۰ نفر از بیماران HIV+ تحت درمان در مراکز مشاوره

1. Family Forgiveness Scale

2. General Health Questionnaire-28

3. WHO-QOL-BREF

رفتاری شیراز از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب و پس از تکمیل فرم رضایت آگاهانه توسط پرسش نامه بازنگری شده دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (RAAS)، مقیاس سبک های مقابله مذهبی بادرکس و پرسش نامه سلامت عمومی (GHQ) گلدبرگ، بررسی گردیدند. از آزمون های رگرسیون چندگانه، تحلیل واریانس و تی، جهت تحلیل داده ها استفاده شد. بنابر نتایج تحلیل واریانس داده ها، بیماران HIV+ دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با بیماران HIV+ دارای سبک های دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی دوسوگرا از سلامت روان بالاتری برخوردار بودند. نتایج آزمون تی مستقل مشخص نمود بیماران HIV+ که به میزان بیشتری از مقابله مذهبی مثبت استفاده می کردند از سلامت روان بیشتری برخوردار بودند. به منظور پیش بینی سلامت روان بر مبنای متغیرهای سبک دلبستگی ایمن و سبک های مقابله مذهبی از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج، حاکی از آن بود که در بیماران HIV+، متغیر سبک دلبستگی ایمن، قوی ترین پیش بینی کننده سلامت روان می باشد. در نتیجه، مقابله مذهبی مثبت و سبک دلبستگی ایمن می توانند منجر به سلامت روان بالاتر در بیماران HIV+ گردند.

صولتی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه به صورت توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری را کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد تشکیل می دادند. در این بررسی ۲۰۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه پژوهش به شیوه نمونه گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند و ابزارهای پژوهشی روی آنها اجرا گردید. جهت گردآوری داده های پژوهشی از پرسشنامه های سلامت عمومی (GHQ-28) و نگرش سنج مذهب (گلریز و براهنی) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده های پژوهشی از طریق آمار توصیفی و همبستگی صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان همبستگی معنی داری وجود دارد. همچنین طبق نتایج، هر چه میزان جهت گیری مذهبی بالاتر می رود، همبستگی آن با سلامت روان در آزمودنی ها بیشتر می شود، اما این همبستگی تا سطح معینی پایدار است و از این سطح به بالا نتیجه معکوس می شود که نشان از عدم همبستگی بین نگرش مذهبی و سلامت روان دارد. در مجموع می توان گفت تنها مذهب با بعد درونی، سلامت روانی را بهبود می بخشد، و افراطی گری بیشتر در افرادی مشاهده می شود که جهت گیری مذهبی آنها بیرونی است و شاید این مسأله بتواند آخرین نتیجه پژوهش حاضر و سایر تحقیقاتی که به نوعی اثرات منفی جهت گیری مذهبی و سلامتی روان را گزارش کرده اند، توجیه نماید.

برنا و سواری (۱۳۸۷) ارتباط ساده و چندگانه نگرش های مذهبی، سلامت روانی، رضایت از زندگی و عزت نفس با احساس شادکامی در بین دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. از بین دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز ۳۸۴ نفر (۹۳ پسر و ۲۹۱ دختر) به شیوه تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین نگرش های مذهبی، سلامت روانی، رضایت از زندگی، و عزت نفس با احساس شادکامی در دانشجویان همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد که بین متغیرهای پیش بینی و متغیر ملاک (احساس شادکامی) همبستگی چندگانه معنی داری وجود دارد. یافته ها نیز حاکی از آن است که فقط نگرش های مذهبی و سلامت روانی به طور معنی داری واریانس احساس شادکامی را تبیین و به ترتیب بهترین پیش بینی کننده احساس شادکامی به شمار می روند.

خیدانی (۱۳۹۰) نقش مذهب بر سلامت روانی دانشجویان دانشگاه های استان ایلام را مورد بررسی قرار داد. به منظور مقایسه سلامت روانی، یک نمونه ۱۰۰۰ نفری با توجه به نسبت دانشجویان هر دانشگاه به کل دانشجویان دانشگاه های استان ایلام، به صورت طبقه ای نسبی انتخاب گردیده و پرسش نامه های سلامت روانی و نگرش مذهبی را تکمیل نمودند. نتایج بیانگر رابطه معنادار بین معدل آزمودنی ها و نمره آنها در پرسش نامه سلامت عمومی و نگرش مذهبی است. نتایج پژوهش بیانگر رابطه منفی معنادار بین معدل آزمودنی ها و نمره آنها در پرسش نامه سلامت عمومی و نگرش مذهبی است؛ از جمله یافته های دیگر این تحقیق تفاوت بین سلامت روانی دانشجویان دانشگاه های مختلف استان ایلام باشد. به این ترتیب دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر از سلامت روانی و نگرش مذهبی بیشتر برخوردارند. ضمن آنکه دانشجویانی که در خوابگاه ساکن نیستند نیز نسبت به دانشجویانی که در خوابگاه ساکن هستند سلامت روانی و نگرش مذهبی بیشتری دارند. همچنین به ترتیب دانشجویان دانشگاه پیام نور، آزاد اسلامی، علمی کاربردی، ایلام، باختر و علوم پزشکی ایلام سلامت روانی بیشتری دارند. در حالی که به ترتیب نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه پیام نور، علمی و کاربردی، آزاد اسلامی، ایلام، علوم پزشکی ایلام و باختر بیشتر است. نتایج بیانگر این است که دانشجویان دارای نگرش مذهبی، از سلامت روانی بیشتری برخوردارند.

حمید (۱۳۸۸) رابطه نگرش مذهبی با سلامت روانی و عملکرد سیستم ایمنی بدن را مورد مطالعه قرار دادند. نمونه پژوهش ۲۴۰ دانشجوی مؤنث را شامل است که به طور تصادفی تعداد ۳۰ نفر دانشجویان مذهبی پایین و بالا انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه

نگرش مذهبی، فهرست تجدید نظر شده علایم روانی SCL-90-R استفاده شد. به منظور ارزیابی سیستم ایمنی افراد، متغیرهای مورد مطالعه از جمله سلول T کمکی، سلول T مهاری/ انهدامی و سلول کشنده طبیعی بوده است. نتایج حاصل آشکار کرد، که میان نگرش مذهبی و سلامت روانی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین میان نگرش مذهبی و سیستم ایمنی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. از سوی دیگر، میان سلامت روانی و سیستم ایمنی دانشجویان با نگرش مذهبی پایین و بالا تفاوت معنی دار وجود دارد.

عسگری و همکاران (۱۳۸۸) رابطه اعتقادات مذهبی و خوش بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز را مورد مطالعه قرار دادند. نمونه پژوهش ۲۰۰ نفر بودند که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیرها از پرسشنامه دینداری آرین، پرسشنامه خوش بینی و مقیاس سلامت معنوی استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین اعتقادات مذهبی و سلامت معنوی همچنین بین خوش بینی و سلامت معنوی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیری نیز نشان داد که متغیرهای اعتقادات مذهبی و خوش بینی به ترتیب پیش بینی کننده سلامت معنوی بودند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه بین انس با قرآن و سلامت روانی در بیماران بستری شده در بیمارستان‌های اصفهان بود. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. نمونه مورد مطالعه ۱۵۶ بیمار بستری شده در بیمارستان‌های شهر اصفهان می باشد که حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان تعیین گردیده و آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها از سه پرسشنامه سلامت روان گلدبرگ و پرسشنامه انس با قرآن و نگرش با قرآن سخائی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصله از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح توصیفی آماره‌هایی چون تعداد، میانگین و انحراف استاندارد به کار رفت. در سطح استنباطی نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

فرضیه اول

بین انس با قرآن و سلامت روان بیماران بستری در بیمارستان‌های شهر اصفهان رابطه معنی‌دار

وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کل سلامت روان و انس با قرآن بیماران در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($\text{Sig}/202 = 0$). بررسی مطالعات انجام شده بین سلامت روان و انس با قرآن نشان می‌دهد که فقط مطالعه سخائی (۱۳۸۸) در این زمینه بوده است که دارای نتایج مخالفی با نتایج مطالعه حاضر است. از طرف دیگر، بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین نگرش مذهبی و سلامت روان وجود دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به یافته‌های طاهری خرامه و همکاران (۱۳۹۲)، قهرمانی و نادری (۱۳۹۱)، مداحی و همکاران (۱۳۹۰) و کرمی و همکاران (۱۳۸۵) اشاره کرد.

فرضیه دوم

بین نگرش به قرآن و سلامت روان بیماران بستری در بیمارستان‌های شهر اصفهان رابطه

معنی‌دار وجود دارد.

بررسی همبستگی بین سلامت روان و نگرش به قرآن بیماران در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود ندارد ($\text{Sig}/178 = 0$). به عبارتی نمی‌توانیم قضاوت کنیم که هر چه میزان نگرش به قرآن بیشتر باشد پس سلامت روانی بهتر می‌باشد. مشابه با فرضیه قبل، می‌توان اینطور استدلال کرد که شرایط بیمارستان و وضعیت بیماران و همچنین شرایط روحی و روانی آنها در این امر دخیل بوده و منجر به تغییراتی در حس سلامت آنها و همچنین فشار بر آنها منجر به تغییر نگرش آنها به قرآن می‌شود و مجموع این فرآیندها منجر به عدم معنی‌داری رابطه بین نگرش به قرآن و سلامت روان در بیماران می‌شود. اگرچه تنها مطالعه انجام شده در این زمینه نیز نشان داده است که ارتباط معنی‌داری بین نگرش به قرآن و سلامت روان در اساتید دانشگاه وجود ندارد (سخائی، ۱۳۸۸) که در مطالعه حاضر این نتیجه تأیید شد، در حالی که مطالعات مرتبط در زمینه سلامت روان و باورهای مذهبی نشان داده اند که ارتباط معنی‌داری بین سلامت روان و نگرش و باورهای مذهبی وجود دارد که می‌توان در این زمینه به مطالعات آقاپور و حاتمی (۱۳۸۹)، صدیقی و جعفری (۱۳۸۹)، بالجانی و همکاران (۱۳۹۰)،

عارفی و محسن زاده (۱۳۹۰)، حسینی و همکاران (۱۳۹۰)، صولتی و همکاران (۱۳۹۰)، برنا و سواری (۱۳۸۷)، خیدانی (۱۳۹۰)، حمید (۱۳۸۸)، عسگری و همکاران (۱۳۸۸) و شعاع کاظمی (۱۳۸۸) اشاره کرد.

در تحلیل نتایج مطالعه حاضر و مطالعات قبلی و تبیین این نتایج و با رجوع به آموزه‌های دینی می‌توان اینطور نتیجه‌گیری کرد که باید ابتدا روایی آزمون نگرش به قرآن در جوامع آماری مورد بررسی و مورد مطالعه قرار گرفته و در مرحله بعد در صورت تأیید روایی و پایداری آن در جامعه مورد مطالعه به بررسی رابطه آن با سایر آزمون‌ها پرداخته شود، از سوی دیگر نظر به تنوع سنی و محدودیت جنسیتی شرکت کنندگان در مطالعه و وضعیت روحی و روانی آنها و شرایط بیمارستان نمی‌توان بطور قطع استدلال کرد که بین نگرش به قرآن و سلامت روان رابطه‌ای وجود ندارد، بنابراین در این زمینه انجام مطالعات بیشتر و با اطمینان بیشتر کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

فرضیه سوم

بین انس با قرآن و ابعاد چهار گانه سلامت روان (نشانگان جسمانی، اضطراب، کارکرد اجتماعی و افسردگی) بیماران بستری در بیمارستان‌های شهر اصفهان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

ارزیابی روابط همبستگی بین انس با قرآن و ابعاد چهار گانه سلامت روان نشان داد که بین انس با قرآن و زیر مقیاس‌های کارکرد اجتماعی ($Sig = 0/002$) و افسردگی ($= 0/050$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد اما در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری بین انس با قرآن و زیر مقیاس‌های اضطراب ($Sig = 0/940$) و نشانگان جسمانی ($Sig = 0/501$) مشاهده نشد. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان به نتایج مطالعات صدری و جعفری (۱۳۸۹) استناد کرد که نشان داد رابطه معنی‌داری میان باورهای مذهبی با سلامت روان دانشجویان وجود دارد. هم راستا با این نتایج رضایی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی دانشجویان ارتباط وجود دارد، لذا ارتقاء باورهای مذهبی موجب کاهش اضطراب و افسردگی دانشجویان شده و به گونه‌ای نقشی پیشگیرانه را در ابتلا به اختلالات حوزه روان، در زندگی افراد و بالاخص دانشجویان ایفا می‌کند. همچنین نتایج مطالعه بهرامی و رضانی (۱۳۸۴) نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان و افسردگی سالمندان رابطه همبستگی معنادار وجود دارد، بدین معنا که هر چه نمرات جهت‌گیری مذهبی به جهت بیرونی

افزایش می‌یابد، نمرات اختلال در سلامت روان و افسردگی بالا می‌رود و هر چه نمرات به سمت جهت گیری مذهب درونی تمایل می‌یابد، نمرات اختلال در سلامت روان و افسردگی کاهش می‌یابد. همچنین بین سلامت روان، افسردگی و جهت گیری مذهبی سالمندان مقیم و غیر مقیم جامعه تفاوت معنادار وجود دارد. بیت و آرگیله (۱۹۸۷) در پژوهشی تأثیر مذهبی بودن و ارتباط معنوی با خدا را بر افسردگی، مورد مطالعه قرار داد. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که افسردگی در مردان و زنانی که به کلیسا می‌روند و به نیایش می‌پردازند، سریع‌تر از دیگران بهبود می‌یابد. کونیک و همکاران (۱۹۹۵) رابطه مذهبی بودن را با نشانه‌های شناختی افسردگی بررسی کردند. بنابر نتایج این تحقیق، نشانه‌های شناختی افسردگی، مانند احساس خستگی، بی‌علاقگی، کناره گیری اجتماعی و احساس شکست و ناامیدی، در افرادی که اهل دعا و نیایشند، کمتر است. ربیع سیاهکلی و همکاران (۱۳۹۳) ارتباط بین اعتقادات مذهبی با افسردگی و اضطراب خانواده‌ی بیماران بستری در بخش مراقبت ویژه را مورد مطالعه قرار دادند، نتایج این پژوهش نشان داد که اعتقادات مذهبی و یاری خواستن از خداوند اثر مثبتی بر کاهش افسردگی و اضطراب خانواده‌های بیماران دارد. تقویت باورها و اعتقادات می‌تواند بر کاهش بروز علایم و عوارض ناشی از افسردگی همچون اقدام به خودکشی، اعتیاد، بزهکاری‌ها، اختلالات شخصیت، سلامت جنسی مؤثر باشد.

نتایج مربوط به ارتباط بین انس با قرآن و اضطراب با یافته‌های سلیمی بجستانی و همکاران (۱۳۹۳) همسو است که نشان دادند بین جهت گیری مذهبی و اضطراب سلامت رابطه وجود ندارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت که با افزایش میزان انس با قرآن، عوامل درونی افراد تأثیر بیشتری می‌پذیرند و عوامل ظاهری از قبیل اضطراب و نشانگان جسمانی کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، هر چند که برای اطمینان از این یافته، مطالعات بیشتری در این زمینه نیاز است.

فرضیه چهارم

بین نگرش به قرآن و ابعاد چهار گانه سلامت روان (نشانگان جسمانی، اضطراب، کارکرد اجتماعی و افسردگی) بیماران بستری در بیمارستان‌های شهر اصفهان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

ارزیابی روابط همبستگی بین نگرش به قرآن و ابعاد چهار گانه سلامت روان نشان داد که بین انس با قرآن و زیر مقیاس افسردگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری وجود

دارد ($Sig = 0/001$)، اما سایر روابط نشان دادند که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی داری بین انس با قرآن و زیر مقیاس‌های نشانگان جسمانی ($Sig = 0/492$)، اضطراب ($Sig = 0/720$) و کارکرد اجتماعی ($Sig = 0/064$) وجود ندارد.

همسو با نتایج پژوهش حاضر در رابطه با رابطه بین نگرش به قرآن، در پژوهش‌های بهرامی مشعوف (۱۳۷۳)، اسلامی (۱۳۷۵) و بیرشک و همکاران (۱۳۸۰) نیز وجود همبستگی میان نگرش مذهبی و مذهبی بودن، با افسردگی و اضطراب بررسی شده و نتایج وجود رابطه منفی را اثبات می‌کنند.

اما همچنان که در فرضیات یک و دو بیان شد، مطالعات متعددی همبستگی بین نگرش مذهبی و سلامت روان را تأیید کرده‌اند. کرمی و همکاران (۱۳۸۵) روابط ساده و چندگانه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان دادند که جهت‌گیری مناسکی با چهار بعد سلامت روانی همبستگی‌های معنی داری دارد. ضرایب همبستگی جهت‌گیری پایبندی به عقاید و مناسک با سلامت جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی می‌باشد. یافته‌های دیگر نشان دادند که ضرایب همبستگی بعد جهت‌گیری پایبندی به اخلاقیات، با شکایت جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی به دست آمدند. شعاع کاظمی (۱۳۸۸) رابطه مقابله‌های مذهبی و سلامت روان در بیماران مبتلا به تصلب چندگانه بافت (MS) را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها حاکی از معنادار نبودن تفاوت ارتباط نحوه استفاده از مقابله‌های مذهبی در دو جنس بود ولی ارتباط بین باورهای مذهبی بالا و سلامت روان معنادار بود. بنابراین، اگر افراد هنگام بیماری و استفاده از دارو درمانی از اعتقادات مذهبی عملی نیز برخوردار باشند می‌توانند با بیماری مقابله کنند و از سلامت عمومی بیشتری برخوردار شوند و حتی با پدیده مرگ نیز به راحتی برخورد نمایند. نتایج پژوهش صولتی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان همبستگی معنی داری وجود دارد. همچنین طبق نتایج، هر چه میزان جهت‌گیری مذهبی بالاتر می‌رود، همبستگی آن با سلامت روان در آزمودنی‌ها بیشتر می‌شود، اما این همبستگی تا سطح معینی پایدار است و از این سطح به بالا نتیجه معکوس می‌شود که نشان از عدم همبستگی بین نگرش مذهبی و سلامت روان دارد. در مجموع می‌توان گفت تنها مذهب با بعد درونی، سلامت روانی را بهبود می‌بخشد، و افراطی‌گری بیشتر در افرادی مشاهده می‌شود که جهت‌گیری مذهبی آنها بیرونی است و شاید این مسأله بتواند آخرین نتیجه پژوهش حاضر و سایر تحقیقاتی

که به نوعی اثرات منفی جهت گیری مذهبی و سلامتی روان را گزارش کرده‌اند، توجیه نماید. با اینحال نتایج مطالعه حاضر نتایجی را بر خلاف نتایج قبلی در همبستگی بین انس با قرآن و ابعاد اضطراب، نشانگان جسمانی و کارکرد اجتماعی نشان می‌دهد که در تبیین این نتایج می‌توان به همان توضیحات فرضیات اول تا سوم استناد کرد.

منابع

✽ القرآن الکریم

✽ نهج البلاغه

۱. اسدی، حمید؛ حسینی رضی، ثریا، جلیلی، پروین. ۱۳۹۱. پیش بینی خطر خودکشی دانشجویان بر اساس اعتقادات مذهبی، حمایت اجتماعی، راهبردهای مقابله ای و سلامت عمومی. روان شناسی کاربردی؛ ۶(۴) (پیاپی ۲۴): ۸۷-۱۰۱.
۲. اصفهانی، محمد مهدی و دیگران؛ آیین تندرستی، تهران: تندیس، ۱۳۸۳.
۳. آراسته. مدیر، هادی نیا. بهروز، صداقت. عبدالله، چاره جو. نادر، (۱۳۸۷)، "بررسی وضعیت سلامت روان و عوامل مرتبط با آن در میان کارکنان درمانی و غیر درمانی بیمارستانهای شهر سمنان در سال ۸۵"، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۱۳، صص ۳۵-۴۴.
۴. آقاپور، اسلام،، حاتمی، علی. ۱۳۸۹. بررسی رابطه بین جهت گیری مذهبی با بهداشت روانی خانواده؛ مطالعه موردی: خانواده های ساکن شهر شیراز. پژوهشنامه زنان؛ ۱۱(۱): ۱-۱۸.
۵. بابا پور، خ و رسول زاده، ج. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین شیوه های حل مسأله و سلامت روان شناختی دانشجویان مجله روان شناختی، سال هفتم. شماره ۲۵. ص ۱۶-۳.
۶. برنا، محمدرضا،، سواری، کریم. ۱۳۸۷. ارتباط ساده و چندگانه نگرش های مذهبی، سلامت روانی، رضایت از زندگی و عزت نفس با احساس شادکامی در بین دانشجویان. یافته های نو در روان شناسی؛ ۲(۸): ۷۶-۸۶.
۷. بهرامی فاضل، فرانی رضانی. نقش باورهای مذهبی درونی و بیرونی در سلامت روان و میزان افسردگی سالمندان. فصلنامه علمی پژوهشی توانبخشی. ۱۳۸۴؛ ۶(۱): ۴۲-۴۷.
۸. پورسردار، فیض اله،، امان الهی فرد، عباس،، بهامین، قباد،، چرخاب، نرگس. ۱۳۹۰. مقایسه سلامت روان، کیفیت زندگی، صمیمیت و نگرش های مذهبی در متأهلین با گذشت و بدون گذشت شاغل در مراکز بهداشتی و درمانی شهر آبدانان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام؛ ۱۹(۳): ۵۷-۶۵.
۹. ثابت. فرید، (۱۳۸۷)، اثر بخشی آموزش صبر بر اضطراب، افسردگی و شادکامی. پایان

نامه دکتری دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی . سال ۱ . ص ۲ . بهار و تابستان ۱۳۸۷.

۱۰. حبّی، محمد باقر؛ «سلامت روانی در چشم اندازی گسترده تر»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال دهم، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۳.

۱۱. حسینی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱). اصول بهداشت روانی. مشهد. انتشارات دانشکده علوم پزشکی.

۱۲. حسینی. سید محمد، صادقی. احمد، رجب زاده. رضوان، رضازاده. جواد، نبوی. سید حمید، رعنائی. محسن، الماسی. امیر، (۱۳۹۰)، «سلامت روان دانشجویان علوم پزشکی خراسان شمالی و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۸۹»، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۲۳-۲۸.

۱۳. حمید، نجمه (۱۳۹۱)، ایمنی شناسی عصبی روانی، اهواز، دانشگاه شهید چمران.

۱۴. حمید، نجمه. ۱۳۸۸. بررسی رابطه نگرش مذهبی با سلامت روانی و عملکرد سیستم ایمنی بدن (سلولهای T کمکی، سلولهای T مہاری/ انهدامی و سلولهای ضد سرطانی NK). مطالعات روان شناختی؛ ۵(۲): ۷۳-۸۸.

۱۵. خدا رحیمی، سیامک، ۱۳۷۴، مفهوم سلامت روان شناختی، چاپ اول مشهد، انتشارات جاودان فرد.

۱۶. خدارحیمی، محمد (۱۳۷۴). روانشناسی سالمندی. مشهد: انتشارات قدس رضوی.

۱۷. خدایاری فرد، محمد، ۱۳۸۶، گزارش نهایی طرح پژوهش تهیه مقیاس اندازه گیری اعتقادات دینی و نگرش های مذهبی، دانشگاه شریف.

۱۸. خیاطان . ش . (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی شناختی - رفتاری بر عزت نفس و احساس گناه زنان نابارور . پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی . واحد خوراسگان.

۱۹. خیدانی، لیلی. ۱۳۹۰. بررسی نقش مذهب بر سلامت روانی دانشجویان دانشگاه های استان ایلام. نوآوری های مدیریت آموزشی (اندیشه های تازه در علوم تربیتی)؛ ۶(۳) (مسلسل ۲۳): ۶۳-۸۲.

۲۰. دوان شولتز، سیدنی الن شولتز (۱۳۸۵). نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سید محمدی، ناشر: مؤسسه نشر ویرایش، چاپ نهم.
۲۱. دیماتئو، ام رابین (۱۳۷۸). روانشناسی سلامت. ترجمه: محمد کاویانی، محمد عباسپور، حسن محمدی، غلامرضا تقی زاده، علی اکبر کیا وکیانوش هاشمیان. تهران: نشر سمت.
۲۲. ربیع سیاهکلی سهیلا، آوازه آذر، اسکندری فریدون، قهرمانی زینب، نعمتی خواه میثم، افشین جو مهناز و همکاران.. بررسی ارتباط بین اعتقادات مذهبی با افسردگی و اضطراب خانواده‌ی بیماران بستری در بخش مراقبت ویژه. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان. ۱۳۹۳؛ ۲۲ (۹۰): ۴۵-۵۲.
۲۳. روغنچی، محمود، ۱۳۸۴، بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با سلامت روان دانشجویان رازی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه رازی کرمانشاه.
۲۴. ساپینگتون، اندوارا (۱۳۸۵). بهداشت روانی. مترجم: حمیدرضا شاهی براواتی. تهران: انتشارات ارجمند.
۲۵. ساردوئی، غلامرضا و همکار، «بررسی تأثیر ارزشهای مذهبی در طول مدت درمان بیماران مبتلا به افسردگی اساسی»، در: اسلام و بهداشت روان (۱ مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان)، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
۲۶. سلیمی بجستانی، حسین، حسینی قمی، طاهره،، ذاکری، نرگس. ۱۳۹۳. ارتباط جهت گیری مذهبی و امیدواری با اضطراب سلامت در زنان پرستار بیمارستان امام خمینی (ره) تهران. پژوهش پرستاری؛ ۹ (۱ (پیاپی ۳۲)): ۱۷-۲۴.
۲۷. شاملو، سعید، ۱۳۷۸، بهداشت روانی، چاپ ۱۳، تهران، انتشارات رشد.
۲۸. شعاع کاظمی مهرانگیز. ۱۳۸۸. رابطه مقابله های مذهبی و سلامت روان در بیماران مبتلا به تصلب چندگانه بافت (MS). روان شناسی کاربردی؛ ۳ (۱ (پیاپی ۹)): ۵۸-۶۸.
۲۹. شفیع آبادی، ن. (۱۳۶۵). نظریه های مشاوره و روان درمانی. تهران. انتشارات یزد دانشگاهی.
۳۰. صدری، جمشید، جعفری، علیرضا. ۱۳۸۹. بررسی رابطه باورهای مذهبی با سلامت روان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر). علوم رفتاری؛ ۲ (۳): ۱۲۳-۱۳۸.

۳۱. صولتی، سیدکمال، ربیعی، محمد، شریعتی، مریم. ۱۳۹۰. رابطه بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم؛ ۵(۳) ویژه نامه طب و دین: ۱-۱.

۳۲. طاهری خرامه، زهرا، آسایش حمید، زمانیان هادی، شعوری بیدگلی علیرضا، میرقیصری اعظم السادات، شریفی فرد فاطمه. سلامت معنوی و راهبردهای مقابله‌ای مذهبی در بیماران همودیالیزی. روان پرستاری. ۱۳۹۲؛ ۱(۱): ۴۸-۵۴.

۳۳. عارفی، مختار، محسن زاده، فرشاد. ۱۳۹۰. ارتباط بین جهت گیری مذهبی، سلامت روان و جنسیت. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)؛ ۵(۳): ۱۲۶-۱۴۱.

۳۴. عسگری پرویز، روشنی خدیجه، مهری آدریانی مریم. ۱۳۸۸. رابطه اعتقادات مذهبی و خوش بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز. یافته های نو در روان شناسی؛ ۴(۱۰): ۲۷-۳۹.

۳۵. قهرمانی، نسرين، نادی، محمدعلی. ۱۳۹۱. رابطه بین مؤلفه های مذهبی - معنوی با سلامت روان و امید به آینده در کارکنان بیمارستان های دولتی شیراز. نشریه پرستاری ایران؛ ۲۵(۷۹): ۱-۱۱.

۳۶. کیخا، سمیه (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین خوشبینی و سلامت روان دانشجویان دختر دانشگاه امام حسین (ع). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.

۳۷. Allport, G.W. & Ross, J. M. (1967). Personal religious oriantaiton and prejudice. Journal of personality and Social Psychology, 5, 447-457.

۳۸. Alvardo, K. A., Templer, D. L., pesler, C., and Thomas, D. C. (1995). The Relationship of Religious Variables to Death Anxiety. Journal of Clinical Psychology, 51(2), 202-204.

۳۹. Argyle, M. (2000). Psychology and Religion: An introduction. London: Routledge.

۴۰. Beit. H and Argyle, M. The psychology of religion: behavior, belief and experience, London, Routledge, 1987.

پیوست الف) پرسشنامه انس و نگرش با قرآن

سرکار خانم / آقای

باسلام و احترام و ضمن آرزوی سلامتی شما و عزیزانتان، سولاتی که در پیش رو دارید یک پرسشنامه تحقیقات دانشجویی می باشد که در نظر است با همکاری و مساعدت جنابعالی محقق گردد لذا پاسخنامه ذیل بصورت محرمانه نزد محقق باقی خواهد ماند خواهشمنداست در تکمیل تحقیق مذکور همکاری لازم بعمل آورید.

باتشکر

فاطمه

ساداتی دانشجوی کارشناسی ارشد قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

سن: جنسیت: مرد زن وضعیت تاهل: متاهل ، مجرد ، طلاق تحصیلات: دکتری فوق لیسانس لیسانس فوق دیپلم دیپلم ، زیر دیپلم ، سوادقرانی بی سواد شغل کارمند : دانشگاه ، آموزش و پرورش ، ارشاد اسلامی ، تبلیغات اسلامی ، بهداشت و درمان ، بانک ، شرکت نفت ، مخابرات ، نیروی انتظامی ، سپاه ، ارتش ، کارخانه دولتی ، سایر ادارات --- شغل آزاد: شرکت خصوصی ، تولیدی ، مغازه دار ، کارگرساده ، فنی ، خانگی ، بیکار --- علت بستری : بیماری ، تصادف ، حادثه غیر تصادف محل بستری: بخش عمومی ، اورژانس ، جراحی ، CCU ، ICU و سای

ر

--- وضعیت سکونت: ساکن شهر ، روستا ، نزدیک والدین و بستگان ، دور از والدین و بستگان ، مهاجر ، بومی --- وضعیت مسکن: مسکن شخصی ، استیجاری ، خانه پدری / مادری ، سرایدار ادارات و ارگانها ، سرایدار منازل شخصی ، ساختمان سازمانی

سوالات پرسشنامه انس با قرآن

۱	در منزل چه تعداد کتاب یا نرم افزار تفسیری قرآن دارید؟	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	اصلا
۲	آیا می توانید قرآن را بخوانید؟	خیلی روان	روان	تا اندازه ای روان	به زحمت و سختی	نمی توانم
۳	در روز چه مقدار قرآن می خوانید؟	بیش از ۵۰	۳۰-۵۰	۲۰-۱۰	کمتر از ۱۰	هیچ

۴	در ماه مبارک رمضان چه مقدار قرآن در روز می خوانید؟	بیش از ۵۰-۳۰ آیه	۲۰-۱۱ آیه	کمتر از یک آیه	هیچ
۵	آیا قرآن را گروهی و مقابله ای قرائت می کنید؟	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم اصلاً
۶	آیا به هنگام قرائت قرآن به معنای آن توجه میکنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت هیچ وقت
۷	آیا به هنگام قرائت قرآن ترجمه آن را نیز مطالعه می کنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت هیچ وقت
۸	آیا در جلسات تفسیر قرآن شرکت می کنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت هیچ وقت
۹	آیا در جلسات دوره ای قرآن شرکت می کنید؟	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم هیچ وقت
۱۰	چه مقدار قرآن را از حفظ دارید؟	۳۰ جزء کامل	۱۰-۳۰ جزء	۱-۱۰ جزء	کمتر از یک جزء (چند آیه) اصلاً
۱۱	آیا در امور زندگی استخاره قرآن می کنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت اصلاً
۱۲	آیا در مواقع استرس و فشار روانی قرآن قرائت می کنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت هیچ وقت
۱۳	در مواقع گوش دادن به قرآن (رادیو و تلویزیون و ...) چقدر احساس آرامش می کنید؟	خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم اصلاً
۱۴	آیا خانواده خودتان را به قرائت و ختم قرآن تشویق می کنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت هیچ وقت
۱۵	آیا دوستان خود را به قرائت و ختم قرآن تشویق می کنید؟	همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت هیچ وقت

خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	اصلاً	۱۶	آیا قرآن باعث شده است که نسبت به حوادث زندگی آرامش بیشتری داشته باشید؟
خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	اصلاً	۱۷	آیا کتابهای قرآن دوره دانش آموزی /تحصیلاتتان تاثیری در انس شما با قرآن داشته است؟
خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	اصلاً	۱۸	آیا معلمان و اساتید دوره دانش آموزی تاثیری در انس شما با قرآن داشته است؟
همیشه	بیشتر وقتها	بعضی اوقات	به ندرت	هیچ وقت	۱۹	ایا قرآن جیبی یا نرم افزار قرآن به همراه دارید؟

سوالات پرسشنامه نگرش به قرآن

خیلی موافقم	موافقم	تا اندازه ای موافقم	مخالقم	خیلی مخالفم	سوالات نگرشی	
					آیا کسانی که با قرآن انس دارند دارای آرامش بیشتری هستند.	۱
					انس با قرآن در رفتار فرد تاثیر مثبت دارد.	۲
					زندگی همراه با اخلاق قرآنی باعث آرامش و امنیت جامعه می شود.	۳
					اگر با قرآن انس داشته باشید باعث تاثیر گذاری مثبت بر دیگران می شود.	۴

۵	برگزاری مسابقات راهکاری جهت انس با قرآن است.				
۶	اساتید قرآنی انسان های باشخصیت و سالمی هستند.				
۷	کتابهای تفسیری روان ، به روز ، و مناسب برای فهم قرآن هستند.				
۸	فرزندان را با قرآن تربیت می کنم. برای آینده آنان تاثیر دارد.				
۹	قرآن برای تربیت درست موثر و مفید است.				
۱۰	عبادات برای انس بیشتر با قرآن تاثیر دارند.				
۱۱	ایا انس با قرآن می تواند درسلامت افراد وزندگی بهتر تاثیر داشته باشد.				
۱۲	آیا می شود درزندگی ماشینی امروز فرزندان را باقرآن مانوس کرد				
۱۳	روش تدریس قرآن تاثیر درانس با قرآن دارد				
۱۴	ایا تدریس قرآن درمدارس برای استفاده درزندگی وایجاد روان سالم کافی است.				

۱۵	آیا روش تبلیغ جذب قرآن آموزان درانس با قرآن آموزان درهرسنی تاثیر دارد.				
۱۶	آیا دوگانه برخورد کردن مسئولین موسسات به مقوله قرآن آموزی کسب منفعت مالی تاثیرمثبتی بر انس باقرآن دارد.				
۱۷	آیا می توان بدون هزینه انس با قران ایجاد کرد.				
	سوالات نگرشی	خیلی موافقم	موافقم	تا اندازه ای موافقم	مخالقم خیلی مخالفم
۱۸	ایا تنها کسانی که با قران انس دارند ازنظر سلامت روحی وروانی سلامت بیشتری دارند				
۱۹	آیا مطالعه وخواندن زندگی علما وبزرگانی که باقرآن انس داشته اند تاثیری درافراد دارد.				
۲۰	سلامتی روحی وکاهش درد در بیماران با انس به قران کاهش می یابد.				

پیوست ب) پرسشنامه سلامت عمومی

لطفاً قسمت زیر را به دقت بخوانید:

می خواهیم درباره کسالت و ناراحتی های پزشکی و این که سلامت عمومی شما طی یک ماه گذشته تا امروز چگونه بوده است اطلاعاتی به دست آوریم. لطفاً در تمامی سوالات زیر، پاسخی را که بیشتر با وضعیت شما مطابقت دارد علامت بزنید موارد ذیل نیز همانند سوالات گذشته نزد محقق بصورت محرمانه باقی خواهد ماند. A

خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بہتر از همیشه	
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	از یک ماه گذشته تا به امروز درمورد احساس خود چه احساسی داشته اید؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که به داروهای تقویتی نیاز دارید؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس ضعف و سستی کرده اید؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که بیمار هستید؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز سردرد داشته اید؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که سرتان رامحکم باچیزی مثل دستمال بسته اید یا فشاری به سرتان وارد می شود؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که بعضی وقت ها بدنتان داغ و سرد می شود؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	
				B
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز اتفاقی که بر اثر نگرانی دچار بی خوابی شده باشید؟
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز شب ها وسط خواب بیدار می شوید؟

خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که دائماً تحت فشار هستید؟	۱۰
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز عصبانی و بدخلق شده اید؟	۱۱
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز بدون هیچ دلیل قانع کننده ای هراسان و یا وحشت زده شده اید؟	۱۲
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز متوجه شده اید که انجام هر کاری از توانایی شما خارج است؟	۱۳
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که در تمامی مدت دلشوره دارید؟	۱۴
خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهتر از همیشه	C	
خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز توانسته اید خودتان را مشغول و سرگرم نگه دارید؟	۱۵
خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز اتفاق افتاده که برای انجام کارهایتان بیشتر از حد معمول وقت صرف نمائید؟	۱۶
خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز به طور کلی احساس کرده اید که کارها را به خوبی انجام می دهید؟	۱۷
خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز از نحوه انجام کارهایتان احساس رضایت می کنید؟	۱۸
خیلی بدتر از همیشه	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که نقش مفیدی در انجام کارها به عهده دارید؟	۱۹

خیلی بدتر از	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهرتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز توانایی تصمیم گیری درباره مسائل راداشته اید؟	۲۰
همیشه					
خیلی بدتر از	بدتر از همیشه	مثل همیشه	بهرتر از همیشه	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز قادر بوده اید از فعالیت های روزمره زندگی لذت ببرید؟	۲۱
همیشه					
خیلی زیاد		کمی	خیر	D	
	زیاد			آیا از یک ماه گذشته تا به امروز فکر کرده اید که شخصی بی ارزش هستید؟	۲۲
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که زندگی کاملاً نا امید کننده است؟	۲۳
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که زندگی ارزش زنده بودن را ندارد؟	۲۴
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز به این مساله فکر کرده اید که ممکن است دست به خود کشی بزنید؟	۲۵
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز احساس کرده اید که چون اعصابتان خراب است نمی توانید کاری کنید؟	۲۶
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز به این نتیجه رسیده اید که کاش مرده بودید و از شر زندگی خلاص می شدید؟	۲۷
خیلی زیاد	زیاد	کمی	خیر	آیا از یک ماه گذشته تا به امروز این فکربه ذهنتان رسیده است که بخواهید به زندگیتان خاتمه دهید؟	۲۸

تأثیر مجازات حبس بر اصلاح، باز پروری و درمان مجرمین (با رویکرد پیشگیری ثالث)

مهدی عبدی ابیانه* مسعود جابری**

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۲/۱۱/۲	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۲/۱۱/۱۰	شماره صفحه : ۸۴-۶۳
--------------------	--------------------------	--------------------------	--------------------

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی به بررسی علل ارتکاب جرم پس از آزادی از زندان در شهرستان اصفهان پرداخته شده است. برای جمع آوری اطلاعات هم از منابع کتابخانه ای و هم از پرسشنامه محقق ساخته، به صورت میدانی استفاده شده است. جامعه آماری ما در این پژوهش از مجموع افرادی که در اصفهان بعد از گذراندن یک دوره محکومیت مجددا مرتکب جرم می شدند، تعداد ۱۰۱ نفر به طور تصادفی از بین زندانیان محبوس در زندان مرکزی اصفهان و زندان زنان اصفهان انتخاب شده که مبادرت به تکمیل پرسشنامه و اقدام به پاسخگویی به سوالات مطرح شده در پرسشنامه نمودند. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در تحلیل اطلاعات بدست آمده ضمن بهره گیری از نظریات جامعه شناسی جنایی و جرم شناسی، به این نتایج دست یافتیم که عمده ترین علل ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان، مشکل بیکاری است که با میانگین رتبه %۷/۶۸ همراه با ضریب اطمینان ۹۵٪، حکایت از معنا دار بودن ارتباط بین بیکاری و ارتکاب مجدد جرم دارد. مورد بعدی عدم پذیرش اجتماع با میانگین رتبه %۷/۰۸، بیانگر وجود ارتباط معنادار بین مورد مذکور و ارتکاب مجدد جرم است، معاشرت با افراد سابقه دار و مجرمان حرفه ایی از نظر میزان تأثیر در گرایش به ارتکاب مجدد جرم پس از طی دوره محکومیت با میانگین %۴/۰۳ با

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

** کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی و نماینده حقوقی صندوق تأمین خسارتهای بدنی

اطمینان ۹۵٪ نشان دهنده معنادار بودن ارتباط گزینه مزبور با ارتکاب مجدد جرم است.

واژگان کلیدی: جرم، تکرار جرم، بازگشت به زندان، خانواده، شهرستان اصفهان

مقدمه

امروزه با اینکه هدف از مجازات دیگر تنها انتقام جویی نبوده و مبنای مجازات از تنبیه و انتقام جویی، به اصلاح و تربیت مجرم تغییر پیدا کرده، با این حال آمارها حکایت از بالا بودن ارتکاب مجدد جرم توسط مجرمین پس از گذراندن دوره محکومیت و بازگشت مجدد به زندان را دارد. ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان نشان دهنده این موضوع است که زندان به عنوان یک عامل بازدارنده در ارتکاب جرم به طور کامل موفق نبوده و نتوانسته مسئولیت تربیتی و اصلاحی خود را به نحو مطلوب ایفا کند.

البته نمی‌توان زندان را به عنوان تنها عامل موثر در تکرار جرم قلمداد نمود، ولی با اینحال از نقش زندان در تکرار جرم نیز نمی‌توان غافل شد. تحقیقات نشان دهنده این موضوع است که محیط زندان برای بسیاری از زندانیان به دلیل کسب تجربیات منفی، بسیار مخرب و ناامید کننده است. نا کافی بودن اقدامات اصلاحی و باز پروری زندانیان به معنای آن است که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند.

جوامع پیشرفته نیز به این نتیجه رسیده اند که نه تنها زندان در کاهش جرم نمی‌تواند نقش تعیین کننده داشته باشد بلکه در عمل به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است. بررسی علل و عوامل انحرافات و بزهکاری فردی، گویای این مطلب هستند که بزهکاری و انحرافات اجتماعی، نه تنها یک مساله فردی نیست، بلکه جزئی از یک نظام و جریان اجتماعی است که تهدیدکننده زندگی همه افراد جامعه و در مجموع کل نظام است.

یکی از نظریه‌های مطرح در بررسی مسائل جامعه زندان، نظریه بی‌هنجاری یا آنومی است. رابرت مerten^۱ می‌گوید، هنگامی که فرد دچار حالت بی‌هنجاری می‌شود وابستگی و احساس تعلق به گروه را از دست می‌دهد. هنجارهای گروهی را به عنوان سرمشق نمی‌پذیرد و از آنها می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری یا به تعبیر دورکیم کژ هنجاری به سر می‌برد. زیرا هنجار

مطلوبی نمی‌یابد تا جانشین هنجارهای پیشین سازد. البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد، اما خود را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و هم‌سان می‌یابد. (شیخاوندی، ۱۳۷۹)

مرتن پنج واکنش ممکن نسبت به تنش میان ارزش‌هایی که از نظر اجتماعی پذیرفته شده و وسایل محدود دستیابی به آنها را تشخیص می‌دهد: ۱- سازگاری و هم‌نوايي^۱؛ هم‌نوايي با اهداف و وسایل فرهنگی که معمول‌ترین شکل رفتار است. پیروی در حد قابل ملاحظه‌ای به این شیوه از انطباق امری ضروری برای حفظ جامعه‌ای باثبات محسوب می‌شود. ۲- نوآوری^۲؛ فرد با اهداف فرهنگی سازگاری می‌کند بدون آنکه به همان میزان هنجارهای نهادی حاکم بر وسایل را نیز برای نیل به آن اهداف درونی کرده و پذیرفته باشد. ۳- مناسک‌گرایی^۳؛ ترک یا کاهش میزان آرزوها در ارتباط با اهداف، همراه با تمرکز بر وسایل. ۴- انزوا طلبی^۴؛ مستلزم چشم‌پوشی از اهداف و وسایل است و بنابراین فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه. ۵- شورش^۵؛ وضعیتی است که سیستم نهادی مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف مشروع محسوب می‌شود در نتیجه ارزشهای جدید بوجود می‌آیند و وسایل جدید برای دست‌یابی به آنها می‌آفرینند (گروثرز، ۲۰۰۹)

کلووارد و اهلین تحت تأثیر مرتن قرار دارند و در واقع ترکیبی میان نظریه مرتن و نظریه بوم‌شناسی پدید آوردند. آنها نظریه مرتن را در چارچوب بوم‌شناسی دوباره مطرح ساختند بطوری که آنومی منشاء کج رفتاری و انحرافات اجتماعی را نشان می‌دهد و قرار گرفتن در منطقه در حال تغییر و تبدیل معاشرت‌های خاصی را به وجود می‌آورد که شیوه زندگی کجرو را منتقل می‌سازد. تفاوت آنها با مرتن در این است که کج رفتاری را یک جریان جمعی و کلی در نظر می‌گیرند یعنی در این محیط با پیدایش خرده فرهنگ‌های کجرو مسئله انطباق فردی مطرح نبوده و گروه به شکل جمعی خود را با شرایط زندگی نامطلوب منطبق می‌سازد. (ممتاز، ۱۳۸۱)

البرت کوهن نیز همانند مرتون محرومیت فرهنگی را عامل تعیین‌کننده در شکست و ناکامی فرزندان طبقه کارگر در امر تحصیلی می‌داند. پسران این طبقه از کمبود و فقدان

-
1. conformity
 2. innovation
 3. ritualism
 4. ritreatment
 5. rebellion

منزلت اجتماعی رنج برده و از پایگاه اجتماعی خود ناراضی هستند؛ از اینرو حرمان و ناکامی خود را با گرایش به بزهکاری از میان نمی‌برند، بلکه با امتناع از اهداف فرهنگی و آرمان‌های موفقیت اجتماعی می‌کوشند آنها را با اهداف و ارزشهای دیگری که انسان را به کامیابی رهنمون می‌سازد، جایگزین سازد. (ولد، برنارد، اسنیپس، ۱۳۸۸). بدین ترتیب آنان عملاً به ایجاد و توسعه یک خرده فرهنگ بزهکار اهتمام می‌ورزند. فرهنگ فرعی بزهکاری نه تنها فرهنگ جامعه را نمی‌پذیرد بلکه بر ضد آن عمل می‌کند. فرهنگ مذکور رضایت خاطر و خرسندی اعضا را در خارج از محیط جستجو می‌کند و می‌کوشد نارضایتی و خستگی را از این طریق بر طرف کند. لذا با روی آوردن به اعمال هیجانی خستگی کار را بر طرف می‌کند.

بیان مسئله

زندان یکی از راه‌های مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری است که در اکثر کشورهای جهان به عنوان یکی از مهمترین شیوه‌های دفاع اجتماعی در رویارویی با پدیده جرم و مجرم محسوب می‌شود. لذا به عنوان ضمانت اجرای قوانین در حوزه نظم عمومی، به دنبال آن است که با اجرای مجازات حبس ضمن تنبیه مجرم، این شیوه مجازات نوعی جلوه بازدارندگی عمومی و فردی نیز داشته باشد. باز دارندگی عمومی برای افرادی که هنوز مرتکب جرمی نشده اند و بازدارندگی فردی، نسبت به مجرم که وی را از ارتکاب مجدد جرم باز دارد. حال جای بحث اینجا است که تا چه حد در رسیدن به این هدف موفق بوده است.

مجموع مستندات بین المللی بیانگر این مطلب هستند که غالب زندانیان با مشکلات جسمانی، روانشناختی، اقتصادی و اجتماعی مواجهند، برخی از این مشکلات عبارتند از داشتن سابقه سوء استفاده و آزار، مصرف بالای مواد و داروهای قانونی و غیرقانونی، اختلالات جسمانی و روانی، بیماریهای واگیر، داشتن شخصیت‌های دوگانه حتی سه گانه، کارکرد شناختی ضعیف و مهارت‌های اجتماعی ناکافی، سطح تحصیلات پائین ...

گرچه این مسایل همیشه و برای همه افراد سبب ارتکاب جرم نمی‌شود ولی تحقیقات گویای این واقعیت است که این عوامل احتمال ارتکاب جرم در افراد را افزایش می‌دهد. مخصوصاً افزایش دهنده میزان ارتکاب جرم در افرادی که به تازگی از زندان آزاد شده یا سابقه محکومیت به زندان را داشته اند، بوده است. در نتیجه با توجه به این عوامل و سعی در برطرف نمودن آنها می‌توان احتمال ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان را کاهش داد. (رئیس، ۱۳۸۸)

تکرار جرم ضمن اینکه دلیل ناتوانی مجرم و بزهکار در باز اجتماعی شدن و همسو شدن با جامعه بدون ارتکاب جرم است، گویای نقص و ضعف نهادهای اجرا کننده عدالت کیفری در راستای بازسازگار نمودن بزهکار و پیشگیری از جرم نیز هست. تا قبل از دهه هفتاد میلادی اعمال مجازات‌های بسیار خشن که منجر به طرد یا حذف کامل بزهکار از جامعه می‌شد، مانع از تکرار جرم به عنوان یک پدیده شایع و قابل توجه بود. ولی دور شدن از رویکرد «مجازات بیشتر، تکرار جرم کمتر»، و روی آوردن به کاهش خشونت مجازات‌ها و در نتیجه ایجاد فرصت بازگشت به جامعه پس از تحمل کیفر، سبب شد تا فرصت تکرار جرم نیز به محکومان داده شود. در نتیجه اگر چه اصلاح قوانین کیفری و انسانی نمودن این قوانین آثار مثبت زیادی به همراه داشته؛ لیکن زمینه ساز ارتکاب مجدد و مکرر جرم را نیز فراهم نموده است.

کمرنگ شدن آرزوی بازپروری مجرم و تحمیل هزینه تکرار جرم به دولت و در کنار آن افزایش خواسته‌های مردم از دولت در خصوص مقابله با بزهکاران به دلیل ترس از جرم و احساس ناامنی که به طور طبیعی یا به وسیله دامن زدن رسانه‌ها به آن به وجود آمده بود، سبب اولویت یافتن خواسته‌های مردم در برابر نظرات کارشناسان در خصوص شیوه برخورد با بزهکاران شده و زمینه‌های لازم را برای پیدایش رویکرد مدیریت خطر جرم و یا به عبارتی فرهنگ جدید جرم فراهم آورده است. (نوروزی، بارانی، سرکشیکیان، ۱۳۹۰)

باتوجه به این که برای مدیریت خطر جرم، شناخت عوامل موثر در فراهم آمدن زمینه‌های فردی و اجتماعی جرم ضروری است لذا در این پژوهش به شناسایی علل و عوامل موثر در گرایش به ارتکاب مجدد جرم پس از طی دوره محکومیت و ارائه راهکار و پیشنهاد در جهت کاهش و پیشگیری از این پدیده پرداخته شده است..

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

از آنجا که برای مدیریت خطر جرم شناسایی عوامل موثر در فراهم آمدن زمینه‌های فردی و اجتماعی ارتکاب جرم ضروری می‌نماید، با توجه به عنوان پژوهش که به دنبال شناسایی و تبیین عوامل موثر در ارتکاب جرم پس از طی دوران محکومیت است، در پی آن هستیم تا با شناخت و تحلیل عوامل مذکور بتوانیم به راهکارهایی در جهت کمک به کنترل و مدیریت خطر جرم و تکرار آن دست یابیم.

سؤال‌های پژوهش

۱. آیا عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم نقشی دارد؟
۲. آیا عدم جامعه پذیری (باز اجتماعی شدن) فرد موجب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می‌شود؟
۳. آیا تعاملات و ارتباطات با افراد سابقه دار در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم تاثیری دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم موثر است.
۲. عدم جامعه پذیری (باز اجتماعی شدن) فرد موجب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می‌شود.
۳. تعاملات و ارتباطات با افراد سابقه دار در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم تاثیری دارد.

اهداف پژوهش

۱. بررسی و تبیین مهمترین عوامل موثر بر ارتکاب جرم پس از آزادی از زندان در شهرستان اصفهان
۲. شناسایی مهمترین عوامل اجتماعی موثر بر میزان بازگشت زندانیان به زندان می‌باشد.
۳. بررسی و تبیین نقش عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم
۴. بررسی و تبیین نقش مشکلات اقتصادی در ارتکاب مجدد جرم
۵. بررسی و تبیین نقش عدم کنترل و نظارت خانواده می‌تواند در ارتکاب مجدد جرم
۶. بررسی و تبیین نقش زندان در تکرار جرم پس از آزادی از زندان
۷. بررسی و تبیین تاثیر تعاملات و ارتباطات دوستانه فرد با افراد سابقه دار در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی می باشد. توصیفی است، چرا که به بررسی و وصف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موضوع، بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی می پردازد. پیمایشی است، زیرا سعی دارد با بکارگیری دقیق از روش های علمی، از طریق مطالعه نمونه گزینش شده از گروهی بزرگتر، به استنتاج هایی در مورد آن گروه بزرگ نائل آید.

جامعه آماری

جامعه ی آماری این پژوهش کلیه زندانیان زندان دستگرد و زندان زنان شهرستان اصفهان هستند که مرتکب تکرار جرم شده اند.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

حجم نمونه در این پژوهش تعداد ۱۰۱ نفر از زنان و مردان محبوس در زندان های مرکزی و زنان شهرستان اصفهان است.

حجم نمونه این تحقیق از فرمول ذیل بدست آمده است :

$$n = (Z^2 \cdot S^2) / d^2$$

n : حجم نمونه

$(Z^2 \cdot S^2) / d^2$: سطح زیر منحنی نرمال استاندارد با اطمینان ۰/۹۵ درصد است که برابر با عدد ۱/۹۶ می باشد.

۹۵ درصد از مساحت زیر منحنی نرمال در درون حدود ۱،۹۶ انحراف استاندارد از میانگین است و با توجه به قضیه حد مرکزی این شماره در ساخت تقریب ۹۵٪ فاصله اطمینان استفاده می شود).

d : دقت احتمالی مطلوب که باتوجه به خطای مطلق برآورد حجم نمونه که محققان معمولاً آن را ۰/۰۵ در نظر می گیرند.

S^2 : واریانس نمونه مقدماتی که برابر ۰/۰۶۶ بدست آمد. (پیش برآورد واریانس متغیر

مورد نظر در جمعیت است؛ به این منظور برای محاسبه واریانس نمونه مقدماتی تعدادی پرسشنامه توزیع شده و واریانس نمونه اولیه محاسبه می شود).

در نتیجه مقدار حجم نمونه با استفاده از محاسبات ذیل برابر ۱۰۱ بدست آمد.

$$n = (1/0.05)^2 \cdot 0.066 \cong 101$$

روش های گردآوری داده ها

جمع آوری اطلاعات نظری در ارتباط با پیشینه پژوهش از کلیه منابع کتابخانه ای و دیجیتالی و بازنگری و مطالعه ادبیات موجود در جهان در شناسایی مولفه های موثر بر طلاق از طریق:

الف) مراجعه به شبکه های و پایگاه های اینترنتی

ب) مراجعه به کتب و نشریات داخلی و خارجی

استخراج مطالب مورد نیاز (اعم از ابعاد، ویژگی ها، اصول، مدل ها، نظریه ها و تحقیقات انجام شده در داخل و خارج ایران و مبانی نظری پژوهش) از منابع کتابخانه ای و دیجیتالی انجام شده برای طراحی و تدوین ابزار پژوهش استفاده گردید.

روایی ابزار تحقیق

در تحقیق حاضر جهت بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده گردید. بدین منظور پرسشنامه تحقیق در اختیار متخصصان این کار قرار گرفت و روایی آن تایید گردید.

پایایی ابزار تحقیق

پایایی (اعتماد) یکی از ویژگی های فنی ابزار اندازه گیری است که نشان دهنده این است که ابزارهای اندازه گیری تا چه میزان نتایج یکسانی را در شرایط مشابه به دست می دهند. همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، یکی از روش های محاسبه قابلیت پایایی، ضریب آلفای کرونباخ است که برای محاسبه آن ابتدا باید واریانس نمرات هر سوال پرسشنامه و واریانس کل آزمون را محاسبه و سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار آن را به دست آورد.

$$\alpha = N / (N - 1) (1 - (\sum S_i^2 / S^2))$$

متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش به عاملی اطلاق می‌شود که بین افراد جامعه مشترک بوده، می‌تواند مقادیر کمی و ارزش‌های متفاوتی داشته باشد. در جدول ۳ - ۱ متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق و در جدول ۳ - ۲ متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳-۱ - متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق

متغیر	سوال	متغیر	سوال
سن	۱	مدت محکومیت اولین جرم	۱۱
میزان تحصیلات	۲	میزان تحصیلات پدر	۱۲
تعداد خواهر و برادر	۳	میزان تحصیلات مادر	۱۳
وضعیت ازدواج	۴	سابقه مصرف مواد مخدر	۱۴
وضعیت منزل مسکونی	۵	سن اولین ارتکاب جرم	۱۵
شغل	۶	نوع جرم اول	۱۶
میزان درآمد	۷	محل سکونت	۱۷
سابقه محکومیت	۸	سابقه طلاق در زندگی	۱۸
نوع جرم فعلی	۹	وضعیت ملاقاتی	۱۹
مدت محکومیت فعلی	۱۰		

جدول ۳-۲ - متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	شماره سوال
تأثیر عدم پذیرش خانواده بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان	۲۰
تأثیر عدم پذیرش اجتماع بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان	۲۱
تأثیر مشکلات اقتصادی در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۲
تأثیر مشکل بیکاری در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۳
تأثیر میزان تحصیلات در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۴

۲۵	تاثیر محیط زندان بر ارتکاب مجدد جرم
۲۶	تاثیر جنس بر ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان
۲۷	تاثیر پایین بودن سن در تکرار جرم پس از آزادی از زندان
۲۸	تاثیر معاشرت با افراد سابقه دار در محیط زندان در ارتکاب مجدد جرم
۲۹	تاثیر مصرف مواد مخدر و اعتیاد در ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان
۳۰	تاثیر میزان کنترل و نظارت خانواده در پیشگیری از تکرار جرم
۳۱	تاثیر معاشرت با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان در ارتکاب مجدد جرم

طیف لیکرت که در جدول ۳-۳ مشخص گردیده است، یک مقیاس فاصله‌ای است که از طریق آن می‌توان میزان موافقت پاسخگو را با سوالات مطرح شده در پرسشنامه تعیین کرد.

جدول ۳-۳ - طیف لیکرت پرسشنامه پژوهش

کاملاً موافقم	موافقم	متوسط	مخالقم	کاملاً مخالفم	گزینه انتخابی
۵	۴	۳	۲	۱	امتیاز

بنابراین نمرات هریک از متغیرهای اصلی پژوهش با توجه به نمره گذاری طیف لیکرت اعدادی بین ۱ تا ۵ می‌باشند .

یافته‌های استنباطی

در این قسمت یافته‌های جانبی پژوهش شامل بررسی میزان میانگین متغیرها و بررسی ارتباط ویژگی‌های جمعیت شناختی با متغیرهای پژوهش شرح داده می‌شود.

برای بررسی میزان میانگین متغیرها از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. در آزمون t تک نمونه‌ای با توجه به مقیاس ۵ گزینه‌ای (۱ الی ۵) پرسشنامه پژوهش، مقدار آزمون برابر با ۳ در نظر گرفته می‌شود. قاعده تصمیم‌گیری در سطح اطمینان ۹۵٪ به شرح زیر است:

اگر حد پایین و بالا هر دو مثبت باشد، میزان متغیر بالاتر از حد میانگین است.

اگر حد پایین و بالا هر دو منفی باشد، میزان متغیر کمتر از حد میانگین است.

اگر حد پایین منفی و حد بالامثبت باشد، میزان متغیر در حد میانگین است.

نتیجه گیری

مستندات بین المللی حاکی از آنست که اغلب زندانیان با چالش جسمانی، روانشناختی و اقتصادی، اجتماعی و روبرو هستند برخی از این مسائل عبارتند از داشتن سابقه سوء استفاده و آزار، مصرف بالای مواد مخدر و داروهای قانونی و غیرقانونی، اختلالات جسمانی و روانی، بیماریهای واگیر، داشتن شخصیت‌های دوگانه حتی سه گانه، کارکرد شناختی ضعیف و مهارت‌های اجتماعی ناکافی، سطح تحصیلات پائین و ... اگرچه این عوامل همیشه منجر به رفتار جنائی نمی‌شوند و در واقع بسیاری افراد هستند که با یک یا چند مورد از این چالش‌ها روبرو هستند، اما هرگز مرتکب جرمی نمی‌گردند با این وجود تحقیقات ثابت کرده که این عوامل احتمال ارتکاب جرم را در افراد افزایش می‌دهند و به ویژه افزایش دهنده میزان ارتکاب مجدد جرم در کسانی هستند که به تازگی از زندان آزاد شده اند یا قبلاً سابقه محکومیت به زندان را داشته اند.

منظور از تکرار جرم آن است که مرتکب پس از محکومیت قطعی نسبت به رفتار مجرمانه، دوباره مرتکب جرم دارای مجازات تعزیری از درجه یک تا شش شود؛ صرف نظر از این که هر دو جرم از عناوین مجرمانه واحد باشند یا متعدد. تکرار جرم نشانه‌ی حالت خطرناک بزه‌کار است و از این حیث قوانین بعضی کشورها، سیاست تشدید مجازات را در قبال بزه‌کاران خطرناک توصیه می‌کنند. این سیاست بر این مبتنی است که بزه‌کاران پیشینه‌دار با تحمل محکومیت باید از کردار خود تنبه حاصل کرده باشند و مجازات زندان باید موجبات اصلاح آنان را فراهم کرده باشد. بنابراین مسئولیت آنان به این دلیل که از این هشدار پند نیاموخته‌اند، سنگین‌تر از بزه‌کاران بدوی است. طبق ماده‌ی ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

نظریات مختلفی در ارتباط با دلایل تکرار جرم از سوی صاحبنظران و جرم‌شناسان مطرح شده است. از جمله این نظریات می‌توان به نظریه خرده فرهنگ بزهکاری از سوی کلوارد و اوهلین اشاره کرد، ایشان معتقدند که وقتی فردی بعد از ارتکاب اولین جرم از سوی جامعه طرد شده و جایگاه و اعتبار خود را از دست داده و به او به چشم یک موجود بی ارزش نگاه می‌شود؛ بالطبع فرد رانده شد به دنبال پیدا کردن راه حل این مشکل جذب خرده فرهنگ‌های مجرمانه که راحت‌ترین راه است می‌شود. نظریه برچسب زنی یا نظریه واکنش اجتماعی نیز واکنش اجتماع که توأم با الصاق لکه ننگ و مجازات است را عامل ثبات بزهکار در ارتکاب مجدد جرم میدانند.

از نظر دوکیم در جوامع سنتی به دلیل وجود انسجام و وابستگی میان اعضای آن نرخ بزهکاری و بالطبع تکرار جرم؛ نسبت به جوامع صنعتی کمتر دیده می‌شود. همین موضوع را یک جرم شناس استرالیایی به نام «جان برایت ویت» تحت عنوان «نظریه شرمسازی بازپذیرکننده» مطرح میکند. شرمساری یا همان احساس خشم از عملکرد خود از طریق درک و جدان نقش کلیدی در بازپذیری و قبول رفتار وهنجار اجتماعی توسط بزهکار ایفاء می‌کند. به اعتقاد برایت ویت مردم از بی‌آبرویی در جامعه بیشتر احساس تهدید و ترس می‌کنند تا از مجازات‌های رسمی. لطمه‌ای که فرد در اثر از دست دادن موقعیت اجتماعی و احترام می‌خورد، بیش از تحمل مجازات است. برایت ویت معتقد بود که ایجاد شرمساری از طریق بی‌آبرو کردن و سلب حیثیت عمومی و اجتماعی بزهکار، منجر به از بین بردن و گسستن روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکار و جامعه می‌شود. از دیگر سو شرمساری مبتنی بر بازپذیری در راستای تقویت روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکار و جامعه است. برایت ویت معتقد است که این روش منجر به کنترل بیشتر و مؤثرتر جرم خواهد شد و بزهکار را وادار می‌دارد تا بار دیگر تلاش کند به عنوان شهروندی مطیع قانون در آید.

در این پژوهش بعد از بررسی اطلاعات به دست آمده از مجموع ۱۰۱ نفر زندانی محبوس در زندانهای دستگرد و زندان زنان شهر اصفهان در زمینه علل ارتکاب مجدد جرم، به نتایجی دست یافتیم که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

در بررسی و شناخت عوامل موثر بر تکرار جرم بعد از گذراندن دوره محکومیت بر روی مشارکت کنندگان (زندانیان) در پژوهش، بیشترین درصد فراوانی تکرار جرم مربوط به رده سنی کمتر از ۳۵ سال است که بیانگر روحیه ماجراجویی و خطر پذیری آنان است.

در نتیجه بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش بین میزان تحصیلات و ارتکاب جرم رابطه معکوس دیده می‌شود، به این معنی که ارتکاب جرم در بین افراد تحصیل کرده نسبت به افراد کم سواد یا بی‌سواد کمتر است و این بیانگر این مطلب است که آموزش می‌تواند سبب کاهش آمار زندانی شدن شود.

یکی دیگر از نتایج به دست آمده، براساس اطلاعات مسئله بی‌کاری و عدم اشتغال است که به عنوان مهمترین عامل ارتکاب مجدد جرم در بین شرکت کنندگان در این پژوهش مطرح است و گویای این واقعیت است که فرد مجرم به دلیل گذراندن دوران محکومیت که منجر به از دست دادن کار و پیشه خود شده، با توجه به سوء سابقه ایی که برای وی حاصل شده دیگر به

سادگی نمی‌تواند اطمینان مردم را جلب نموده و مشغول به کار شود و همین بیکاری با توجه به اینکه بیشترین آمار به دست آمده در این پژوهش به افراد متاهل تعلق دارد، لذا سبب مشکلات معیشتی و اقتصادی شده که خود به عنوان سومین عامل موثر در تکرار جرم مطرح شده است.

بر اساس اطلاعات جدول مصرف مواد مخدر نیز عاملی دیگر در گرایش به تکرار جرم در این پژوهش معرفی شده که این خود می‌تواند به دنبال برخورد و ارتباط با افراد خلافکار جهت تهیه مواد باشد.

از دیگر عوامل مطرح شده توسط زندانیان شرکت کننده در این پژوهش، عدم پذیرش فرد از سوی خانواده و جامعه سبب سوق پیدا کردن فرد به سمت گروه‌های مجرم و خلافکار و بالطبع ارتکاب جرم می‌شود. زیرا با طرد شدن توسط این دونهاده مهم، فرد برای اینکه بتواند رنج این تنهایی و عدم پذیرش را جبران کند خود را ناچار به ملحق شدن به آنهایی که مانند خودش هستند می‌بیند. با این وصف اگر خانواده و جامعه تحت آموزش قرار بگیرند و به آنان یاد آور شوند که چگونگی برخورد آنان با زندانیان چه نقش مهمی در پیشگیری از جرم و بازگشت مجدد مجرم به زندان داشته و با پذیرش زندانی با توجه به اینکه هیچکس از اشتباه و خطا مصون نیست، می‌توانند سهم مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشند.

یکی دیگر از عوامل تکرار جرم که توسط پاسخ دهندگان به سوالات پرسشنامه مطرح شده معاشرت با افراد سابقه دار و حرفه ایی در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان بود. آنان به این امر اذعان داشتند که صمیمیت با این افراد و ارتباطات مکرر با این گروه سبب از بین رفتن قبح جرم و مجازات و ادی شدن و علاقمند شدن به تکرار جرم می‌شود. ضمن اینکه در پی عمیق شدن ارتباطات، راهنمایی‌های که از این مجرمان حرفه ایی در یافت می‌کنند سبب حرفه ایی تر شدن آنان و در صد گرفتار شدنشان توسط قانون پایین تر می‌آید.

با توجه به آنچه بیان شد

فرضیه اول: عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم موثر است.

میانگین ۴/۲۵ و با ضریب اطمینان ۹۵٪ تأثیر بیکاری بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان بیش از حد متوسط است ($p < 0/05$) که این از معنادار بودن رابطه موجود بین عدم اشتغال و بیکاری و تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان حکایت دارد به عبارتی هرچه بیکاری و

عدم اشتغال بیشتر باشد، فرد بیشتر به سوی ارتکاب مجدد جرم گرایش خواهد داشت.

بخشی از از نتایج این پژوهش که به موضوع تاثیر بیکاری و عدم اشتغال فرد در تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می پردازد با برخی نتایج، نظری (۱۳۹۳)، یعقوبی و علمی (۱۳۹۶) همسویی دارد.

فرضیه دوم : عدم جامعه پذیری (باز اجتماعی شدن) فرد موجب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می شود. (به اثبات می رسد)

یافته های مربوط به فرضیه پنجم پژوهش نشان دهنده این واقعیت است تاثیر عدم پذیرش اجتماع بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان با میانگین $4/05$ و با ضریب اطمینان 95% بیش از حد متوسط است ($p < 0/05$) که این خود بیانگر وجود رابطه معنادار میان عدم پذیرش اجتماعی و طرد فرد و گرایش وی به تکرار جرم می باشد.

نتیجه این قسمت از پژوهش با قسمتی از نتایج عسگری جزی (۱۳۹۵) و نظری (۱۳۹۳) همسویی دارد.

فرضیه سوم: تعاملات و ارتباطات با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم تاثیری دارد.

براساس نتایج حاصله میانگین $4/03$ با اطمینان 95% نشان دهنده تاثیر بیش از حد متوسط ($p < 0/05$) است که به معنای وجود رابطه معنادار میان معاشرت با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان و ارتکاب مجدد جرم است.

نتیجه این قسمت از پژوهش نیز با قسمتی از نتایج قلخان بازو همکاران (۱۳۹۱) و نظری (۱۳۹۳) همسویی دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده، تمامی فرضیات این پژوهش به اثبات رسید.

پیشنهادهای

(۱) از آنجا که محیط زندان می‌تواند نقش زیادی در افزایش بزهکاری به جهت معاشرت با مجرمین سابقه دار داشته باشد، طبقه بندی وجداسازی زندانیان براساس، ایجاد مراکز درمانی و بازتوانی اجتماعی رایگان جهت زندانیان و خانواده هایشان، می‌تواند در اصلاح مجرم و پیشگیری از تکرار جرم موثر باشد.

(۲) با توجه به این که جامعه به راحتی حاضر به پذیرش و اطمینان به فردی که سابقه محکومیت دارد نیست و همین امر باعث بیکاری و به دنبال آن مشکلات معیشتی برای فرد و خانواده اومی شود، لذا با ایجاد مراکزی برای اشتغال مخصوص زندانیان از بند رسته، می‌توان مانع از گرایش آنان به سمت تکرار جرم شد.

(۳) آموزش خانواده‌های زندانیان برای پذیرش این افراد و جلوگیری از طرد شدن آنان

فهرست منابع

۱. احمدی ح. ۱۳۸۴. جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت، چ اول.
۲. بابایی م. ۱۳۹۰. بزهکاران پیشینه دار، فصلنامه تحقیقات حقوقی، مقاله ۴، دوره ۱۴، شماره ۱۴۵.
۳. بولک ب. ۱۳۸۵. کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴. راهب، غ. ۱۳۸۶. اثرات منفی روانی اجتماعی زندان و زندانی شدن بر زندانیان، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: انتشارات راه تربیت
۵. راغب اصفهانی ح. ۱۴۰۴ هـ. ق. مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، چاپ اول
۶. ستوده ه. ۱۳۸۶. جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات ندای آریانا
۷. سکاران ا. ۱۳۸۵. روش های تحقیق در علوم اجتماعی: روش های کمی: آمار پیشرفته، جلد سوم، تهران، نشر دیدار،
۸. شیخوندی د. ۱۳۷۹. آسیب شناسی جامعه و جامعه شناسی انحراف، تهران، نشر و پخش، چاپ دوم
۹. صدیق سروستانی ر، ۱۳۸۳. آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آن، چاپ اول
۱۰. عرفانی م؛ داورنیا ر، بخشی زاده ح. ۱۳۹۰. تاثیر زندان بر تکرار جرم (مطالعه موردی زندان مرکزی اردبیل)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱
۱۱. قلخانباز ا، خزایی، س، افشاری، م، سهیلی زاد، مختار؛ فرازی ر. ۱۳۹۱. عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان، مجله علمی پزشکی قانونی/ دوره ۱۹، شماره ۴ و ۱
۱۲. کفاشی م، اسلامی ع. ۱۳۸۸. بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی، مجله: پژوهش اجتماعی، شماره ۴
۱۳. کوورا ن. ۱۹۸۸. قواعد شورای اروپا راجع به زندان ها، نشریه علوم جنایی و حقوق

- کیفری. و کیفر، ترجمه محمد رضا دادمرزی، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۱۴. گیدنز آ. ۱۳۷۴. جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی
۱۵. گروثرز چ. ۱۳۸۸. جامعه‌شناسی مرتون، ترجمه: زهره کسایی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
۱۶. نقیبی ه. ۱۳۹۳. عوامل مرتبط با تکرار جرم و ورود به زندان، روزنامه پیام استان سمنان
۱۷. نجفی ابرند آبادی ع. ۱۳۸۵. آسیب شناسی آموزش و پژوهش جرم شناسی در ایران، مجله: الهیات و حقوق .
۱۸. ولد ج ؛ برنارد ت ؛ اسنیپس ج. ۱۳۸۸. جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، چاپ سوم
۱۹. یعقوبی م، علمی م. ۱۳۹۶. نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان، مطالعات جامعه شناسی، سال نهم، شماره سی و پنجم.
۲۰. Pinatel, gean(۱۹۷۰): criminologie, paris
۲۱. Hirschi.T, ۱۹۶۹, cause of delinquency. berkeley. university OF
۲۲. California press
۲۳. Lemert, Edvin (۱۹۵۱), Social Pathology, New York, Mc Graw-Hill
۲۴. Becker, Howard (۱۹۶۳), outsiders: studies in the sociology Deviance, New York: free/press

نمونه خام پرسشنامه

این سوالات به منظور کاهش عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان تهیه و تنظیم شده است. لذا پاسخهای صادقانه شما می تواند کمک بزرگی باشد برای اصلاح وضعیت زندانی و زندان ها.

از همکاری شما صمیمانه سپاسگزاریم.

(۱) سن

۱۸ - ۲۵ ۲۵ - ۳۵ ۴۵ - ۳۵ سال ۵۵ - ۴۵ سال

(۲) میزان تحصیلات

بیسواد ابتدایی راهنمایی دیپلم
فوق دیپلم لیسانس به بالا

(۳) تعداد خواهر و برادر

۱ تا ۳ ۳ تا ۵ بیشتر از ۵ تا

(۴) وضعیت تاهل

مجرد متاهل طلاق گرفته بیوه

(۵) وضعیت منزل مسکونی

استیجاری	استیجاری و رهنی	رهنی کامل	شخصی
----------	-----------------	-----------	------

(۶) شغل

بیکار	کارگر	آزاد	کارمند	بازنشسته
-------	-------	------	--------	----------

(۷) میزان در آمد

زیر ۳۰۰ هزار تومان	۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان
۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان	بالای ۸۰۰ هزار تومان

(۸) سابقه محکومیت

دارم	ندارم
------	-------

(۹) نوع جرم فعلی

مواد مخدر	کلاهبرداری	ضرب و جرح	سرقت	مالی.
-----------	------------	-----------	------	-------

(۱۰) مدت محکومیت فعلی

کمتر از ۲ سال	۲ تا ۵ سال	بیشتر از ۵ سال	بی پاسخ
---------------	------------	----------------	---------

(۱۱) مدت محکومیت اولین جرم

کمتر از ۲ سال	۲ تا ۵ سال	بیشتر از ۵ سال	بی پاسخ
---------------	------------	----------------	---------

۱۲) میزان تحصیلات والدین (پدر)

بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	بالای دیپلم
--------	---------	----------	-------	-------------

۱۳) میزان تحصیلات والدین (مادر)

بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	بالای دیپلم
--------	---------	----------	-------	-------------

۱۴) سابقه مصرف مواد مخدر

دارم	ندارم
------	-------

۱۵) سن اولین ارتکاب جرم

۱۸ تا ۲۵ سال	۲۵ تا ۳۰ سال	۳۰ تا ۳۵ سال	بالا تر
--------------	--------------	--------------	---------

۱۶) نوع جرم اول

سرقت	مواد مخدر	ضرب و جرح	کلاهبرداری	بی پاسخ	چک
------	-----------	-----------	------------	---------	----

۱۷) محل سکونت

روستا	حاشیه شهر	شهر
-------	-----------	-----

۱۸) سابقه طلاق در زندگی

دارم	ندارم
------	-------

۱۹) وضعیت ملاقاتی

ملاقاتی ندارم	کم	همیشه ملاقاتی دارم
---------------	----	--------------------

۲۰) عدم پذیرش خانواده می‌تواند یکی از عوامل تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان باشد

موافقم	کاملاً موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
--------	---------------	---------	--------	---------------

۲۱) عدم پذیرش اجتماع می‌تواند یکی از عوامل تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان باشد

موافقم	کاملاً موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
--------	---------------	---------	--------	---------------

۲۲) مشکلات اقتصادی در تکرار جرم پس از آزادی از زندان موثر است.

موافقم	کاملاً موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
--------	---------------	---------	--------	---------------

۲۳) مشکل بیکاری در تکرار جرم پس از آزادی از زندان موثر است

موافقم	کاملاً موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
--------	---------------	---------	--------	---------------

۲۴) میزان تحصیلات در تکرار جرم پس از آزادی از زندان تاثیر دارد

موافقم	کاملاً موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
--------	---------------	---------	--------	---------------

۲۵) محیط زندان یکی از عوامل موثر در ارتکاب مجدد جرم است

موافقم	کاملاً موافقم	بی‌نظرم	مخالفم	کاملاً مخالفم
--------	---------------	---------	--------	---------------

۲۶) زنان در مقایسه با مردان بیشتر در خطر ارتکاب مجدد جرم و باز گشت به زندان هستند

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۷) پایین بودن سن در تکرار جرم پس از آزادی از زندان موثر است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۸) معاشرت با افراد سابقه دار در محیط زندان در ارتکاب مجدد جرم موثر است.

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۹) یکی از عوامل ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان مصرف مواد مخدر و اعتیاد است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۳۰) میزان کنترل و نظارت خانواده در پیشگیری از تکرار جرم موثر است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۳۱) معاشرت با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان در ارتکاب مجدد جرم موثر است.

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

تحلیل جرم شناسی پدیده بیوتروریسم^۱

امین امیریان فارسانی* علی ناظم** مریم السادات جلیلی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰	شماره صفحه: ۸۵-۱۱۱
-------------------	-------------------------	-------------------------	--------------------

پژوهش حاضر با نگاه جرم شناسانه با بهره‌گیری از علم ژنتیک سعی در شناخت بیوتروریسم و راه‌های پیشگیری از آن را واکاوی می‌نماید. امروزه جوامع در برخورد با جنگ خاموش بیوتروریسم که عوامل ژنتیکی برای آنان ناشناخته است و نحوه برخورد با آن دیر شناخته می‌شود؛ از این رو تشخیص و کیفردهی بزهکار به سهولت امکان ندارد. در بررسی قوانین موجود، در قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ماده ۶۸۷ و ۶۸۸ - آنچه مدنظر قانون‌گذار است، قابل استناد در حوزه شناخت جرم بیوتروریسم نیست. از سوی دیگر، دشواری مقابله با این عوامل بیولوژیک نیز باید مدنظر قرار گیرد. اگر در آینده‌های موشکی، سپر پدافند موشکی برای رویارویی با انواع موشک بسنده می‌کند، در بیوتروریسم یا آینده‌ها تروریسمی هر نوع ویژه‌ای از ویروس یا باکتری مقابله خاص می‌طلبد. در میان شقوق مختلف تروریسم، حملات بیوتروریسمی بیش از سایر حملات خطرناک بوده و بر امنیت خدشه وارد می‌آورند. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه در بیوتروریسم هزینه بهره از این عوامل دو هزار بار کمتر از جنگ‌افزارهای معمول است. همچنین تولید این مواد نیاز به فناوری خاصی نداشته و در یک آزمایشگاه نیز قابل تولید است. لذا نگارش پیش رو با نگاهی همسوگرایانه برای سیر به اهمیت تدوین قانونی مؤثر و مبتین در باب موضوع صدر الارشاه لازم دیده شد و با

۱. مقاله مستخرجی از پایان نامه (تحلیل جرم شناختی پدیده بیوتروریسم)

* استاد یار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

** دانشجوی ارشد حقوق جزا

*** استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین جایگاه جرم‌شناسی بیوتروریسم پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بیوتروریسم، جرم‌شناختی، پیشگیری، علت‌شناسی، نظریات

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

گفتار اول - بررسی مفاهیم بیوتروریسم و مفاهیم مرتبط

واژه‌شناسی مقوله بیوتروریسم تروریسم زیستی، به جهت آنکه ضروری است موضوعی که در خصوص آن مطالعه صورت می‌گیرد مورد شناسایی قرار گرفتن و تبیین شود، مهم می‌نماید؛ زیرا مادامی که تعریف و مفاهیم این پدیده آشکار نگردیده، پرداختن به آن در راستای جرم‌انگاری دور از ذهن می‌نماید. برای شناخت رویکردهای هر داده پژوهشی، لاجرم از رهگذر واژگان مربوطه و مصادیق شمولی آن باید عبور کرد تا به عمق موضوع پی برد.

۱- بیوتروریسم^۱:

«ترور» در کلمه به معنی «ترساندن» است و در فرهنگ سیاسی جهان عبارت است از هرگونه اقدام خصمانه و مخفیانه علیه فرد یا افرادی در حوزه‌ای محدود یا گسترده، با اهداف اقتصادی کشاورزی صنعتی، با هدف ایجاد ارباب یا باج‌خواهی، در زبان فارسی هم ترور به معنای ترس زیاد، بیم و هراس و خوف و وحشت است و تروریست به عامل ترور، طرفدار ترور، آدمکش یا کسی که برای رسیدن به هدف خود کسی را به‌طور غافلگیرانه بکشد یا ایجاد وحشت و هراس کند، گفته می‌شود. باتوجه به اینکه بیوتروریسم عبارت است از ایجاد ترس و وحشت، با بهره‌گیری از عوامل زیست‌شناختی مختلف که ابزار آن جنگ‌افزار بیولوژیکی؛ عبارت است از وسیله‌ای که به‌منظور انتشار عمدی ارگانیسم‌های مولد بیماری یا فرآورده‌های آن‌ها توسط غذا، آب، حشرات ناقل یا به‌صورت افشانه آئروسل، به‌کاربرده می‌شود.

الف - معیار ذهنی بیوتروریسم

در تعریف بیوتروریسم از منظر معیار ذهنی، همچون خود تروریسم تاکید بر رکن روانی پدیده

یا همان قصد و انگیزه مرتکب یا مرتکبین است. اگر بر نخستین باشد، انگیزه‌های آزادی‌خواهانه، مذهبی، ملی و... می‌تواند باعث ارائه تعاریف متفاوت شود و در صورتی که بر قصد تمرکز شود، به خواست مستقیم فرد توجه می‌شود؛ مانند اعمال وحشت یا براندازی یا مطالبات خاص سیاسی و اجتماعی.

ب- معیار عینی بیوتروریسم

باین‌حال، هرچند بعید به نظر می‌رسد در برخی موارد حتی با وجود دو عامل «اندیشه‌ای و عینی» در ارتکاب بیوتروریسم، دست یافتن به تعریفی متقن از این پدیده امکان‌پذیر باشد، ولی می‌توان گفت سه عنصر اصلی استفاده از عوامل بیولوژیک، قصد ارباب و ترس و صدمه به انسان، حیوان و محیط‌زیست می‌تواند سه محوری باشد که در تشخیص بروز بزه بیوتروریسم باید مدنظر قرار گیرد.

۲- تروریسم

واژه تروریسم از زبان فرانسوی گرفته‌شده و به زبان فارسی راه پیدا کرده است واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم می‌باشد». مؤلف دانشنامه سیاسی نیز می‌نویسد: «ترور در لغت فرانسه به معنای هراس و افکنی و در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آن‌ها به کار می‌برند ترور، می‌گویند و واژه ترور از ریشه لاتین ترس به معنای ترساندن و ترس و وحشت است. واژه تروریسم از زبان فرانسوی گرفته‌شده و به زبان فارسی راه پیدا کرده است واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم می‌باشد. (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸)

۳- بررسی اجزای تروریسم و بیوتروریسم

با توجه به تعاریفی که از تروریسم و بیوتروریسم ارائه شد. اجزای مفهومی این دو واژه را می‌توان به شرح زیر ترسیم کرد؛

الف- خشونت: عمومی‌ترین ویژگی تروریست خشونت یا تهدید به واسطه خشونت است. باین‌وجود این واژه نمی‌تواند مفهومی اختصاصی از خشونت تروریستی ارائه داد چراکه بسیاری

دیگر از اقدامات از قبیل شورش، جنایات سازمان‌دهی شده و جنگ را که نمی‌توان آن‌ها را تروریسم نامید در برگیرد (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸)؛ اما نکته‌ای که حائز اهمیت است آن است که عکس این مطلب نیز در رابطه با بیوتروریسم صادق است، یعنی می‌توان گفت بیوتروریسم برخلاف اعمال تروریستی به‌عنوان یک سلاح خاموش، غالباً با خشونت همراه نیست و با انتشار عمدی عامل بیوتروریسم و به‌دوراز هرگونه خشونت اتفاق می‌افتد؛ و همین ویژگی در دنیایی که خشونت آشکار به‌صراحت منع شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی کشورها را فراهم می‌کند کمک‌کننده در راه اهداف شوم سیاسی و اقتصادی تروریست‌ها خواهد بود.

ب- قربانی: انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی‌ها و معیارهای اقدامات تروریستی است در این خصوص برخی از گروه‌های تروریستی نظیر «ایرا» یا ارتش جمهوری‌خواه ایرلند^۱ قبل از حملات به مردم هشدار می‌دهند تا از شمار قربانیان کاسته شود و برخی دیگر «القاعده»، «داعش» و به دنبال بیشترین قربانی می‌باشند. این ویژگی در تروریسم و بیوتروریسم مشترک است اما بیوتروریسم غالباً شهروندان بی‌دفاع و غیرنظامیان را نشانه می‌رود و یا انتشار عامل حمله، اسباب کشته‌شدن همگان را فراهم می‌آورد و عموماً جلوگیری از ورود عامل حمله به سبب ناشناخته بودن و عدم تشخیص سریع آن اجتناب‌ناپذیر است.

ج- هدف: هدف تروریسم و در رأس آن بیوتروریسم ایجاد وحشت و ترس در قربانی است که این قربانی می‌تواند کل اعضای جامعه یا گروهی از اعضای جامعه و یا حتی دولتمردان و رهبران جوامع باشد؛ و این نوع اقدامات به دنبال ایجاد شوک روانی در جامعه طراحی می‌شوند.

د- قانونمندی: غیرقانونی و غیرمشروع بودن از ویژگی‌های بارز تروریسم و بیوتروریسم است. به‌عنوان نمونه پروتکل شماره ۳ الحاقی به عهدنامه ۱۹۸۱ ژنو در مورد سلاح‌های متعارف، ممنوعیت استفاده از مهمات یا سلاح‌های آتش‌زا از جمله سلاح‌هایی که در هوا مشتعل می‌شوند مقرر می‌کند، ضمن اینکه حمله به جنگل‌ها و سایر پوشش‌های غیر گیاهی سرزمین دشمن با استفاده از سلاح‌های آتش‌زا ممنوع است مگر آنکه ضرورت نظامی وجود داشته باشد و یا از آن اماکن به‌عنوان محل‌های استتار دشمن استفاده گردد (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸) و همین‌طور در دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی و پروتکل‌های الحاقی به‌صراحت آلوده کردن آب آشامیدنی و

1. Irish Republican Army; IRA(1913-1921)

کارگاه‌های آب‌رسانی و مراکز عرضه‌کننده مواد غذایی و... را به‌صراحت منع کرده و نقض آن‌ها را خلاف قوانین و مقررات تلقی کرده است.

ل- قبول مسئولیت: و به نظر بنده همین ویژگی است که به‌طور دقیق و مشخص، بیوتروریسم را از تروریسم متمایز می‌کند و به آن وصف جداگانه‌ای می‌دهد. در حملات تروریستی معمولاً پس از یک اقدام، بیانیه‌ای از جانب گروه تروریستی مبنی بر قبول مسئولیت حمله مواضع عقیدتی، سیاسی و یا ملی تروریست‌ها صادر می‌شود حال آنکه عمدتاً در بیوتروریسم به ادعان بسیاری از دانشمندان و خبرگان آن هیچ قبول مسئولیتی به جهت اینکه عموماً فاعل مجهول است صورت نمی‌گیرد و چه‌بسا بعد از مدت‌ها و طی تحقیقات فراوان متوجه این نوع حملات بیوتروریستی شوند

ی- عامل اقدام تروریستی: بسیاری از تعاریف تروریسم اقدامات حکومت‌های قانونی را به‌عنوان اقدام تروریستی در نظر نمی‌گیرد. مگر آنکه کار آن‌ها پنهانی و در زمانی غیر از جنگ انجام شود. اقدامات جنگی اصولاً در حوزه تروریسم قرار نمی‌گیرد.

۴- تاریخچه بیوتروریسم

افکار و اعمال بیوتروریستی همواره در اقوام مهاجم، افراد افزون‌طلب و رقبای سیاسی - اقتصادی از یک‌طرف و افکار مدافعه‌گرانه یا تلافی‌جویانه در افراد، ارتش‌ها و دولت‌ها و شخصیت‌های مورد تهدید، از طرف دیگر، از هزاران سال قبل وجود داشته و گاهی ظاهراً افسانه‌گونه و باورناکردنی به خود گرفته است؛ بنابراین استفاده کردن از مواد تولیدشده توسط جانوران، گیاهان، باکتری‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌ها علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی سابقه‌ای بسیار قدیمی و هزاران‌ساله دارد استفاده از سموم جانوری یا گیاهی برای سمی کردن سر تیرهای جنگی استفاده از لاشه حیوانات مرده از طاعون برای شکستن مقاومت داخل قلعه‌ها، مسموم سازی فضای داخلی مقابر فرعون‌ها با هوای قارچی کشنده و آلوده کردن منابع آبی شهرها از طریق ویروس‌های خطرناک از نمونه‌های باستانی سلاح‌های نامتعارف بیولوژیک هست، در جهان متمدن نیز این رویه ادامه دارد و البته پیچیده‌تر نیز شده است و آن‌گونه که ساخت و به‌کارگیری این سلاح‌ها طی کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌شدت ممنوع شد.

۱-۴-ایران

ترور، تهدید و اربابی است که به حذف فیزیکی فرد منجر شود و این نوع ترور با تسلیحات جنگی نظیر بمب و مانند آن اتفاق می‌افتد؛ اما در کنار آن، به دلیل اینکه استفاده از سلاح در کشورها، روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود، به همین جهت بعضاً جای خود را به سلاح‌های بیولوژیکی داده‌اند؛ از اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در این زمینه‌ی بخصوص در ایران اتفاق افتاده است: شهر سپیدان استان «فارس» است که به دلیل برخی سهل‌انگاری‌ها، به خاطر آلوده شدن منابع آب شهر، حدود ۲۰۰۰ نفر به بیماری‌های گوارشی و اسهال و استفراغ مبتلا شده‌اند یا امروزه در شرق کشور، معضلی به نام دام‌های آلوده و سرگردان وجود دارد که سبب آلوده شدن دام‌ها می‌شود که این دام‌های آلوده به ویروس‌های خطرناک در مرزهای کشور ایران رها و وارد گله‌ها می‌شوند فراهانی و میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۸۲؛ نوع دیگری از بیوتروریسم، بیوتروریسم کشاورزی اگروتروریسم است که در این نوع بیوتروریسم هدف، به خطر انداختن امنیت غذایی کشور است و شامل سلامت انسان، گیاهان، مزارع، احشام و طیور و ... می‌باشد؛ که درواقع شامل استفاده از بیماری‌های حیوانی و گیاهی به‌منظور ایجاد آسیب و تخریب وسیع در بخش کشاورزی است که آسیب اقتصادی، خطرات انسانی و حتی ایجاد هراس در انسان‌ها را به دنبال دارد.

گفتار دوم- جلوه‌ها و ویژگی‌های جرایم بیوتروریستی

تقسیم‌بندی جلوه‌های بیوتروریسم بر اساس موضوع، یکی از وسیع‌ترین تقسیم‌بندی می‌باشد، که بیشتر تابع اقدامات برآمده از خشونت خشونت حاصل در بیوتروریسم می‌تواند با رویکردهای بیولوژیک، زیستی و... با ماهیت تروریستی در چارچوب‌های مشخص بوده است که بر اساس مرور زمان و تکرار و ابتکارات سیاسی در شرایط بخصوص چنین تقسیم‌بندی شده است.

۱-جلوه‌های بیوتروریسم

الف-بیوتروریسم (مکانیسم عملی یا عملیاتی)

هرچند بیوتروریسم یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدیدکننده کنترل عفونت به‌حساب می‌آید و طی دهه آخر قرن بیستم واژه‌های مرتبط با آن نظیر حمله بیولوژیک، جنگ‌افزار بیولوژیک، دفاع بیولوژیک و آموزش دفاع بیولوژیک برای اولین بار به فرهنگ واژه‌های

پزشکی و بهداشت افزوده شد، ولی واقعیت این است که این پدیده مفهومی جدید و محصول سال‌های اخیر نبوده، بلکه از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته و همواره به‌عنوان روشی منفور و ناجوانمردانه ولی کارآمد به کار می‌رفته که امروزه با پیشرفت فناوری و مهندسی ژنتیک ابعاد تازه‌تری پیدا کرده است.

ب- تغییر در ژنتیک انسانی

اجداد انسان‌های امروزی موجودی بنام هموساپینس^۱ بوده است که دارای آناتومی مدرن و پیشرفته بوده و در حدود ۲۰۰ هزار سال پیش می‌زیسته است. لذا تکامل انسان‌ها از آن زمان آغاز شده و نسل‌های انسانی حاصل در شرایط زیستی مختلف دچار تغییرات ژنتیکی شده و تنوع حاصل کرده‌اند؛ بنابراین ملیت‌ها، نژادها و جمعیت‌های مختلف از نظر ژنتیکی یکسان نبوده و تفاوت‌های زیادی باهم دارند حتی گروه‌های موجود در یک جمعیت نیز کاملاً همگن نیستند و ممکن است دارای اختلافات ژنی باشند. از سوی دیگر در سال‌های اخیر نیز شاهد نسل‌کشی و نژادکشی‌های زیادی در دنیا بوده‌ایم که از آن جمله می‌توان به کشتار کردهای عراقی، توتری‌های رواندا، مردم تیمور شرقی، مسلمانان بوسنی و هرزگوین و مسلمانان مظلوم فلسطین اشاره نمود که در آینده می‌توانند مورد تهدید سلاح‌های ژنتیکی واقع شوند. پس از ترسیم این نقشه می‌توان تفاوت‌های موجود در کدهای ژنوم ملل مختلف را شناسایی نمود و در جهت ایجاد اختلال در فرایندهای ژنتیکی آن، کدهای ویژه‌ای را به داخل ژنوم آن‌ها تزریق کرده و یا اینکه از بیماری‌های ژنتیکی موجود در آن جمعیت سود جسته و در جهت ازدیاد ژنتیکی آن بیماری برآیند.

یک- نقشه ژنوم انسان^۲

طراحی نقشه ژنوم انسان از سال ۱۹۹۰ رسماً آغاز شده و در حدود ۹۰ درصد از این نقشه تکمیل شده است و در سال ۲۰۰۵ به‌طور کامل شناسایی و تکمیل گردید و پس از سال‌ها مطالعه به این سؤال که چرا بعضی از بیماری‌ها فقط در برخی از نژادهای انسانی مشاهده می‌شود. فرکانس ژن SS و Ss در این جمعیت اختلافات معنی‌دار با جمعیت‌های سایر نقاط دنیا دارد که

1. Homo Sapiens

2. HGP

آن را می‌توان نوعی سازش برای مقابله با بیماری مالاریا توصیف کرد؛ زیرا که انگل‌های مالاریا پلاسمودیوم‌ها در داخل گلبول‌های قرمز داسی شکل قادر به تکثیر نیستند و لذا مرگ در افراد طبیعی دارای ژن SS منطقه بیشتر اتفاق افتاده و افراد مبتلا به کم‌خونی داسی شکل بیشتر زنده مانده‌اند و تکثیر و ازدیاد نسل از آن‌ها صورت گرفته است.

دو- ساخت سلاح‌های ژنتیکی

گزارش معتبری در زمینه ساخت این نوع سلاح‌ها ارائه نشده بود ولی از سال ۱۹۹۰م. به بعد دانشمندان علم ژنتیک نوشته‌های زیادی در این زمینه به ثبت رسانده‌اند که اکثر آن‌ها به صورت سری و مخفی باقی‌مانده است و در مجموع به این موضوع اشاره دارند که با کشف کدهای ژنتیکی نژادها و ملت‌های مختلف مثل سیاه، سفید، شرقی، یهودی، فنلاندی، سوئدی و ... می‌توانیم رمزهای وراثتی که باعث مرگ و میر و یا آسیب یک گروه خاص شوند را شناسایی نماییم به این ترتیب اهمیت علوم بیوتکنولوژی و ژنتیک در امور جنگی و نظامی بیش از پیش آشکار خواهد شد. سلاح‌های ژنتیکی تحت عنوان ژنو ساید نامیده می‌شوند و ممکن است برای اهداف زیر ساخته شوند:

۱- سلاح‌های ژنتیکی که باعث آسیب جسمانی و یا معلولیت ذهنی همه و یا تعدادی از افراد یک گروه می‌گردد.

۲- سلاح‌های ژنتیکی که همه و یا تعدادی از افراد یک گروه را از بین می‌برد.

سه- انواع سلاح‌های ژنتیکی

اگرچه بیوتکنولوژی مدرن و مهندسی ژنتیک انقلاب عظیمی در علم پزشکی و صنعت کشاورزی به وجود آورده است ولی این امکان نیز وجود دارد که از پیشرفت‌های این علوم در جهت سوء و نابودی بشر نیز استفاده گردد.

۲- ویژگی‌های جرائم بیوتروریسم

چون اعضای گروه‌های تروریستی سعی می‌نمایند با انتشار افکار خویش در بین افراد مستعد جذب نیرو نمایند و چنانچه در محل مشخصی باشند احتمال دستگیری ایشان را زیاد می‌کنند سعی می‌کنند به‌طور پراکنده وارد عمل گردند این امر مقابله با آن‌ها را دشوارتر می‌نماید، شدت

و وخامت پیامدهای تروریستی بسیار زیاد می‌شود مثلاً در صورتی که مواد رادیواکتیو منتشر کنند تبعات آن در مدت‌زمان بسیار زیادی جامعه را با مشکلات عدیده مواجهه می‌نمایند و به راحتی امکان جبران خسارات عدیده وجود ندارد و چون این بزه به صورت گروهی ارتکاب می‌یابد به تبع مغز متفکر آن سعی می‌کند خود را مخفی و جریانات را هدایت نماید تا چنانچه عضوی از گروه از بین رفت اعضای دیگر به مثابه سایر سلول‌ها خلع حاصله را جبران نمایند.

الف- تهدید جدی امنیت

تروریست‌ها از طریق تهدید جدی امنیت سعی در ناامن نشان دادن جامعه و تحت فشار گذاشتن حکومت دارند از این رو یکی از ویژگی‌های مهم در شناخت بیوتروریسم تهدید جدی امنیت است. به موجب این ویژگی مهم می‌توان بیوتروریسم را شکل شدید خشونت سازمان‌دهی شده و نظام‌مند دانست که هدف از آن تولید هرج و مرج و وحشت در میان مردم می‌دانند.

ب- گستردگی و وسعت

بزه‌های معمولی معمولاً هدف، ایراد صدمه به شخص خاصی یا دستیابی و ایراد خسارت نسبت به اموال مورد نظر می‌باشد اما در جرائم تروریستی ممکن است تروریست‌ها هدف خاصی نداشته باشند و سعی کنند از اقدام به اعمال تروریستی به تصور خویش بیشترین ضربه را به حریف وارد نمایند مانند انتشار عوامل مرگ‌آور همانند گازهای سمی یا عوامل میکروبی که منجر به ایراد صدمه به اشخاص به طور اتفاقی می‌نمایند مثلاً انتشار میکروب سیاه‌زخم و گازهای سمی که قبلاً بدان‌ها اشاره گردید منجر به از بین رفتن انسان‌های زیادی گردید.

ج- شدت وخامت پیامدهای بیوتروریستی

دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی امکان به کار بردن اصطلاح «شدت وخامت پیامدهای تروریستی» را مشخص می‌سازد وجه تسمیه استفاده از وصف «شدت وخامت پیامدهای تروریستی» در این واقعیت نهفته است که استفاده از سلاح‌های جمعی یعنی سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و یا بیولوژیک می‌تواند موجب خسارات و تلفات انسانی بسیار فجیع و گسترده‌ای شود، شدت وخامت پیامدهای تروریستی با استفاده از سلاح‌های شیمیایی فاجعه‌بار دارای دو جنبه اصلی است:

جنبه اول، جهانی شدن است...

جنبه دوم، توان تروریست‌ها برای استفاده و به‌کارگیری این نوع تسلیحات است...

د- سازمان‌یافتگی تروریسم

بدون تقسیم وظایف ادامه هر نوع فعالیتی غیرممکن خواهد بود. زیرا جهت اقدام به هر عمل تروریستی باید اطلاعات در خصوص تشخیص وضعیت زندگی، محل اشتغال و ... فرد مشروط الیه به دست آید، وسیله و امکانات اقدام به اعمال تروریستی از جمله اسلحه، نقشه، وسیله نقلیه و ... جهت آن به دست آورد تا عملیات با موفقیت انجام گیرد.

گفتار سوم- مصادیق بیوتروریسمی

در این گفتار با بررسی برخی مصادیق بیوتروریسم؛ تهدید زیستی، اگروتوریسم و نسل جدید عوامل بیولوژیک با هدف شناخت ملموسانه از بیوتروریسم، ایراد بحث می‌گردد.

۱- تهدید زیستی

امنیت زیستی به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه برای کاهش خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم محسوب می‌شود. تهدیدات امنیت زیستی به این معنی است که خطرات در مقیاس کوچک به‌سرعت بالا می‌رود بنابراین برای آنکه یک سیاست مؤثر قابلیت اجرایی داشته باشد باید با پشتوانه‌های قانونی موجود بتوان آن را اجرا کرد وگرنه تبدیل به یک چالش می‌شود زیرا در هر جامعه‌ای با محدودیت‌هایی در زمان و منابع برای کاهش تهدیدها و وقوع آن‌ها مواجه هستیم و باید مجموعه‌ای از تدابیر اتخاذ شود که خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم کاهش یابد. در موارد بررسی ذیل با تغلیب حملات بیولوژیکی به تبیین تهدید زیستی پرداخته می‌شود.

الف- حملات بیولوژیکی

از آنجاییکه سلاح‌های شیمیایی گزینه چندان مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی نیستند؛ مشکلات حمل، نگهداری و به‌کارگیری، نیمه‌عمر کوتاه، خطر نشت، تاثیر محدود و قابلیت ردیابی عامل ترور کننده باعث شده چندان مورد اقبال نباشد؛ اگرچه در میدان جنگ گزینه موفقی

نشان داده است ولی از آنجاکه از سال ۱۹۳۵ م. کنوانسیون ممنوعیت به‌کارگیری آن‌ها در ژنو به امضای اکثر کشورهای جهان رسیده کشورهای متخاصم با احتیاط زیادی اقدام به به‌کارگیری آن می‌کنند که البته آن نیز به اشاره ابرقدرت‌ها خواهد بود ولی بازهم از سوی افکار عمومی جهان تحت فشار شدید قرار خواهد گرفت. از این‌رو سلاح‌های میکروبی، چه در عرصه جنگی و چه در عرصه تروریستی، وسیله‌ای بسیار مطلوب برای دشمنان شده است. توان تولید بالا، نگهداری راحت، قابلیت انتشار، قابلیت مصون‌سازی نیروی خودی، قابلیت تکثیر برای عوامل میکروبی زنده، دشواری بسیار در ردیابی فرد یا افراد متخاصم، گستردگی عملکرد از انسان تا دام و محصولات کشاورزی و بسیار محسنات دیگر، موجب شده تشکلهای تروریستی به این فن‌آوری جدید بشدت کشش یابند بدون آن‌که بتوان گناهی را متوجه آن‌ها نمود.

یک-عوامل حملات بیولوژیکی

معمولاً گروه‌ها و جنبش‌ها سیاسی و فرقه‌های مذهبی یا اشخاصی هستند که توانایی تولید و به‌کارگیری سلاح‌های بیولوژیک را دارند.

دو-انواع عوامل بیولوژیکی و تهدیدات زیستی

در این قسمت باید گفت که قبح استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در مقایسه با سلاح‌های شیمیایی در افکار عمومی بین‌المللی به حدی است که پس‌ازاینکه پروتکل ۱۹۲۵ م. ژنو که به آن اشاره شد منع استعمال این دو نوع سلاح را باهم موردتوجه قرارداد، معاهده ۱۹۷۲ م. ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت و به دست آوردن یا نگهداری سلاح‌های بیولوژیک را به‌طور مستقل تنظیم کرد و به تعهدات و الزامات درباره آن، دقت و ظرافتی ویژه داد. شاید بدتر از این‌ها آن باشد که پیشرفت‌های علمی سنوات اخیر، به‌رغم آثار مثبت فراوان، این امکان را فراهم کرده است تا دولت‌ها به عوامل بیولوژیک مهلک‌تری دست یابند که کنترل کردن آن‌ها نسبت به عوامل سابق خیلی کمتر و به عبارت دیگر غیرقابل کنترل‌تر است.

در ادامه با توجه به شکل ذیل به تفسیر عوامل بیولوژیکی که در نوع خود سلاح آلودگی می‌باشند، جهت شرح ارائه می‌گردد.

الف-سموم

سموم یا توکسینها عوامل بیولوژیکی هستند که توسط موجودات زنده باکتری‌ها، گیاهان و جانوران تولید می‌شوند.

۱-مقایسه سموم و عوامل شیمیایی جنگی

در شرح این قسمت می‌توان گفت؛ به‌عنوان مثال سمومی که به‌طور مستقیم غشاءها و تنظیم مایعات سلولی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، می‌توانند در داخل ریه‌ها انتقال گازها را به‌طور شدید تحت تاثیر قرار داده، ناتوانی در فرد ایجاد نمایند سموم که سمیت کمتری دارند، در فضاهای سربسته مانند ساختمان‌ها تهدید عمده‌ای به‌حساب می‌آیند، پخش این‌گونه سموم از طریق دستگاه‌های تهویه و حرارتی امکان‌پذیر است، پیشرفت مهاجمین درزمینه مؤثرتر کردن سامانه‌های پرتابی و بسته‌بندی کردن سموم، رابطه بین سمیت و مقدار سموم را تغییر می‌دهد، ولی حتی در بهترین شرایط، مقدار موردنیاز جهت سمی با سمیت معین، فقط به میزان نصف تقلیل می‌یابد.

۲-مکانیسم عملی سموم

اولین مرحله در توسعه اقدامات پزشکی در برابر سموم و مهم‌ترین فاکتور تاثیرگذار جهت حفاظت افراد نظامی و غیرنظامی، دانستن مکانیسم عمل سمومی است که به‌عنوان تهدید محسوب می‌گردند. (در اینجا با توجه به توضیحات تخصصی، لذا نیاز به مراجعه به اصل پژوهش اصلی می‌باشد).

ب-پریان یا پریون^۱

این پروتئین غیرطبیعی دارای توالی اسیدآمینوهای مشابه با پریون سلولی است؛ اما از لحاظ فیزیکی با دارا بودن صفحه‌های بتای فراوان، غیر محلول بودن در گندزداها، تمایل داشتن به تجمع و مقاومت نسبی در برابر پروتئولیز، با پروتئین طبیعی متفاوت است. بیماری‌های پریونی را که انسفالوپاتی اسفنجی شکل مسری می‌نامند شامل بیماری اسکراپی در گوسفندان و بیماری

جنون گاوی در گاوها. پریون یکی از پروتئین‌هایی است که به‌طور عادی در سلول‌های عصبی بیان می‌شود.

۱- بیماری‌های پریونی

گونه‌های زیادی از پستانداران به بیماری‌های پریونی مبتلا می‌شوند، به‌طوری‌که پروتئین پریون در تمام پستانداران خیلی به هم شبیه است. با این حال بیماری پریونی انسانی به‌وسیله پریونی که به‌طور معمول گاوها را آلوده می‌کند، ایجاد می‌شود.

پ- قارچ‌ها^{۱ و ۲}

قارچ‌ها تهدیدکننده‌های بیولوژیکی هستند که در همه‌ی محیط‌ها حضور دارند. محیط کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، بخش زیادی از نیازهای غذایی قارچ‌ها را تأمین می‌کنند. قارچ‌های مولد تنها تحت رطوبت بالا و دمای گرم می‌توانند دانه‌ها را آلوده‌کننده این سم بداندام‌هایی نظیر کلیه و کبد اثر می‌گذارد و با عبور از جفت اثرات ناقص‌الخلقه زایی موتوژن و سرکوب سیستم ایمنی را ایجاد کند.

ج- آنگل‌ها^۳

به موجودی گفته می‌شود که حداقل یک قسمت از دوره زندگی خود را بر روی یا داخل بدن موجود زنده دیگری زندگی کرده و از این زندگی فایده می‌برد یا تغذیه می‌کند. (ویکی‌پدیا)

چ- ویروس‌ها^۴

میلیون‌ها نوع از ویروس‌ها در میان جانداران و در زیستگاه‌ها و مکان‌های مختلف وجود دارد و

۱. در همین زمینه به دو مقاله تخصصی ر.ک:

الف- اکراتوکسین A تهدیدکننده سلامت غذا و روشهای سم‌زدایی آن جهت نیل به امنیت غذایی.

ب- تشخیص عوامل قارچی تهدیدکننده سلامت کتابداران و کاربران در کتابخانه‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

2. Fungus
3. Parasite
4. Virus

تاکنون بیش از ۶۰۰۰ گونه مختلف از ویروس‌ها به‌طور دقیق شناسایی و معرفی شده‌اند. انسان‌ها با جذب ویروس‌ها در ایام پیک مخاطرات انسانی مانند ویروس کرونا، فلج کردن انسان را تا مدت‌ها در دست اقدام دارند.

خ- باکتری‌ها^۱

باکتری‌ها نقش حیاتی در چرخه‌های مواد غذایی دارند و بسیاری از مراحل این چرخه‌ها همچون تثبیت نیتروژن از جو زمین، تجزیه پروتئین‌ها به روش زیستی، تجزیه اجساد و بقایای جانداران و فرایند گندیدگی به آن‌ها وابسته است.

۲-۱- اگروتروریسم

در بعضی از کشورهای در حال توسعه که غذای اصلی مردم را محصول کشاورزی نظیر برنج و گندم تشکیل می‌دهد، ممکن است با ایده‌های تروریستی، به آسیب بیولوژیک غلات و از بین بردن آن‌ها بپردازند و مسبب قحطی، سوء تغذیه، کاهش ایمنی و عفونت‌های مکرر شوند. بیوتروریسم کشاورزی که خود جزئی از اگروتروریسم می‌باشد، شامل استفاده از بیماری‌های حیوانی و گیاهی به منظور ایجاد آسیب و تخریب وسیع در بخش کشاورزی است که آسیب‌های اقتصادی، خطرات انسانی و حتی ایجاد هراس در انسان‌ها را به دنبال خواهد داشت.

الف- تهدیدات اگروتروریسم در کشور

در نگاه موثر برای این قسمت میتوان به مصاحبه معاون تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی در مورد تب برفکی در مهر سال ۱۳۸۹ اتقان مطلب نمود؛ وی شایع در میان دام‌های بخشی از کشور در آن زمان اظهار می‌کند: «گفته شده است تب برفکی دام به دلیل ورود دام قاچاق بوده است، اما احتمال بیوتروریسم از جانب کشورهای اروپایی یا همسایه منتفی نیست، هرچند با تلاش پژوهشگران کشور در سریع‌ترین زمان ممکن با آن مقابله شد. این بخش از نظر تولید، اشتغال، صادرات، حفاظت و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی و خدادادی، توسعه تحقیقات و فناوری‌ها و توسعه مشارکت‌های مردمی، یکی از ارکان مهم اقتصاد و امنیت

کشور به حساب می‌آید، ضمن اینکه ایران در بسیاری از موارد جزء کشورهای مهم تولیدکننده محصولات کشاورزی قرار می‌گیرد».

۳- نسل جدید عوامل بیولوژیک

گسترش علوم بیولوژی مولکولی، مهندسی ژنتیک، بیوتکنولوژی، سنتتیک بیولوژی و توان گسترده علمی جهت دست‌کاری و نو ترکیبی ژن‌ها و شناسایی عوامل مولکولی بیماری‌زایی، حدت، سموم‌کشنده و امکان افزایش مقاومت دارویی، افزایش قدرت همه‌گیری سبب شده است تا محققان نظامی برخلاف قوانین کنوانسیون‌های بین‌المللی منع توسعه سلاح‌های بیولوژیک به تحقیق و تهیه عوامل خطرناک و البته با توجیهاتی مانند تلاش برای ساخت واکسن یا شناخت علل و عوامل بیماری‌زایی این عوامل دست بزنند، اسناد و شواهد موجود نشان می‌دهد دانشمندان در سال ۲۰۱۰م. با پیشرفت‌های حاصله در علوم ژنتیک و پزشکی این نگرانی و وحشت عمومی از بیماری‌ها تا حدودی برطرف شده است، اما همین پیشرفت‌ها موجب برخی سوءاستفاده‌ها نیز شده است. مانند: ویروس خطرناک فلج اطفال و ویروس آبله انسانی با روش‌های نوین نو ترکیبی ژن تهیه شده است. دانشمندان یک آزمایشگاه پیشرفته در آمریکا در اقدامی ابهام‌برانگیز و نگران‌کننده موفق شدند ضمن شناسایی ژن‌های آنفلوآنزای فوق‌کشنده سال ۱۹۱۸م. موسوم به آنفلوآنزای اسپانیایی که سبب مرگ ۵۰ میلیون نفر در جهان گردید آن را به روش نو ترکیبی ژن سنتز و درکشت سلولی تکثیر کنند.

دوم- علت‌شناسی بیوتروریسم و تئوری‌های جرم‌شناسی بیوتروریسمی

در ادامه این پژوهش اختصاص داده شده به سه مبحث که در بخش اول بحث زوایای پیدا و پنهان روان‌شناختی یک فرد تروریست که عوامل بیوتروریستی را تولید و انتشار می‌دهد و افکار ناپیدای وی که منجر به کشتار می‌گردد، آغاز می‌شود و در ادامه در بخش دوم بحث جرم‌شناسی نظری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم به تحلیل عوامل جرائم بیوتروریستی سوق داده شده است که شامل دو گفتار، عوامل فردی و عوامل اجتماعی است و همچنین آن عوامل مهم و ریشه‌ای که عامل ایجاد اقدامات بیوتروریسمی می‌باشند، ذکر گردیده است.

بخش اول- علل روان شناختی تروریست‌ها

اختلال شخصیت، عبارت است از نارسایی در تکوین، رشد، تکامل شخصیت و یا داشتن گرایش‌های مرضی در ساختمان شخصیت که الگوهای رفتار نابهنجاری را در طی زندگی نشان می‌دهد و نوع این بیماری را مشخص می‌کند. اختلال شخصیت یک اختلال شایع و مزمن است که شیوع آن بین ۱۰-۱۵ درصد جمعیت عمومی تخمین زده می‌شود و حدود نیمی از بیماران روان پزشکی به اختلال شخصیت مبتلا هستند.

الف - اختلال در الگوی شخصیت

الگوی شخصیت اگر تحت شرایط و فشارهای شدید قرار گیرد و در درازمدت آسیب ببیند و دچار اختلال و نابهنجاری شود، واکنش‌های پسیکوتیک نشان می‌دهد و شامل شخصیت ناکافی، شخصیت اسکیزوفرنیک، شخصیت مرزی، شخصیت سیکوتیمیک و شخصیت پارانویید می‌شود، هرچند تمامی اختلالات فوق در تروریست‌ها مشاهده نمی‌شود، اما مشاهده شده است که برخی از تروریست‌ها دچار اختلالات فوق می‌باشند.

۱- نقش اسکیزوفرنیک

بیماری اسکیزوفرنی که در گذشته «جنون جوانی» نامیده می‌شد، از دو واژه یونانی «اس خیزن» و «فرن» یا «فرنوس» به معنای قوه تفکر ساخته شده است و شامل گروهی از واکنش‌های پسیکوتیک است که علامت بارز آن اختلال شدید در ارتباط با واقعیت است. برای مثال، در منطقه باسک اسپانیا از نظر ترکیب نژادی، یک ساخت یکدست و همگن وجود دارد و در این بین فقط ۸٪ از نژاد مخلوط باسک - اسپانیایی هستند و به فرزندان این خانواده‌ها به چشم دور که در سطح جامعه می‌نگرند و مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند، این احساس حقارت در بین این افراد در نهایت آن‌ها را به گروه منزوی و جدا از جامعه و پرخاشگر رهنمون ساخته است. در بین اعضای گروه بیش از ۴۰٪ دورگه‌های متأثر از توهین و حقارت دیگران وجود دارند؛ یعنی به عبارتی این دورگه‌ها از لحاظ روانشناسی در حاشیه‌اند.

۲- نقش پارانویید

پارانویید، یک اصطلاح یونانی است که حتی در دوره قبل از بقراط نیز به کار می‌رفته است

و به معنای دیوانگی بوده و علامت بارز آن پیدایش تدریجی یک نظام فکری هذیانی با طیف گسترده و توسعه‌یافته است که بر اساس تعبیر اشتباه از وقایع و حقایق زندگی استوار است. برای مثال، «بن‌لادن» رهبر گروه تروریستی «القاعده» و «شوکو آساها» را رهبر گروه تروریستی «آئوم شری نکو» نیز می‌توانند پارانیوید باشند. در تهدید علیه منافع آمریکا به وسیله بنیادگرایان اسلامی به‌ویژه گروه القاعده در بمب‌گذاری سفارت کنیا و تانزانیا در ۱۹۹۸م. بن‌لادن به‌عنوان تهدید تروریستی علیه منافع آمریکا در همه جهان شناخته شد.

۳- نقش خودشیفتگی

احساس غلوآمیز خود مهم بینی در این افراد (تروریستهای بیوتروریست) خودخواهی شدید و خودشیفتگی را به وجود می‌آورد؛ پیشرفت‌های خود را خیلی بزرگ جلوه می‌دهند، اگر در امری موفق نشوند، احساس حقارت می‌کنند؛ تخیلات آن‌ها مملو از موفقیت‌هایی در زمینه قدرت، ثروت، هوشمندی و عشق‌های ایده آل است.

ب - شخصیت سایکوپات^۱ (سوسیوپات)

عدم رعایت موازین اجتماعی و اخلاقی از خصوصیات بارز این نوع شخصیت است، از آنجاکه این نوع شخصیت با هنجارهای پذیرفته‌شده در جامعه ناسازگار و در ستیز می‌باشند و نسبت به افراد جامعه حس عطف و رحم ندارند، بیشترین احتمال استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به این گروه تعلق دارد. (فرید حسینی، ۱۳۸۸: ۹۵-۱۰۴)

در این قسمت نقش شخصیت ضداجتماعی و شخصیت غیراجتماعی در بروز حوادث تروریستی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- شخصیت ضداجتماعی

شخصیت ضداجتماعی شامل اشخاصی می‌شود که در تعارض شدید با اجتماع هستند، قادر به احساس شرم و گناه و یادگیری موازین اخلاقی و اجتماعی یا سود بردن از تجارب گذشته نیستند و آستانه تحمل محرومیت آن‌ها بسیار کم است و غالباً اعمال خود را بر گردن دیگران و اجتماع

می‌اندازند، تعهد اخلاقی به فرد یا گروه ندارند.

۲- شخصیت غیراجتماعی

افراد دارای شخصیت غیراجتماعی مقررات و موازین اجتماعی را رعایت نمی‌کنند، به عنوان نمونه مطالعه‌ای که بر روی افراد غیر اجتماعی بر روی اعضای گروه تروریستی ایرلند انجام شد، مشاهده شد که این افراد اگرچه منحرف‌اند، اما احساسات، آشفته‌گی و اضطرابی که در تروریست‌های دارای اختلال اسکیزوفرنی و یا پارانویدها وجود دارد، در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. افراد دارای شخصیت غیراجتماعی مقررات و موازین اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و در محیط‌های ناسالم و غیرعادی پرورش یافته‌اند، فقط به افراد و گروه‌های خاص تبهکارانه مانند سازمان‌های تروریستی وفادارند. (فرید حسینی، ۱۳۸۸: ۹۵-۱۰۴)

گفتار سوم - راهبردهای مقابله با تهدیدات امنیتی بیوتروریسم در نظام کیفری ایران و بین‌الملل

هرچند در هر دو مورد جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم این عوامل بیولوژیک با عنوان تسلیحات ویروسی، باکتریایی و سمی باعث کشته شدن، ناتوانی و مصدومیت در افراد، احشام و آسیب به محصولات کشاورزی می‌شوند؛ اما وجه ممیزه این دو آن است که در بیوتروریسم وضعیت جنگی موجود نیست، اما استفاده از این موارد به عنوان سلاح در جنگ، آن جنگ را به جنگی بیولوژیک تبدیل می‌کند؛ بنابراین، در این مورد، جنگ بیولوژیک عبارت است از استفاده از عوامل بیولوژیک اعم از باکتری‌ها، ویروس‌ها، گیاهان، حیوانات و فراورده‌های آن‌ها به منظور اهداف خصمانه تلقی می‌گردد.

با توجه به خصوصیات که از عوامل بیولوژیک عنوان شد، می‌توان گفت دلایلی وجود دارد که تروریست‌ها و گروه‌های متخاصم در جنگ را ترغیب می‌کند تا در کنار استفاده از دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و سنجش سود و زیان استفاده از آن‌ها، به بهره‌برداری از عوامل بیولوژیک روی آورند.

الف- راهبردهای کیفری مقابله با بیوتروریسم در سطح بین‌الملل و ایران

مقابله با این پدیده هم در اسناد بین‌المللی تجلی یافته است و هم در قوانین داخلی؛ بنابراین، در

ادامه به بررسی راهبردهای مقابله‌ای با پدیده بیوتروریسم در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران پرداخته می‌شود.

۱- راهبردهای مقابله‌ای در حقوق بین‌الملل

در سطح بین‌المللی به‌طور خاص از دهه ۱۹۲۰ توجه به سلاح‌های بیولوژیک که باعث صدمه می‌شود، آغاز و از همان دهه نیز راهبردهایی برای مقابله با آن اندیشیده شد. به عنوان نمونه در بررسی کنوانسیون ذیل اشاعه و انتشار هرگونه مواد و عوامل بیولوژیکی مورد بررسی گرفته است. کنوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاح‌های باکتریولوژیک بیولوژیک و سمی و انهدام سلاح‌های مذکور در سال ۱۹۷۲ تصویب شد و ایران نیز در سال ۱۳۵۲ به آن پیوست. طبق ماده ۱ این کنوانسیون «هریک از دول طرف این کنوانسیون متعهد می‌شوند که هرگز و در هیچ اوضاع و احوالی به تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره یا به هر روشی به تحصیل و نگهداری مواد زیر مبادرت نکنند:

۱. عوامل میکربی...

۲. سلاح‌ها و تجهیزات...

با تصویب این کنوانسیون، اول اینکه توسعه، تولید و ذخیره عوامل میکربی و بیولوژیک نیز مانند استفاده از آن ممنوع شد؛ دوم اینکه عوامل بیولوژیک نیز در کنار عوامل میکربی در بند ۱ ماده ۱ برای پوشش هر نوع عامل بیولوژیک و میکروارگانیسمی ذکر شد و سوم اینکه محدودیت مذکور ناظر به زمان جنگ نبوده و عام است و تمامی زمان‌ها را در بر خواهد گرفت.

۲- سیاست جنایی ایران در مقابله با بیوتروریسم

سیاست جنایی طبق تعریف عبارت است از اقدامات قهری و غیر قهری با محوریت دولت که توسط نهادهای رسمی یا غیررسمی برای مقابله با پدیده مجرمانه اتخاذ می‌شود؛ بنابراین، از اقدامات پیشگیرانه تا واکنش کیفری در این حوزه در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب- قوانین پیشگیرانه در حوزه بیوتروریسم

در حوزه بیوتروریسم قوانینی وجود دارد که پیش از ورود این رفتار به حیطه کیفری، درصدد

پیشگیری از این پدیده است. اولین سندی که به طور کلی نظر بر این مقابله داشته و آن را به طور خاص در حوزه پدافند غیرعامل قرار داده است، به پیش از انقلاب باز می گردد. این مصوبه، «آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور، مربوط به وظایف و تشکیلات» مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۷ است و همچنین میتوان به قوانین حاضر برای نمونه، ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «هرگاه ماموران پست بر مبنای قرائن و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکربی خطرناک یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذیصلاح به پست یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورت مجلس توقیف می شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می رسد.» اشاره نمود. بنابراین، این سیاست ها که ناظر به جهت گیری کلی حوزه مورد بحث است به خوبی نشان می دهد جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۹ به این پدیده توجه خاص در سطح کلان داشته و به صورت غیرنظامی درصدد مقابله با آن بوده است.

پ- سیاست کیفری ایران در مقابله با بیوتروریسم

قوانین کیفری ایران از دو جنبه به موضوع بیوتروریسم پرداخته اند. از یک سو، مقدمات این نوع از تروریسم را جرم انگاری کرده و از سوی دیگر، رفتار بیوتروریسم را مورد خطاب قرار داده اند. طبق ماده ۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز «قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از وارد کردن آن ها به کشور یا خارج نمودن آن ها از کشور به طور غیرمجاز است» و ماده ۳ این قانون اقلام و مواد تحت کنترل را عبارت دانسته است از «انواع مواد محترقه، ناریه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیوی، میکربی، گازهای بی هوش کننده، بی حس کننده و اشک آور و شوک دهنده ها شوکرها و تجهیزات نظامی و انتظامی است».

باین حال، ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، در برخی از موارد این افراد را در حکم محارب و مفسد فی الارض دانسته و اعمال مجازات تعزیری را منوط به عدم احراز مفسد بودن یا محارب بودن کرده است این ماده، این مشکل را داراست که بیان کرده است «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می شود» و مشخص نیست دقیقاً با چه شرایطی می توان فرد را نه محارب و مفسد، بلکه در حکم محارب و مفسد دانست.

همچنین در بررسی ماده ۲۸۶ ق.م.ا، به نظر می‌رسد با آگاهی به این خلأ جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند که ماده ۲۸۶ آن به جرم‌انگاری رفتار بیوتروریسم پرداخته است. (مرادخانی و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷-۱۴۸) البته نکته مهم در این ماده آن است که این ماده نیز به‌طور خاص به جرم‌انگاری بیوتروریسم نپرداخته است، بلکه در ضمن جرم‌انگاری بزه فساد فی‌الارض که جرمی برآمده از فقه است، عباراتی را ذکر کرده که می‌توان برای مقابله کیفری با بیوتروریسم از آن بهره برد؛ بنابراین، ماده مذکور نه الزاماً ماده‌ای برای بیوتروریسم، بلکه منطبق با جرم‌انگاری بیوتروریسم بوده و همین امر نیز پیشرفت درخور ملاحظه‌ای در مقابله با بیوتروریسم محسوب می‌شود. ذکر عباراتی که در این ماده منطبق با بیوتروریسم است، به نظر می‌رسد ناشی از الزام قطعنامه شورای امنیت و کنوانسیون ۱۹۷۲ و همچنین تصویب برنامه پنجم توسعه است. در ادامه باید گفت با توجه به ابهامی که در ماده مذکور موجود است، مناسب است قانون‌گذار وزارت بهداشت، سازمان پزشکی قانونی، وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح را موظف به تهیه فهرستی از مواد سمی و میکربی و خطرناک کند و امکان بازبینی آن را هرساله با توجه به موارد جدید ممکن سازد. در تبصره ماده فوق، ابهامی افزون دیده می‌شود و آن چنان‌که این تبصره بیان داشته، اگر دادگاه قصدهای مذکور در تبصره را احراز نکند، شخص مرتکب به‌موجب قوانین خاص مجازات و در صورت فقدان آن به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود. به‌روشنی از این عبارت برداشت می‌شود که برای محکوم کردن فرد به جرم ماده ۲۸۶ ق.م.ا. وجود قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمدی یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده، ضروری است. سیاست کیفری ایران مقدمات پیشگیرانه‌ای را برای جلوگیری و مقابله نمی‌توان مؤثر و مفید دید. چه‌بسا سازوکار قانونی مقبولیت قابل‌ملاحظه‌ای دارد ولی در این بخش تلاش شد، کارایی ناکافی در جهت عوامل نوین و کلاسیک بیوتروریسمی نشان داد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش پس از بررسی مسئله بیوتروریسم از دیدگاه جرم‌شناسی و همچنین رویکرد حقوق بین‌الملل و تحلیل نظرات موافقان و مخالفان، نتایج ذیل به‌صورت مختصر حاصل گردیده است.

بیوتروریسم همانند قارچ‌های سمی در این دهکده جهانی رشد چشمگیری داشته است و اقدامات سازمان ملل هم برای پیشگیری و مقابله با آن ناکام مانده است برای موفقیت در

پیشگیری از بیوتروریسم باید در عرصه بین‌المللی تعریف جامع و مانع از آن به وجود آید که دولت‌ها همه در آن متفق باشند تا زمانی که نتوانیم تعریفی درست از آن ارائه بدهیم، اقدامات پیشگیرانه نتایج چندان مثبتی نخواهد داشت. به همین دلیل برخی نیازی به تعریف این واژه ژنریک نمی‌بینند دشواری در ارائه یک تعریف جامع از تروریسم موجب شده که مرز بین تروریسم و غیر تروریسم مشخص نباشد و از نظر فرد یا دولتی یک شخص تروریست محسوب شود و از نظر فرد یا دولت دیگر مبارز آزادی‌خواه تلقی شود.

خارج از چارچوب جنایات بین‌المللی شناخته شده همچون (جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی) امکان دارد خود بیوتروریسم به عنوان یک جنحه بین‌المللی مستقل تعریف شود.

مبانی نظری جرم‌شناسی بیوتروریسم مبتنی بر نظریات نوین مانند جرم دولتی و انطباق اجتماعی و... است؛ چراکه جرم‌شناسی جرائم مبتنی بر نفرت «ویژگی هویتی قربانی» است و مرتکب بدین وسیله تحریک به حمله می‌شود. فرد با نفرت حاصل از انگیزه‌های شخصی دخیل در جرائم تروریستی بیوتروریسمی نمی‌تواند علت عمده باشد. جرم بیوتروریسمی، جرم مبتنی بر قومی، مذهبی و... نیست که به دلایل شخصی مانند حملات تروریستی گروه‌هایی مانند داعش و... متکی باشد بلکه علت عمده در بیوتروریسم از محدوده‌ی انگیزه‌های شخصی خارج می‌شود و در حیطه سیاست قرار می‌گیرد. فرض دیگر مدنظر پژوهش حاضر بر سیاست که از علت‌های حاکم بیوتروریسم است، تأکید دارد. سیاست‌های کشورهای متخاصم ایجاب می‌کند فردی را که علم وی بیش از جرائم ساده تروریستی است، بکار ببندد تا فرآیندی از جنس بیولوژیک را به وجود آورد.

حال در مقابل این قبیل حملات، کشورها باید از منظر کنشی و واکنشی قابلیت انعطاف در مقابل حملات بیولوژیکی را داشته باشند، در غیر این صورت مانند ویروس کرونا دچار بحران می‌شوند. اگرچه تا به حال هیچ‌گونه قاعده قراردادی مبنی بر جنایت بودن کلیه اقدامات بیوتروریستی در دست نیست؛ ولی قطعنامه‌های مکرر مجمع عمومی، افکار عمومی، تصویب قوانین ضد تروریستی در داخل کشورها و مهم‌تر از همه افزایش تعداد کنوانسیون‌های ضد بیوتروریستی همگی حاکی از شکل‌گیری یک قاعده عرفی در خصوص جنایت بودن اقدامات بیوتروریستی می‌باشند.

اقدامات ضد بیوتروریستی روشن ساخته که جامعه بین‌المللی نیاز دارد تا علیه بیوتروریسم

در یک سطح بین‌المللی همکاری کرده و مساعدت نمایند. چراکه بیوتروریسم دیگر یک مسئله داخلی نیست. ما در آینده قادر نخواهیم بود؛ در مبارزه با بیوتروریسم صرفاً به پیگیری قوانین داخلی اتکا کنیم. لازمه آن این است که ما مفاهیم بین‌المللی را تعریف کنیم و همچنین در یک سطح بین‌المللی جنایات بیوتروریستی را مانع شویم. امروزه می‌توان ادعا نمود که برخی از موارد بیوتروریسم همچون اگروتوریسم که حاصل تغییر ژنتیک در بذرهاست، یک جنایت بین‌المللی است.

پیشگیری بیوتروریسم در دو سطح کیفری و غیر کیفری قابل طرح است. از بعد پیشگیری غیر کیفری می‌توان به پیشگیری وضعی و اجتماعی از بیوتروریسم اشاره نمود هرکدام از این دو گونه‌ی پیشگیری دارای راهکارهایی در جهت پیشگیری از بیوتروریسم می‌باشند. نتیجه‌ی نهایی این تحقیق این است که پیشگیری از بیوتروریسم در بُعد فردی و اجتماعی قابل تحقق است. نتیجه‌ای دیگر که از این تحقیق گرفته می‌شود این است که فرضیه‌ی بیمار روانی در مورد تروریست‌ها در حد بسیار ناچیزی مؤثر بوده است، اگرچه برخی از تروریست‌ها دارای اختلالات روانی پارانوییدی در حد بسیار ناچیزی بوده‌اند، اما عوامل اصلی، عوامل سیاسی در حد کلان بوده‌اند و فرضیه‌ی بیمار روانی دارای جنبه‌ی فرعی است. از بُعد پیشگیری وضعی کنترل موقعیت‌های جرم‌زا بسیار پراهمیت است و از بعد اجتماعی ارائه آموزش‌های لازم و تربیت افراد جامعه و خنثی کردن ریشه‌های بیوتروریسم دارای اهمیت بسزایی می‌باشند. از بعد سیاست جنایی، در ایران خلأ قانونی در خصوص بیوتروریسم وجود دارد و در بُعد بین‌المللی نیز، جامعه‌ی جهانی به سمت واکنش شدید و جرم‌انگاری همکاری با بیوتروریسم می‌پردازد.

پیشنهادهای:

۱- در بررسی جرم بیوتروریسم صرفاً به قوانینی مانند حفاظت از خاک و... نمی‌توان بسنده کرد. در این زمینه باید گفت سیاست تقنینی ایران با به‌کارگیری متخصصینی که از جنس بیولوژیک آشنایی‌تر دارند، وارد گفتمان بشود. در موضوعات مختلف همچون آب، غذا، هوا، خاک و... که حیات انسان به آن وابسته است، اندیشه ورزی کنند. زمانی که در آلودگی مجرای حیاتی انسان دچار نقصان می‌شود، علت‌ها دقیق بررسی و سدی برای آن‌ها پیش‌بینی شود. در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۸۶، صرفاً به «گسترده‌گی» اشاره می‌نماید. گسترگی در انتشار عوامل بیوتروریسمی مهم است ولی تعیین حدود آن نباید به مواد «سم و میکروبی و...» بیان گردد. مواد

بیولوژیکی که عوامل گوناگون دارند، در نوع خود که موجبات فلج شدن بخش عظیمی از جوامع می‌شوند، قوانین پیش‌گیرنده مناسب مانند «قانون ضد بیوتروریسم»، جای خود را در قوانین جزایی ایران نشان می‌دهد. در این قانون تعریف عمیقی از عوامل بیولوژیک (سموم، باکتریها، ویروسها و...)، دستگاه‌های مجری پیش‌گیرنده، عامل پخش مواد بیولوژیک (بیوتروریستی یا...)، سنجش مقادیر آلودگی به مواد بیولوژیکی در محصولات غذایی، آرایشی و بهداشتی، دارویی و... مورد تقنین واقع شود.

۲- به‌کارگیری تمام ظرفیت سازمان پدافند غیرعامل بدین‌صورت که آگاه‌سازی عامه مردم را به حداکثری برساند.

قوانین بر پیشگیری صائب هستند تا درمان بنابراین موضع باید گفت؛ آموزش‌های برنامه‌های رسانه‌ای تاکنون در بین مردم جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر این دستاوردها رسانه‌ای برمدار تولیدات سازمان صداوسیما با محوریت شناخت بیوتروریسم، راهکارهای مقابله‌ای، بازشناختی بیوتروریسم، حضور کارشناسان بیولوژیکی معتبر در سطح تهیه و تدوین این برنامه این سازمان با نهاد پدافند باشد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (ه. ق ۱۴۱۴)، لسان العرب، دار صادر، بیروت
۲. آرمیده رضا و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹)، مروری بر نقش ویروسها در بیوتروریسم با تأکید بر کرونا ویروس، فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، سال هشتم، ۷۲-۸۰
۳. آغنی، آناهیتا (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار بیوتروریسم در ایران و حقوق بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه
۴. اُتف رنالد، رهیافت جرم‌شناسی و بزه دیده شناختی به تروریسم (تحلیل جرم شناختی تروریسم)، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، [بی تا]
۵. آشوری محمد، معظمی شهلا، مهرا نسرين (۱۳۹۴)، تروریسم شناسی، نوبت اول، تهران: مجد
۶. احتشامی، علی (۱۳۸۷)، تروریسم شیمیایی تهدیدی آشکار برای امنیت عمومی، فصلنامه دانش انتظامی، ۴، نهم، ۱۶۷-۱۸۱
۷. بجنوردی سید محمد، مجموعه مقالات فقهی حقوقی اجتماعی، [بی تا]، [بی جا]
۸. پایگاه خبری ایمننا
۹. پایگاه خبری مشرق نیوز
۱۰. توکلی، سعید (۱۳۹۱)، راهبردهای تروریسم، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۶، پنجم، ۸۳-۹۶
۱۱. جعفری زاده، محمدرضا (۱۳۸۸)، تأثیر متقابل زیست‌فناوری با دفاع زیستی و روش‌های مقابله با بیوتروریسم، مجله ایمنی زیستی، دوره ۷۳، ۲-۸۱
۱۲. حاتمی، حسین (۱۳۸۹)، مروری بر بیوتروریسم و دفاع بیولوژیک، فصلنامه پلیس بین‌الملل، ۱، اول، ۱۴۶-۱۵۰
۱۳. خسروی بهرام (۱۳۸۸)، جنگ/فزارهای بیولوژیک، مجله علمی ابن‌سینا، شماره ۴، ۳۱-۳۶
۱۴. خسروی مژگان (۱۳۹۶)، بیوتروریسم در آب و مواد غذایی، مجله یافته‌ها، دوره ۱۹، ۱-۱۱

۱۵. زارع بیدکی مجید، بلالی مود مهدی (۱۳۹۴)، بیوتروریسم و جنگ/افزارهای بیولوژیک از گذشته تا به امروز: یک مطالعه کلاسیک، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، شماره ۲۲، ۱۸۲-۱۹۸

۱۶. زرگان، جمیل، جلیل دهنوی (۱۳۹۵)، تهدیدات امنیتی بیوتروریسم و راه‌های مقابله با آن با رویکرد پدافند غیرعامل، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، شماره ۹۱، ۱۹۰-۱۱۰

۱۷. ستوده، هدایت‌ال_____ (۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، ۲۱، تهران: آوای نور

۱۸. شاه‌حسینی محمدحسن (۱۳۸۰)، بیوتروریسم؛ شبیح جنگ‌های بیولوژیک، نشریه طب نظامی، دوره ۳

۱۹. شیرزاد هادی، جهانی محمدرضا (۱۳۸۳)، نحوه برخورد مأموران با بسته‌ها و پاکت نامه‌های مشکوک به حملات بیولوژیکی، دو ماهنامه توسعه انس_____انی پلیس، شماره ۷۳، ۲-۸۳

۲۰. شهرکی سیامک (۱۳۹۹)، بررسی انواع سلاح بیوتروریسم و تأثیر آن بر امنیت ملی، شماره ۱۳۱، ۲۲-۱۵۳

۲۱. شمس ناتری، محمدابراهیم، مجید قورچی بیگی (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بیوتروریسم، دوماهنامه مفید، ۷۳، پانزدهم، ۱۲۵-۱۴۶

۲۲. شاهیده، فرهاد، امیرحسین نیازپور (۱۳۹۹)، جرم‌نگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۲۳، ۱۹-۱۵۶

۲۳. طبرسی، فضل بن الحسن (قرن پنجم ه.ق)، تفسیر نمونه مجمع‌البیان، دوم، چاپ سنگی، بیروت: دارالمعرفه

۲۴. لغتنامه دهخدا

۲۵. علیزاده کامیاب، جوانی سیامک (۱۳۸۵)، مقابله با بیوتروریسم، مجله ابن‌سینا، شماره ۱، دوره ۹، ۲۰-۲۱

۲۶. فراهانی، شراره، محمد میرزایی (۱۳۹۵)، تأثیر تهدیدات امنیت زیست‌محیطی بر امنیت ملی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۲۹، هفتم، ۱۷۸-۱۸۲
۲۷. فرید حسینی، فرهاد (۱۳۸۸)، ارزیابی تصمیم‌گیری در شرایط مخاطره‌آمیز بیمار در بیماران شخصیت مرزی و ضداجتماعی، مجله اصول بهداشت روانی، ۹۵، ۲-۱۰۴
۲۸. کوره‌پز، محمد (۱۳۹۷)، پاسخ کیفری به بیوتروریسم در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و سایر کشورها، اول، تهران: قوه قضائیه-مرکز مطبوعات و انتشارات
۲۹. کنوانسیون ژنو ساید (۱۹۴۸)
۳۰. گلباف، مهناب (۱۳۹۶)، تروریسم؛ تهمت یا استناد، ماهنامه دام و کشت، ۲۰۴، ۲۰
۳۱. مراد خانی احمد، فاطمه رحمانی (۱۳۹۷)، بررسی فقهی و حقوقی بیوتروریسم، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۲۷، ۵۲-۱۴۸
۳۲. متولی زاده اردکانی، علی (۱۳۹۵)، پروژه ژنوم انسان و چالش‌های اخلاقی و حقوقی در جوامع انسانی، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۱۹، ۱۰۲-۱۲۴
۳۳. مردانی، مهناز، مریم رضا پور (۱۳۹۶)، اگروتوریسم، مجله یافته‌ها، دوره ۱۹، ۲۵-۲۸
۳۴. میر حاج حسن و همکاران، تروریسم نامتعارف و توکسین‌ها، [ابی جا]، [ابی تا]، [ابی نا]
۳۵. نور اشرف‌الدین، سید ولی (۱۳۹۹)، سیر تاریخی و تحولات بیوتروریسم و راهکارهای مقابله با آن، مجله تاریخ پزشکی، ۱۲، ۱-۴۵، ۱۸
۳۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، تقریرات درس جرم‌شناسی، تدوین مجتبی جعفری، دوره دکتری جزا

منابع لاتین

۳۷. Abadie Alberto (2001) Poverty, Political Freedom, And The Roots of Terrorism. Harvard university and NBER. p.1

جایگاه تغییر کاربری اراضی از منظر حقوق کیفری

مصطفی اکبری علیرضا پوررنگ

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۳۰	شماره صفحه: ۱۱۲-۱۳۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

با توجه به بحث‌ها و نگرانی‌ها در مورد تغییرات زیست محیطی و بحران‌های ناشی از آلودگی آن در حال حاضر، تغییرات کاربری زمین در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی همه جهانیان قرار گرفته است. دلایل اصلی پر اهمیت بودن این موضوع، تهدیدهای ناشی از تغییرات آب و هوایی، جنگل زدایی، بیابان زایی و به طور کلی، از دست دادن تنوع زیستی است. سرعت تغییر اکوسیستم‌ها در سالهای اخیر چنان شتاب زده صورت گرفته که امکان سازگاری موجودات زنده با تغییرات محیطی، به سختی صورت می‌گیرد. جهت حفظ طبیعت باید تلاش‌های فراوانی صورت گیرد و این مهم مستلزم توجه به نیازها، تحقیق و بررسی عوامل مختلف در زمینه‌های زیست محیطی و ارائه راهکارها در راستای پیشگیری از تغییرات کاربری است. بی‌شک حمایت از محیط زیست می‌بایستی دارای ضمانت اجرای مسئولیت کیفری و مدنی باشد و همچنین پراکندگی و عدم انسجام قانونی یکپارچه در قوانین موضوعه، و عدم لحاظ ضمانت اجرا و اهمیت بین بخشی و فرابخشی امر حفاظت از اراضی زراعی و عدم توجه کافی به تغییر بی‌رویه اراضی و پیرو آن گسترش بی‌رویه شهرنشینی بدون مطالعه جدی و اثرات مضر آن، مقدمه‌ای فراهم گردید که قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها در سال ۱۳۷۴ تصویب گردد که وفق این قانون تغییر کاربری غیر مجاز اراضی زراعی و باغی جزو عناصر قانونی جرم لحاظ گردید و وفق این قانون متخلفین مستلزم تعقیب کیفری، مخاطب این قانون، قرار گرفتند ولی چنان بنظر می‌رسد که این قانون بدون لحاظ اصل مالکیت فقط در جهت مجازات بر آمده و علیرغم اسم آن فقط به برخورد با متخلفین بدون پیشگیری از آن پرداخته است. هدف از این تحقیق بررسی قانون کاربری اراضی و شیوه‌های پیشگیری از تغییر کاربری است که با روش توصیفی - تحلیلی به نتایجی چون حمایت از اراضی و راهکاری کیفری و غیر کیفری در جهت پیشگیری دست یافته است.

واژگان کلیدی: تغییر کاربری، زمین‌های زراعی، بهره مالکانه، اراضی داخل محدوده، اراضی خارج از محدوده

مقدمه

براساس قاعده فقهی تسلیط و ماده ۳۰ قانون مدنی، مالک در ملک خود حق هر گونه تصرف اعم از مادی و حقوقی را دارد. دامنه تصرفات مالک بستگی به نوع تصرف و چگونگی تصرف خود دارد. بعضاً دامنه این تصرفات مالک باعث ورود زیان و ضرر به همسایگان می‌شود، قاعده لاضرر در این موارد بر قاعده تسلیط چیره می‌شود، و جلو ضرر احتمالی را می‌گیرد. که این خود باعث تحدید مالکیت مالکان می‌شود. مالک فقط با این اعمال محدود نمی‌شود. بلکه با توجه به افزایش جمعیت، رشد شتابان شهرنشینی، هجوم نیروهای کار روستایی به شهرها، استقرار واحدهای صنعتی در حاشیه شهرها، گسترش روز افزون شهرها، شهرک‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها، فضاهای سبز، اماکن عمومی، بهداشتی و درمانی، خدمات عمومی، تصرف و تملک املاک مالکان توسط دستگاههای اجرایی بعنوان یک ضرورت اجتماعی چهره خود را نمایان ساخته است. لذا دستگاههای اجرایی از جمله آنها شهرداری‌ها در تملک املاک و نحوه خرید و تصرف این گونه املاک، بعضاً با سوء استفاده از اختیارات قانونی که دارند، باعث تضییع حقوق مالکانه می‌شوند. حتی بعضاً علاوه بر تحدید مالکیت، موجب سلب مالکیت مالکان نیز می‌شوند. که خود گویایی بی‌عدالتی و اجحاف بر مردم در این موارد می‌باشد. از طرفی دیگر قانونگذار با وضع پاره‌ای از مقررات خود نیز موجب تحدید مالکیت مالکان می‌شود. از جمله این مقررات قانون حفظ اراضی کاربری زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴ و اصلاحات ۱۳۸۵ می‌باشد. تعیین و تغییر کاربری مقوله‌ای است که به لحاظ ارتباط آن با حقوق عمومی می‌تواند بعضاً مورد سوء استفاده دستگاههای اجرایی قرار گیرد. و مآلاً به تضییع حقوق مالکانه اشخاص منجر شود، که کثرت و تعدد دعاوی قضایی در دیوان عدالت اداری مؤید این مضاعف پرداختن به شرایط و آثار تعیین و تغییر کاربری از نظر حقوقی موضوعی است که ضرورت آن غیر قابل انکار است و سعی خواهد شد تا حد امکان زوایایی مبهم قضیه مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که در حقوق ایران جایگاه کاربری اراضی و املاک در تحدید مالکیت چه جایگاه و نقشی دارد.

همانطوریکه می‌دانیم با توجه به حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» و ماده ۳۰ قانون مدنی و استنباط قاعده تسلیط اشخاص برمال خود حق هرگونه تصرف و دخل و بهره برداری و استفاده دارند. اما با پیشرفت جوامع بشری و علم و تکنولوژی و شهرسازی و تعریض خیابانها و اختصاص اراضی افراد برای استفاده فضای سبز و پارکها و شهرسازی‌ها و ...معنای مالکیت که کاملترین حق است که انسان می‌تواند داشته باشد.محدود می‌شود و مثل سابق

نمی‌تواند، از آن حق عینی مطلق خود که همان مالکیت به معنای اخص است، استفاده کند و تمام دولتها برای رفاه عموم و جامعه بهتر و همچنین با افزایش جمعیت و بالا رفتن نیازهای عمومی ضرورت وجود قواعد و مقررات مربوط به سلب مالکیت جهت کارهای شهرسازی و عمرانی و تأمین مسکن و همچنین برنامه ریزی در این امور بیشتر احساس می‌شود، چرا که برنامه ریزی در امر مسکن و شهرسازی از پیچیده ترین گونه‌های برنامه ریزی در جوامع کنونی دنیا و به خصوص در جهان سوم است. و همه این موارد باعث تغییر کاربری اراضی و ملک مالک یا مالکین می‌شود، و مالکیت مالک را در ملک خود محدود می‌کند. در این خصوص برای محدود کردن هرچه بیشتر حق مالکیت افراد قوانینی از جمله قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ و متن تلفیق شده قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۱۳۸۵/۸/۱ و آراء وحدت رویه در این خصوص و قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ و لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی دولت و قانون نحوه تقویم ابنیه املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۸۰ به تصویب رسیده، که با توجه به ارتباط موضوع با جنبه‌های مختلف حقوقی و همچنین دخالت عوامل اجرایی در نحوه تفسیر و اعمال قوانین مورد اشاره، پرداختن به موضوع در قالب یک طرح جامع پژوهشی یک ضرورت جدی است. و همچنین با توجه به موضوع پایان نامه در این تحقیق در خصوص مالکیت و حقوق مالکانه و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغ‌ها و طرح تفصیلی املاک و طرح جامع بعنوان عاملهای تحدید مالکیت بحث خواهد شد.

از آنجای که قاعده تسلیط و مستنبط از آن ماده ۳۰ قانون مدنی هرکس می‌تواند هرگونه تصرفی را در مال خود انجام دهد و این قاعده فقهی شخص مالک را در هرگونه استفاده از ملک را برای مالک آزاد گذاشته است. از طرفی قاعده لاضرر و لا اضرار فی الاسلام داریم که تاحدی حدود مالکیت افراد را محدود می‌کند. اما حال با توجه به پیشرفت روز افزون جامعه بشری و شهرسازی و ایجاد فضای سبز برای زندگی بهتر و فراهم نمودن رفاه عموم و استفاده بهینه از اراضی و زمینهای تحت مالکیت افراد جهت این گونه موارد هرچند خود مالک نیز از عموم جامعه است و از آن طرح‌های عمومی استفاده می‌کند، اما بایستی دانست تا چه حد و مرزی مالکیتش محدود می‌شود و آیا این محدود کردن‌ها تا چه اندازه‌ای زیان و ضرر به مالک می‌رساند و آیا بهای پرداختی اراضی جهت استفاده این موارد تمام خسارتها و نیازهای مالک را برآورد می‌کند یا خیر؟ و در صورتیکه بالفرض بین مالک و شهرداری توافقی صورت نگیرد و بالاچار بایستی مالک

بهای زمین را دریافت کند و رفع تصرف نموده و ملک را تحویل شهرداری نماید، آیا این با عدالت اسلامی تطابق دارد یا خیر؟ اما در جاهای که اصلاً رفاه عموم وجود ندارد، تغییر کاربری از جمله دیوارکشی اراضی کشاورزی و باغ‌ها و ... بایستی شخص مالک هزینه‌های به شهرداری پرداخت کند، (لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸/۸/۱۷) و یا محدود کردن مالک از اعطای امتیاز آب و برق و گاز و ... و اهمیت این مطلب در جایی دارای ارزش است که دولت علاوه بر نیازهای عموم جامعه نیازهای خود مالک را نیز مدنظر داشته باشد و تا جایی که امکان دارد به مالک هیچ گونه زیان و خسارتی وارد نشود

مفهوم تغییر کاربری

با توجه به ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و بند «د» ماده یک آئین‌نامه اجرایی آن، منظور از تغییر کاربری عبارتست از هر گونه اقدام که مانع از تداوم بهره برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغها گردد. این اقدامات می‌تواند گستره وسیعی از اعمال و اقدامات را شامل گردد. به عنوان ایجاد و تأسیس بنا و ساختمان، برداشتن شن و ماسه و خاک یا افزایش آن، به طریقی که قابلیت زراعت را از زمین سلب کند، و یا هر گونه فعالیتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی موجب می‌گردد، زمین استعداد خاص خود را حوزه مربوطه را از دست بدهد، تغییر کاربری تلقی می‌شود. (جوهری، ۱۳۸۷، ص ۴۲) به عبارتی ساده‌تر، هر گاه طی عملیاتی، زمین از حالت انتفاع زراعی و باغی خارج شود، در مفهوم قانونی، تغییر کاربری احراز خواهد شد.

مطابق تبصره ۳ ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها (اصلاحی ۱۳۸۵)، تقویم و ارزیابی اراضی زراعی و باغهای موضوع این قانون توسط کمیسیون ۳ نفره متشکل از نمایندگان سازمان جهاد کشاورزی، استانداری و امور اقتصادی و دارایی استان در هر یک از شهرستانها انجام می‌پذیرد و در م ۸ آئین نامه اجرایی قانون مذکور مقرر نموده است:

«تصمیم کمیسیون تقویم از زمان اعلام به متقاضی، به مدت ۶ ماه اعتبار خواهد داشت و در صورت انقضاء مدت مذکور، و عدم واریز عوارض قیمت ملک مجدداً توسط کمیته تقویم، تعیین و اعلام خواهد شد».

همانطور که از صراحت قانون مشهود است، مرور زمان مذکور (۶ماه)، راجع به پرداخت عوارض است. لیکن اینجا سوال بسیار مهمی مطرح می‌گردد و آن جنبه کیفری موضوع است. گذشته از احتساب دوباره عوارض وضعیت جزای نقدی به چه نحو است؟

در این راستا، تعیین شروع مدت ۶ ماهه مذکور حائز اهمیت است. به عبارتی باید نقطه آغازین بازده مورد نظر تعیین شود.

به عنوان مثال در مواردی که شخص از پرداخت عوارض معاف است (مانند آنچه که در تبصره ۱ ماده ۳ قانون اصلاحی سال ۱۳۸۵ مستثنی شده است)، و در نتیجه تصمیم کمیسیون تقویم جهت وصول عوارض به وی ابلاغ نمی‌گردد، ابتدای مدت ۶ ماهه چه زمانی است؟ هر چند نمی‌توان پاسخ قاطع به این سوال داد، لیکن از مجموع مواد قانونی مذکور و آئین نامه مربوطه به نظر می‌رسد، ابتدای مدت محاسبه در این موارد، تاریخ تصویب کمیسیون تقویم می‌باشد. بنابراین به عنوان مثال چنانچه از زمان طرح شکایت و یا صدور حکم تا زمان اجرای حکم و وصول جریمه نقدی، بیش از ۶ ماه بگذرد، اجرای احکام می‌بایست با هماهنگی دادگاه صادر کننده حکم صورت گیرد به طریقی که محکمه مربوطه مجدداً نظریه کمیسیون تقویم را در خصوص موضوع استعلام نماید و بر مبنای نظریه اخیر مبادرت به وصول جزای نقدی نماید. (زرکانی، ۱۳۸۵، ص ۴۰)

۲-۳- موارد ضروری تغییر کاربری

بر ماده ۲ قانون تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها اصلاحی ۱۳۸۵، تبصره‌ای وارد شده و تبصره ۱ که مقرر می‌دارد:

«تشخیص موارد ضروری تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در هر استان به عهده کمیسیون مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر امور اراضی، رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیر کل حفاظت محیط زیست آن استان و یک نفر نماینده استانداری می‌باشد که به ریاست سازمان جهاد کشاورزی تشکیل می‌گردد» اعتراض به آراء کمیسیون مذکور که حکم آن مطابق تبصره ۷ همان ماده تعیین شده است به عهده کمیسیونی است که ریاست آن با جهاد کشاورزی یا نماینده تام الاختیار او و با عضویت معاونان ذیربط وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور و همچنین سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. (نام جویان، ۱۳۸۶، ص ۲۹) از نکات قابل توجه در تبصره ۷ ماده ۲ قانون مربوطه که بیان آن خالی از لطف نیست به شرح ذیل می‌باشد:

اولاً، تجدید نظر خواهی صرفاً در مواردی که مجوز تغییر کاربری صادر شده باشد پذیرفته شده است به عبارتی چنانچه در موردی اصلاً مجوز تغییر کاربری برای اراضی مورد نظر از سوی مرجع صالحه صادر نشده باشد امکان تجدید نظر خواهی ممکن نخواهد بود و حق اعتراض به نظر کمیسیون مذکور در صورت مخالفت یا صدور مجوز برای متقاضی تغییر کاربری وجود ندارد.

ثانیاً، در تبصره مذکور قید گردیده: تنها وزارت جهاد کشاورزی حق اعتراض دارد، اما توضیحات بیشتری داده نشده و موارد ابهام است که منظور از وزارت جهاد کشاورزی چه کسی یا چه کسانی است؟

آیا منظور این است که رئیس سازمان جهاد کشاورزی که بنابر تبصره ۱ ماده خود در کمیسیون بدوی حاضر بوده است حق اعتراض به رأی خود را دارد. موارد ابهام قانون به اینجا ختم نمی‌گردد. به علاوه مهلت اعتراض به آرای کمیسیون موضوع تبصره ۱ در قانون مشخص نشده است. از طرفی چه بسا ممکن است کمیسیون موضوع تبصره ۱ مبادرت به صدور مجوز نموده و متقاضی هم بر مبنای همین مجوز مبادرت به ساخت و ساز نماید اما پس از آن به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی مجدداً موضوع پرونده مربوطه در کمیسیون تبصره ۷ مورد بررسی قرار گرفته و منجر به نقض نظر کمیسیون بدوی (تبصره ۱) در صدور مجوز ساخت و ساز می‌گردد.

در این صورت با جلوگیری از ادامه ساخت و ساز و برگرداندن اراضی مربوطه به کاربری سابق جبران خسارات وارده به متقاضی چگونه و از سوی چه نهادی تأمین خواهد شد؟ با توجه به ابهامات فوق پیشنهاد می‌گردد موضوع در کمیسیون تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱ در ذیل مجوزهای تغییر کاربری صادره قابلیت تجدید نظر مجوز درج شود تا متقاضی آگاهی لازم مبنی بر احتمال لغو مجوز را داشته، برنامه ریزی لازم را نموده و از خسارات احتمالی به خود پیشگیری نماید.

۲-۴- مصادیق تغییر کاربری اراضی

از نکات مثبت و قابل توجه که در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها اصلاحیه ۱۳۸۵ لحاظ شده آن است که اقداماتی را که در راستای بهینه سازی، گسترش و پیشرفت امر کشاورزی می‌باشد از مصادیق تغییر کاربری ندانسته است. این نکته در تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱ قانون مربوطه به ذکر رفته است ماده ۱۰ قانون مذکور جهت رفع ابهاماتی که در رویه قانونگذاری گذشته موجود بوده مصادیقی از مواردی که تغییر کاربری محسوب می‌شود را آورده است. که مطابق دستورالعمل تفسیر کاربری غیر مجاز موضوع ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی و باغی مصادیق دیگری که تغییر کاربری محسوب گشته اند ذکر شده است هر چند به نظر می‌رسد تعیین مصداق و ذکر موارد به صورت تمثیلی نمی‌تواند به طور کلی راه گشا باشد اما فواید تکنیکی و عملی آن نباید از نظر دور شود لذا به عنوان یک قاعده کلی می‌توان با توجه به مصادیق ارائه شده از سوی قانون بیان داشت هر گونه فعالیت که مانع از تداوم، بهره وری و

استمرار کشاورزی در اراضی زراعی و باغها شود به جز در مواردی که به موجب خود قانون استثنا شده است تغییر کاربری محسوب می‌گردد که تشخیص این امر به وسیله محاکم قضایی و با جلب نظر کارشناسی وزارت جهاد کشاورزی صورت می‌گیرد. (کامیار، ۱۳۹۲، ص ۴۰)

از جمله مواردی که قانونگذار به صراحت آن را از شمول ماده واحده مربوطه استثنا نموده است همان فعالیت‌های موضوع تبصره ۴ الحاقی می‌باشد. اما مطابق دستورالعمل ابلاغی ماده ۱۰ قانون چنانچه فعالیت‌های مورد وصف در همین تبصره بدون رعایت ضوابط تعیین شده و یا بدون اخذ گواهی زیست محیطی و عدم موافقت رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان انجام گیرد چنین تغییر کاربری غیر مجاز قلمداد شده که مغیر مفاد تبصره مذکور و همچنین تعریف مندرج در بند «ت» آیین نامه اجرایی می‌باشد

۲-۵- بزه تغییر کاربری اراضی

در مکتب سودانکارانه آنچه که شدیداً اکوسیستم‌های کشاورزی و منابع طبیعی را متأثر می‌سازد در یک کلمه در اقتصاد بازار خلاصه می‌شود. از این رو مالکان و صاحبان اراضی کشاورزی و باغی یا اراضی مستعد به کشاورزی معمولاً انگیزه‌های اقتصادی قوی جهت تغییر کاربری و استفاده از سایر کاربری‌های رقیب برای چنین اراضی دارند.

متأسفانه غالب اراضی مستعد و مساعد کشاورزی در نواحی‌ای از کشور قرار گرفته‌اند که معمولاً فضاهای مسکونی شهری و صنعتی در بستر آنها شکل گرفته و توسعه یافته است که این امر بر انگیزه‌های تغییر کاربری دامن زده است. حفظ کاربری و جلوگیری از تغییر کاربری بر آن است طی فرایندی مناسب و برنامه ریزی شده استفاده از سایر کاربری‌های رقیب را قاعده‌مند ساخته و نحوه تخصیص اراضی زراعی و باغی را به شیوه‌ای منطقی پی گیرد. در سالیان اخیر، به دلیل افزایش روزافزون جمعیت هجوم جوانان شهرهای بزرگ و به تبع آن گسترش شهرنشینی که موجب تحت فشار قرار گرفتن فضاهای سبز به ویژه اراضی جنگلی، زراعی و باغ‌های اطراف شهرها توسط توسعه و گسترش فضاهای شهری و صنعتی این اراضی به شدت در معرض تخریب، تبدیل و تغییر قرار گرفته‌اند. (بشیری، ۱۳۸۹، ص ۳۲)

آمارها حکایت از گسترش بی‌رویهی تخریب این اراضی دارند. به طوری که هم اکنون با مقایسه اطلاعات موجود حاصل از عکس و فیلم‌های هوایی، آمارها نشان دهنده آهنگ سریع تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی در حواشی کلان شهرهای کشور ایران به فضاهای شهری،

صنعتی و یا مسکونی می‌باشد. از سال ۱۳۳۴ تاکنون مساحت اراضی تغییر کاربری یافته فقط در حواشی هفت کلان شهر کشور یعنی: تهران، اصفهان، کرج، مشهد، اهواز، شیراز و تبریز ۵۷۰/۱۶۶ هکتار از اراضی مرغوب و مساعد زراعی و باغی تخمین زده می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۵)

متأسفانه این آمار به این جا ختم نشده و هر ساله با سیر صعودی مواجه است به گونه‌ای که علی‌رغم تصویب قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در سال ۱۳۷۴ تاکنون بیش از ۱۴۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی از گردونه تولیدات کشاورزی و باغی خارج شده‌اند که می‌توان گفت به طور متوسط هر ساله ۲۰ هزار هکتار را شامل می‌شود. این در حالی است که ایران تنها در حال حاضر ۱۸/۷ میلیون هکتار زمین زراعی و باغی دارد و با سیاست‌های کنونی دولت احتمال اینکه به مساحت زمین‌های زراعی اضافه شود بسیار بعید است و تنها امید می‌رود جلوی تغییر کاربری‌های بی‌رویه‌ی اراضی گرفته شود. از این رو روند تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی کشور بسیار نگران کننده و قابل توجه می‌باشد. (مطهری، ۱۳۹۵)

بنابراین صیانت و حفظ این اراضی و منع و جلوگیری از تبدیل و تغییر کاربری آنها و ایجاد فضاهای مسکونی، ویلاها، جاده‌ها، تاسیسات صنعتی و... در کنار حفظ توان اکولوژیکی و تولیدی آنها و همچنین مدیریت پایدار اراضی زراعی و باغی روز بروز مشکل‌تر شده و تغییر کاربری آنها علیرغم احتیاج شهرها و روستاها به فضاهای سبز به ویژه در اطراف کلان شهرهای کشور به صورت مستمر رو به افزایش است و ما را با انفجار از دست رفتن اراضی طبیعی به نفع صنعتی شدن و توسعه شهرهای مواجه ساخته است.

این جریان علاوه بر مشکلات زیست محیطی متعددی که به تبع آن دامنگیر طبیعت می‌شود از جمله تخریب خاک‌های حاصلخیز و پوشش گیاهی آن و از بین رفتن گونه‌های جانوری و گیاهی این مناطق که جبران ناپذیر نیز می‌باشد آثار اجتماعی و اقتصادی متعددی در پی داشته است. که از آن جمله می‌توان به حاشیه نشینی، وابستگی غذایی، کاهش تولید محصولات باغی و سوداگری زمین‌های کشاورزی و زمینه‌سازی گسترش پدیده زمین خواری می‌باشد که هر یک از این عناوین به تنهایی سرفصل معضلات و مشکلات عدیده‌ای برای جامعه اقتصادی و فرهنگی ایران خواهد بود. در این راستا به پیروی از آنچه که سالها در سراسر جهان با عنوان جنبش حمایت و حفاظت از این منابع شکل گرفته و در مسیر توسعه پایدار دست به تدوین و توسعه قواعد و قوانین مربوطه زده‌اند تا از تخریب بی‌رویه آن جلوگیری نمایند. (جوهری، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

بزه تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی موضوع قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ با الحاقات و اصلاحات مورخ ۱۳۸۵/۸/۱ مجلس شورای اسلامی در این راستا پیش بینی شده است خطوط کلی سیاست کیفری حاکم بر حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها در پرتو تحولات اخیر حقوق کیفری کشاورزی ایران خالی از ایراد و ابهام نمی باشد.

۲-۵-۱- عناصر بزه تغییر کاربری اراضی

برای تبیین و معرفی هر جرم باید ابتدا به بررسی ارکان و عناصر آن پرداخت که بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و اصل قانونی بودن ابتدا به معرفی اصل قانونی بودن پرداخته و سپس به معرفی سایر ارکان پرداخته می شود.

۲-۵-۱-۱- عنصر قانونی

اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها یکی از مهمترین و مطمئن ترین اصولی است که ضرورت وجود آن نه تنها و هیچگاه نفی نشده بلکه اعتبار آن روز افزون و توجه به آن بسیار است. می دانیم که حکومت قانون برابر است با امنیت افراد و این امنیت متصور نیست مگر با بقا و دوام این حکومت. اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها یعنی حکومت قانون برای تضمین احترام به آزادیهای فردی و رعایت مصالح اجتماعی. با این اصل که می توان گفت هیچ عملی جرم نیست مگر این که قانون آن را جرم بشناسد و اعمال هیچ مجازاتی ممکن نخواهد بود مگر اینکه قانون آن را اجازه داده باشد. (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۴۷)

اصل ۳۶ قانون اساسی این چنین مقرر میدارد: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

در ماده ۲ قانون مجازات تعریف جرم آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب میشود»

بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغات نمی تواند دارای وصف کیفری باشد مگر اینکه به موجب قانون، مقنن آن را جرم شناخته باشد و برای مرتکب مجازات تعیین نموده باشد.

رکن قانونی بزه تغییر کاربری، ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب

سال ۱۳۷۴ است که در سال ۱۳۸۵ دستخوش اصلاح گردید.

نقاط اشتراک و افتراق ماده ۳ مصوب سال ۱۳۷۴ با ماده ۳ مصوب سال ۱۳۸۵ به شرح زیر می‌باشند:

۱. مرتکب: در هر دو ماده قانونی، مرتکب بزه تغییر دارای خصوصیت است. کسی می‌تواند مرتکب بزه تغییر کاربری گردد که مالک یا متصرف اراضی زراعی و باغ‌های موضوع قانون حفظ کاربری باشد، لذا شخصی را که متصرف ملک زراعی و باغ نیست، علیرغم ارتکاب عنصر مادی تغییر کاربری به اتهام تغییر کاربری نمی‌توان تحت تعقیب قرار داد.

مراد از متصرف کسی غیر از مالک است مثل مستأجر و یا کسی که ملک امانت در اختیار اوست، اما آیا بین متصرف قانونی و غیر قانونی از حیث شمول حکم قانون بر آن تفاوتی وجود ندارد؟ به عبارتی اگر کسی اراضی زراعی یا باغی را عدوانا تصرف کند و در آن مبادرت به تغییر کاربری نماید آیا می‌توان او را از این جهت که متصرف ملک بوده است به اتهام تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد؟

به نظر می‌رسد مقنن هر جا از واژه متصرف استفاده می‌کند متصرف قانونی را اراده می‌کند، مگر آن که بر خلاف آن تصریح کند. بر این اساس و در راستای تفسیر نصوص جزایی در جهت احراز نظر مقنن باید معتقد بود در چنین فرضی متصرف عدوانی را نمی‌توان به اتهام تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد.

گاهی ممکن است مالک یا متصرف قانونی شخص دیگری را برای ایجاد تغییر کاربری در ملک تحت مالکیت یا تصرف خود به کار گمارد. در این فرض، با توجه به اینکه صدر ماده ۳ صراحت دارد تنها کلیه مالکان یا متصرفان اگر مرتکب تغییر کاربری شوند به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهند شد، حال که خود مالک عنصر مادی تغییر کاربری را مرتکب نمی‌شود و کسی که مرتکب عنصر مادی شده است، مالک و متصرف ملک نیست چگونه می‌توان مقرر مذکور را اعمال کرد؟ در این فرض چند حالت قابل تصور است:

۱-۱- مالک به شخص مستخدم اعلام می‌کند و به او می‌باوراند که مجوز تغییر کاربری ملک را از مراجع قانونی اخذ کرده است و بر همین اساس مستخدم مرتکب عنصر مادی تغییر کاربری می‌شود. در حالی که در عالم واقع مالک چنین مجوزی را اخذ نکرده است. در این حالت و با توجه به اینکه عرفا در اینگونه موارد شخص مستخدم به ادعای مالک اعتماد می‌کند و از رؤیت

مدارک رسمی مجوز تغییر کاربری خودداری می‌ورزد، لذا شخص مستخدم از یک سو به علت نداشتن عنصر روانی و از سوی دیگر به علت مالک و متصرف نبودن قابل تعقیب کیفری نیست. اما مالک یا متصرف که با اقدام خود، مستخدم را به حد یک وسیله فاقد آگاهی تبدیل کرده است می‌توان به عنوان مرتکب جرم تحت تعقیب قرار داد.

۱-۲- مالک یا متصرف قانونی ملک به مستخدم اعلام می‌کند و به او می‌باوراند که هدف از عملیات اجرایی، احداث یکی از تأسیسات مذکور در تبصره ۴ ماده یک قانون حفظ کاربری (گلخانه، دامداری، مرغداری و ...) که از شمول حکم ماده یک قانون مستثنی است، می‌باشد و بر همین اساس شخص مستخدم مبادرت به عملیات اجرایی منتهی به تغییر کاربری می‌کند. در این جا نیز همچون حالت اول مستخدم به علت نداشتن اراده ارتکاب فعلی بر خلاف نظر مقنن و مالک و متصرف نبودن قابل تعقیب نیست، اما مالک چون از مستخدم در حد یک وسیله استفاده کرده است به نظر به عنوان مباشر قابل تعقیب است.

۱-۳- مالک یا متصرف قانونی شخصی را برای ایجاد تغییر کاربری به کار می‌گمارد و مستخدم به دستور مالک یا متصرف و با علم با مجرمانه بودن تغییر کاربری، مبادرت به عملیات اجرایی منتهی به تغییر کاربری می‌کند. در این حالت چون مستخدم، مالک یا متصرف قانونی ملک نیست و این که برای ارتکاب بزه تغییر کاربری خصوصیت مرتکب یعنی مالک یا متصرف بودن، شرط است، لذا مستخدم را نمی‌توان به اتهام تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد.

البته یادآوری این نکته ضروری است که رویه قضایی تا کنون متعرض این امر نشده است و در همه موارد با صرف نظر کردن از تعقیب مستخدم یا کارگر مباشر تغییر کاربری، مالک یا متصرف باغ یا مزرعه را تحت تعقیب قرار داده است. این امر می‌تواند یا به علت عدم ایراد از سوی متهمان و وکلای آنان باشد و یا به این سبب که محاکم، مالک یا متصرف را در هر حال، خواه خود مباشرتا مرتکب عنصر مادی تغییر کاربری شده باشد و خواه با استفاده از دیگری، مباشر معنوی بزه تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها تلقی می‌کنند.

آیا مالک یا متصرف قانونی ملک را که مستخدم را برای تغییر کاربری به کار گمارده است می‌توان از نظر حقوقی به اتهام تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد؟

برای پاسخ گویی به این پرسش باید توجه داشت که در این فرض از یک سو مالک و متصرف ملک، عنصر مادی تغییر کاربری را مرتکب نشده است، پس نمی‌توان او را به عنوان

مباشر تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد. از دیگر سو، کارگری که به علم به غیر مجاز بودن تغییر کاربری مرتکب عنصر مادی بزه مذکور شده است، فاقد خصوصیت لازم برای مرتکب یعنی مالک و متصرف بودن است. همچنین با توجه به اینکه مستخدم را نمی‌توان به عنوان مباشر تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد، مالک یا متصرف استخدام کننده کارگر را هم نمی‌توان حتی به عنوان در بزه تغییر کاربری از طریق تحصیل وقوع جرم یا تشویق مرتکب تحت تعقیب قرار داد؛ زیرا بزه معاونت در هر جرمی تابع و وابسته به مباشرت آن بزه است.

از سوی دیگر اگر قائل به این باشیم که مالک یا متصرف خواه مباشر و خواه با واسطه مباشر دیگر مرتکب تغییر کاربری شود، مباشر فرض می‌شود اولاً: چگونه می‌توان بین این جرم و جرمی همچون تخریب و جرایمی از این دست قائل به تفاوت شد؟ چرا که اگر شخص دیگری را به کار گمارد و به او اعلام کند دیوار غیر را چون دشمن من است تخریب کن و کارگر نیز چنین کند مسلماً کارگر را مباشر و کارفرما را معاون بزه تخریب محسوب خواهیم کرد.

ثانیاً: کارگر را در حالی که علم به مجرمانه بودن تغییر کاربری دارد و مرتکب عنصر مادی آن می‌شود چگونه فاقد مسئولیت کیفری بدانیم؟ آیا اقدام وی در نقض حکم قانون فاقد ضمانت اجرا است؟

لذا لازم بود مقنن در اصلاحات انجام شده در سال ۱۳۸۵ با حذف خصوصیت مرتکب بزه تغییر کاربری این امکان را فراهم می‌آورد تا هر کسی را که مرتکب بزه مذکور شد بتوان تحت تعقیب قرار داد. در صورت کاربست واژه «هرکس» به جای «مالکان یا متصرفان» این امکان پدید می‌آید که در صورت استفاده مالکان و متصرفان از دیگری در تغییر کاربری علاوه بر امکان تعقیب مباشر، مالک یا متصرف را بتوان به اتهام معاونت در جرم مذکور تحت تعقیب قرار داد.

نکته دیگری که توجه به آن ضروری است این است که اگر شخصی غیر از مالک یا متصرف ملک، بدون اذن و اطلاع مالک مبادرت به تغییر کاربری باغ یا ملک مزروعی نماید یا با این تصور که مالک ملکی مزروعی یا باغ است از کمیسیون موضوع تبصره ۱ ماده ۱ قانون یا سازمان کشاورزی برای اجرای طرحهای موضوع تبصره ۴ ماده یک قانون مجوز یا موافقت نامه تغییر کاربری اخذ کند و در اجرای مجوز یا موافقت نامه مذکور مبادرت به تغییر کاربری مزروعی یا باغ کند آیا تغییر کاربری مذکور دارای وصف کیفری است؟

با توجه به این که برای تحقق بزه تغییر کاربری خصوصیت مرتکب شرط است یعنی به

موجب ماده ۳ قانون صرفا مالک یا متصرف ملک می‌توانند مرتکب تغییر کاربری گردند چون شخصی که عنصر مادی تغییر کاربری را مرتکب شده است مالک و متصرف ملک نیست لذا اقدام وی گر چه منتهی به تغییر کاربری ملک شده است، اما فاقد وصف کیفری است. هر چند ممکن است با جمع بودن شرایط لازم تحت عناوین مجرمانه دیگر از جمله تخریب قابل تعقیب باشد. حتی در فرضی که با این تصور که مالک ملک است مبادرت به اخذ مجوز یا موافقتنامه تغییر کاربری می‌شود نیز چون واقعا مالک و یا متصرف قانونی ملک محسوب نمی‌شود، نمی‌توان او را به اتهام تغییر کاربری تحت تعقیب قرار داد.

پرسش دیگر اینکه آیا احداث تأسیسات مذکور در تبصره ۴ ماده یک در اراضی زراعی و باغات روستایی بدون موافقت سازمان جهاد کشاورزی، دارای وصف کیفری است؟

در پاسخ به این پرسش دو عقیده وجود دارد. برخی بر این عقیده اند که با توجه به تفاوت تغییر کاربری غیر مجاز با تغییر کاربری بدون اخذ مجوز و اینکه مقنن در ماده ۳ قانون، تنها تغییر کاربری غیر مجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون را جرم دانسته است و با توجه به اینکه در اینگونه موارد تغییر کاربری غیر مجاز نیست؛ چون تبصره ۴ ماده یک قانون صراحتا اعلام کرده است این موارد اساسا تغییر کاربری نیستند و از دیگر سو چون تغییر کاربری نیستند نیازی به اخذ مجوز از کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ ندارد، لذا این گونه تغییرات در کاربری جرم نیستند.

برخی دیگر این گونه استدلال می‌کنند که تغییر کاربری برای احداث تأسیسات مذکور در تبصره ۴ ماده یک در صورتی مجاز است که سازمان جهاد کشاورزی - نه کمیسیون - با آن موافقت کند و در صورت عدم موافقت تغییر کاربری غیر مجاز بوده و مشمول حکم ماده ۳ خواهد بود؛ اما در پاسخ به این استدلال می‌توان معتقد بود که تبصره ۴ ماده یک احداث تأسیسات مذکور را تغییر کاربری ندانسته است، لذا وقتی عملی ماهیتا تغییر کاربری نباشد موافقت یا مخالفت سازمان جهاد کشاورزی تأثیری در مجرمانه بودن یا نبودن آن نخواهد داشت ضمن اینکه به موجب تبصره ۱ ماده ۱ تنها مرجع صالح برای صدور مجوز تغییر کاربری، کمیسیون موضوع تبصره ۱ ماده ۱ است و شایسته نیست مقنن در یک قانون برای یک موضوع دو مرجع صالح - کمیسیون و سازمان جهاد کشاورزی - تعیین کند.

آیا اخذ مجوز پس از تغییر کاربری تأثیری در جرم بودن عمل یا امکان تعقیب متهم دارد؟ هر گاه مالک یا متصرفی مبادرت به تغییر کاربری ملک زارعی یا باغ خود نماید و چه پس از طرح شکایت کیفری و چه قبل از آن، از کمیسیون موضوع تبصره ۱ ماده ۱ درخواست صدور مجوز

تغییر کاربری نماید و قبل از ختم رسیدگی و صدور رای در مرجع قضایی و یا حتی قبل از شروع تعقیب کیفری، مجوز تغییر کاربری برای همان ملک صادر شود، آیا مالک یا متصرف مذکور به اتهام تغییر کاربری قابل تعقیب است؟

برای پاسخگویی به این پرسش بدو باید توجه داشت که به نظر می‌رسد در این گونه موارد کمیسیون مربوط باید از پذیرش درخواست تغییر کاربری برای ملکی که قبلاً به نحو مجرمانه کاربری آن تغییر داده شده است خودداری ورزد؛ چرا که مجوز تغییر کاربری باید برای ملکی صادر شود که دارای کاربری زراعی و باغی است اما وقتی کاربری باغ یا زمین به طریق غیر رسمی تغییر داده شد، صدور مجوز برای تحصیل امر حاصل عملی لغو و البته مغایر قانون است.

صدور مجوز تغییر کاربری حتی پس از وقوع تغییر کاربری مبین جرم نبودن عمل انتسابی است، زیرا تغییر کاربری اراضی زراعی و باغات بدون داشتن مجوز جرم است، اما در این فرض که مجوز ولو پس از وقوع تغییر کاربری صادر شده است. تغییر کاربری بدون مجوز مصداق نمی‌یابد، بلکه مجوز مذکور مبین این امر است که ملک موضوع مجوز قابلیت تغییر کاربری را دارا بوده است و صرف تأخیر در اخذ مجوز موجب مجرمانه محسوب شدن اقدامات مرتکب تغییر کاربری نمی‌باشد.

اما به نظر می‌رسد وقتی بزه تغییر کاربری مثل هر جرم دیگری واقع شد، با جمع بودن تمامی شرایط، متهم باید تحت تعقیب قرار گیرد و صدور مجوز بعد از وقوع جرم از سوی کمیسیون موضوع تبصره ۱ ماده ۱ تأثیری در جرمی که قبلاً واقع شده است، ندارد؛ زیرا اثر مجوز صادره صرفاً برای زمان بعد از صدور است نه قبل از آن، لذا در فرض مطروحه صدور مجوز تغییر کاربری پس از وقوع جرم تأثیری در جرم بودن عمل ارتكابی و قابلیت تعقیب متهم، ندارد. استدلال این است که تمامی مالکین و متصرفین که قصد تغییر کاربری دارند ابتدا مبادرت به اخذ مجوز که مستلزم پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ است، نمی‌کنند، بلکه رأساً اقدام به تغییر کاربری می‌کنند، سپس پس از کشف جرم و اینکه خود را در معرض تعقیب و محکومیت کیفری دیدند، مبادرت به درخواست مجوز می‌نمایند. ضمن اینکه این جرم را می‌توان با جرایمی مثل رانندگی بدون داشتن گواهینامه مجاز، مقایسه کرد که شخص قبل از اخذ گواهینامه مبادرت به رانندگی کند و پس از آنکه تحت تعقیب قرار گرفت اقدام به اخذ گواهینامه می‌کند. مسلماً صدور گواهینامه جدید مبین این است که دارنده آن از تاریخ صدور حق رانندگی دارد و اقدام وی قبل از صدور گواهینامه دارای وصف کیفری بوده و قابل تعقیب و مجازات است چون معیار برای تحقق جرم، زمان ارتکاب عمل است و اقتراق زمانی بین عنصر مادی و روانی و قانونی در لحظه ارتکاب

عمل وجود دارد؛ لذا جرم واقع شده است، اما تصمیم کمیسیون می تواند در میزان مجازات مؤثر باشد و دادگاه مستند به آن مجازات خفیفی برای مرتکب تعیین کند.

۲-۱-۵-۲- عنصر مادی

مجرم باید مبادرت به فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد. به عبارت دیگر کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود، بلکه وجود یک تظاهر خارجی عملی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم به وسیله آن آشکار می شود برای تحقق فعل مجرمانه و مجازات فاعل، شریک یا معاون لازم است. (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲)

بر خلاف اخلاق که وجدان را بررسی کرده، افکار بد و نیت گناهکار را مجازات می کند، حقوق جزا که جامعه را حمایت می کند افکار و نیت ساده بزهکار و حتی تصمیم ارتکاب یک جرم را مجازات نمی کند زیرا اینها نظم اجتماعی را به هم نمی زنند. حقوق جزا اینها را وقتی مجازات می کند که به صورت یک واقعه و یا مظهر یک اراده ظاهر شوند. واقعه و مظهر یک اراده که در خارج واقع شده و قصد بزهکار یا تقصیر جزایی مرتکب را آشکار می کند، عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد. (دادبان، ۱۳۷۷، ص ۳۱۰)

تحقق جرم هر چند منوط به انجام دادن عملی است که قانونگذار آن را منع کرده و یا امتناع از عملی است که به آن تکلیف کرده است ولی آثار زیانبار یا نتیجه ایی که از این عمل حادث می شود در تحقق جرم شرط نیست. بر این اساس، قصد باطنی زمانی قابل مجازات است که تظاهر خارجی آن به صورت عملی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار آشکار شود. (اردبیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۸)

عنصر مادی جرم می تواند فعل باشد یا ترک فعل، گفتار یا نوشتار یا حتی ژست و حالت، اما اصل بر آن است که ارتکاب جرم، فعل می خواهد و استثنائاً ترک فعل، رفتار، گفتار هم می توانند جرم باشند و معمولاً اکثر جرایم با فعل مثبت مادی اتفاق می افتند.

فعل عبارت است از نقض نهی قانونگذار. اصل بر این است که تمامی اعمال مباح هستند مگر آنچه که ممنوع شده باشند، پس حکم قانون جزا، به صورت نهی می آید و نقض نهی احتیاج به فعل دارد. بر این اساس وقتی مقنن در ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مقرر می دارد: «به منظور حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و تداوم و بهره وری آنها از تاریخ تصویب

این قانون، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرکها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد....» لذا نقض نهی از تغییر کاربری، نیازمند فعل است.

اما نکته قابل توجه دیگر این که مسلماً بین واژه «تغییر» و «از بین بردن» یا «تخریب» تفاوت وجود دارد و هریک از بار معنایی متفاوتی برخوردار هستند. از این رو نمی‌توان آنها را به جای یکدیگر به کار بست، زیرا مراد از تغییر، تبدیل یک وضعیت به وضعیت دیگر است. در حالی که مراد از تخریب یا از بین بردن نابود شدن وضعیت موجود است، بدون آن که الزاماً وضعیت جدیدی حادث شود، اما مقنن به هنگام تدوین قانون حفظ کاربری به این نکته نگارشی توجه نکرده است. نتیجه گزینش واژه تغییر کاربری این است که زمانی می‌توان تغییر کاربری را محقق دانست که کاربری ملک از یک کاربری به کاربری دیگری تغییر کند و تا زمانی که پس از از بین بردن کاربری زراعی یا باغ، کاربری جدیدی در ملک ایجاد نشود، نمی‌توان بزه تغییر کاربری را محقق دانست. در واقع در این حالت بزه تغییر کاربری دارای عنصر مادی مرکب است که با وقوع دو فعل مثبت مادی، از بین بردن کاربری سابق و ایجاد کاربری جدید محقق می‌شود. گرچه با ترک فعل مثل عدم آبیاری می‌توان کاربری اولیه را از بین برد، اما نمی‌توان کاربری جدیدی ایجاد کرد.

این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به مصادیقی که در ماده ۱۰ قانون از تغییر کاربری آمده است و آنچه در بند د از ماده یک آیین نامه اجرایی در تعریف تغییر کاربری بیان شده است و شرایطی که در ماده یک دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری ذکر شده است، به این نتیجه می‌رسیم که در نظر مقنن مراد از تغییر کاربری، صرف از بین رفتن کاربری باغ و مزرعه است نه تغییر آن. بر این اساس هر که مانع از بهره برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغ‌ها شود، تغییر کاربری محسوب می‌شود.

آیا با ترک فعل تغییر کاربری محقق می‌شود؟ مثلاً هر گاه شخصی باغ خود را آبیاری نکند یا از بکار بردن سموم دفع آفات نباتی خودداری کند تا در اثر آفات و بیماری‌ها درختان باغی از بین بروند و از ورود آب آلوده به مواد شیمیایی که بدون اراده مالک به سمت باغ یا ملک مزروعی وی جریان یافته است علیرغم امکان جلوگیری به عمل نیامورد و در نتیجه باغ یا مزرعه قابلیت کشت و زرع را از دست بدهد، آیا مالک مذکور مرتکب عنصر مادی تغییر کاربری شده است؟

همان گونه که گفته شد اصل بر این است که ارتکاب هر جرمی نیازمند فعل است و به عبارتی اغلب اوقات عنصر مادی جرم عبارت است از یک عمل مثبت و آن انجام دادن چیزی است که قانون منع کرده است. گرچه ممکن است نتیجه ایی که عموماً بر اثر یک عمل مثبت

به دست می‌آید بعضی اوقات از خودداری ساده ناشی شود، اما تنها در موردی که قانون صریحاً پیش بینی نماید خودداری ممکن است ارزش ارتکاب داشته و مرتکب را در برابر خطر مجازاتی که برای جرم ارتكابی تعیین شده است قرار دهد. (دادبان، ۱۳۷۷، ص ۳۱۱)

مگر در مواردی که حکم قانونگذار جزایی به صورت امر باشد که در این صورت نقض آن نیازمند ترک فعل است. بر این اساس چون در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مالکان و متصرفان بر حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها امر نشده اند، لذا با ترک فعل، بزه تغییر کاربری محقق نخواهد شد، چرا که بیان مقنن صرفاً به صورت نهی آمده است، یعنی تغییر کاربری نهی شده است. در نتیجه صرفاً با فعل مثبت مادی بزه تغییر کاربری قابل تحقق خواهد بود. بر این اساس هر گاه فردی با ترک فعل موجب تغییر کاربری باغ یا مزرعه ایی شود، مرتکب بزه تغییر کاربری نشده است.

۲-۵-۱-۳- عنصر روانی

به اعتقاد غالب حقوق دانان وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرایم عمدی) و یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بی‌آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند از او خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت (جرایم غیر عمدی). (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷).

از آنجا که اصل بر عمدی بودن جرایم است، مگر اینکه در قانون بر خلاف آن تصریح شده باشد و چون در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغات بر غیر عمدی بودن جرم تغییر کاربری تصریح نشده است لذا تغییر کاربری جرمی عمدی است. بر این اساس زمانی ارتکاب عنصر مادی از سوی مالک یا متصرف مزرعه یا باغ، بزه تغییر کاربری محسوب می‌شود که قبل یا مقارن ارتکاب عنصر مادی، مرتکب قصد ارتکاب آن فعل را هم داشته باشد. در نتیجه هر گاه مالک در حال خواب اقدام به ارتکاب عنصر مادی تغییر کاربری کند و یا به واسطه اجباری که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب آن شود، به علت فقدان عنصر روانی، عمل ارتكابی فاقد وصف کیفری خواهد بود.

همچنین هر گاه مالک یا متصرف ملک مزروعی یا باغ مجنون باشد و در حال جنون مرتکب عنصر مادی تغییر کاربری گردد. چون شخص مجنون فاقد اراده است، لذا جنون به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری خواهد بود.

بنا به عقیده امیل گارسون و اغلب علمای حقوق جزای کلاسیک، قصد جزایی عبارت است از علم یا شعور مرتکب به اینکه عمل نامشروعی را انجام می‌دهد و به عبارت کاملتر و دقیق‌تر (زیرا برای اینکه قصد وجود داشته باشد علم کافی نبوده و خواستن لازم است) قصد جزایی عبارت است از اراده انجام عملی که می‌دانیم قانون جزا منع کرده است و یا اراده خودداری از انجام عملی که می‌دانیم قانون امر داده است. (دادبان، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴).

در ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها که تغییر کاربری بدون مجوز و غیر مجاز اراضی زراعی و باغها را جرم انگاشته است، واژه ایی که قصد مجرمانه را مشخص کند به کار برده نشده است، اما منطوق و مفهوم قانون مثبت این امر است که جرم تغییر کاربری جرمی عمدی است و با خطا محقق نخواهد شد، لذا هر گاه کسی در اثر «اندیشه نکردن» مرتکب عنصر مادی تغییر کاربری گردد، چون فاقد وصف مجرمانه است عمل وی فاقد وصف کیفری خواهد بود. مع الوصف برخی از محاکم هنوز برداشت متفاوتی از سوء نیت دارند و صرف «اراده انجام عملی و ترک فعلی که قانونگذار آن را جرم دانسته است را برای تحقق سوء نیت یا عنصر روانی جرم کافی نمی‌دانند» و لازمه تحقق جرایم و از جمله تغییر کاربری را وجود قصد پلید و شر می‌دانند، در حالی که صرف وجود قصد ارتکاب فعلی برخلاف قانون برای تحقق بزه تغییر کاربری کافی است و فقدان نیت پلید یا وجود انگیزه شرافتمندانه تأثیری در تحقق جرم مذکور ندارد.

۲-۶- ضمانت اجرای تغییر کاربری اراضی

ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی و باغها مصوب ۱۳۷۴ مقرر می‌دارد: «مالکین یا متصرفین اراضی زراعی و باغهای موضوع این قانون که غیر مجاز اراضی زراعی و باغها را تغییر کاربری دهند علاوه بر الزام به پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر بهای زمین و باغها به قیمت روز زمین با کارایی جدید محکوم خواهند شد. در صورت تکرار جرم علاوه بر مجازات مذکور به حبس از ۱ تا ۶ ماه محکوم می‌شوند».

قانونگذار به جهت نواقص موجود در قانون فوق در سال ۱۳۸۵ در مقام اصلاح ماده مذکور بر آمده و چنین مقرر نموده است: «کلیه مالکان و متصرفان اراضی و باغهای موضوع این قانون که به صورت غیر مجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ این قانون اقدام به تغییر کاربری نمایند علاوه بر قلع و قمع بنا به پرداخت جزای نقدی از ۱ تا ۳ برابر بهای اراضی زراعی و باغها به قیمت روز زمین با کاربری جدید که مورد نظر متخلف بوده است و در صورت تکرار

جرم به حداکثر جزای نقدی و حبس از ۱ تا ۶ ماه محکوم خواهند شد»

با عنایت به آنچه که در مصوبه سال ۱۳۷۴ و مصوبه اصلاحی آن در سال ۱۳۸۵ منظور شده چند نکته حائز اهمیت است: اول آنکه در قانون مصوب ۱۳۷۴ اشاره‌ای به قلع و قمع بنای مستحده در اراضی نشده است و این خلأ امکان سوء برداشت و اختلاف نظرهای اجرایی را موجب می‌شده است. ذکر صریح لزوم قلع و قمع بنا در اصلاحیه سال ۱۳۸۵ این مشکل را تا حدودی مرتفع ساخته است. (آدابی، ۱۳۸۸، ص ۶۵)

نکته دوم اینکه در قانون مصوب ۱۳۷۴ مقرر شده است در صورت تکرار جرم علاوه بر مجازات‌های مذکور (تا ۳ برابر بهای اراضی تغییر کاربری داده شده) مجازات حبس از ۱ تا ۶ ماه نیز مقرر خواهد شد.

لذا دادگاه طبق آن قانون مختار بود با توجه به وضعیت متهم و نوع بزه ارتكابی به میزان حداکثر ۳ برابر بهای زمین خرابی نقدی تعیین نماید و بنابراین امکان محکومیت به جزای نقدی در مبالغ پایین تر نیز وجود داشت ولی در قانون اصلاحی ۱۳۸۵ مقرر شده است در صورت تکرار جرم مرتکب به حداکثر جزای نقدی محکوم خواهد شد بنابراین در هر صورت مجازات مرتکب حداکثر جزای نقدی یعنی ۳ برابر بهای زمین تغییر کاربری داده شده می‌باشد. و اختیار دادگاه در تعیین مجازات کمتر از ۳ برابر سلب شده است و بنابراین اعمال کیفیت مخففه جرم به جزای نقدی کمتر از مبلغ مذکور و جاهت قانونی خواهد بخشید.

نتیجه گیری

نظام تقنینی ایران، در مورد زمین‌های ملی و عمومی دارای نارسایی‌ها و کاستی‌هایی است که زمینه سوء استفاده را برای بزه‌کاران بالقوه آماده می‌کند. در این خصوص می‌توان از طریق هماهنگ سازی دیدگاه‌های حاکم بر قوانین مختلف در مورد زمین‌های ملی و عمومی، این نارسایی‌ها و کاستی‌ها را از بین برد. به دلیل اینکه قانونگذار ایرانی در دوران پیش و پس از انقلاب اسلامی دارای دیدگاه‌های مختلف و گاه متعارض بوده زمینه‌های مناسبی جهت پیدایش پدیده «زمین خواری» در جامعه فراهم گردیده است. علاوه بر این، در برخی از قوانین و مقررات ایران، واگذاری قطعی اراضی ملی و عمومی با هدف درآمدزایی در بخش دولتی، مورد پیش بینی قرار گرفته است. یکی از این موارد قانون «وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» می‌باشد که در ماده ۸۴ واگذاری اراضی را پیش بینی نموده است. در صورت امکان

می‌توان این قوانین را مورد بازنگری و اصلاح قرار داد.

دومین نظام و مهم‌ترین ساختاری که می‌تواند منجر به کاهش یا افزایش فرصت‌ها یا موقعیت‌های مجرمانه در خصوص پدیده «زمین خواری» گردد، نظام اجرایی است. در این مورد، نحوه تشخیص، شناسایی و رسیدگی به اعتراض‌ها و حل اختلاف اراضی ملی و عمومی دارای نواقص و کاستی‌هایی است که در برخی موارد منجر به بروز پدیده «زمین خواری» می‌گردد. از عوامل دیگر که منجر به ایجاد فرصت‌ها و موقعیت‌های مجرمانه در نظام اجرایی می‌گردد، عدم دقت و سرعت در شیوه محافظت فیزیکی، نظارت و محافظت ثبتي از اراضی ملی و عمومی است. همچنین در بسیاری از موارد مشاهده شده است که واگذاری اراضی بدون توجه به ممنوعیت‌های مندرج در ماده ۲ «آیین نامه اجرایی لایحه قانونی اصلاحی لایحه قانونی واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران» صورت گرفته و در برخی موارد نیز بدون احراز شرایط متقاضی و نظارت بر اجرای طرح انجام پذیرفته است.

پدیده ارتشاء در نظام اجرایی از دیگر عواملی است که می‌تواند منجر به بروز نارسایی در هر یک از مراحل تشخیص، شناسایی، محافظت و واگذاری اراضی ملی و عمومی گردد. در این مورد می‌توان با اعمال نظارت‌های درون سازمانی و برون سازمانی پدیده ارتشاء را کاهش داد. همچنین، در مورد اداره، بهره برداری، و محافظت از اراضی ملی و عمومی، ایجاد هماهنگی میان نهادهای اجرایی از راهکارهای مقابله با پدیده «زمین خواری» است و این هدف هنگامی محقق می‌گردد که سایر نهادها، اقدامات خود را با سازمان متولی این امر یعنی اداره منابع طبیعی هماهنگ نمایند.

نظام دیگری که می‌تواند منجر به کاهش یا افزایش موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب پدیده «زمین خواری» گردد، نظام ثبتي است. مطابق قانون ادارات ثبت باید با هماهنگی کامل با ادارات منابع طبیعی، نسبت به صدور سریع سند به نام دولت اقدام نمایند. اما در برخی از موارد ناهماهنگی‌هایی مشاهده شده که منجر به ایجاد فرصت‌های مجرمانه گردیده است. در برخی موارد نیز مشاهده شده است که بعضی از کارمندان و مسئولان ادارات ثبت با مرتکبان پدیده «زمین خواری» اقدام به همکاری مجرمانه نموده‌اند. در کنار راهکارهای پیشگیری وضعی می‌توان از تدابیر پیشگیری اجتماعی استفاده نمود. در مورد تدابیر پیشگیری اجتماعی از پدیده «زمین خواری» می‌توان از راهکارهای آگاه سازی، فرهنگ سازی و ساماندهی وضعیت شغلی و اقتصادی در مورد بزهکاران بالقوه و کارمندان استفاده کرد.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، چاپ ۴۳، تهران، انتشارات میزان
۲. اعتمادی ی. ۱۳۸۳. سیر تحول قوانین منابع طبیعی و محیط زیست، انتشارات بهنامی، چاپ اول،
۳. اعتمادی ی. ۱۳۸۶. سیر تحول قوانین منابع طبیعی و محیط زیست، انتشارات بهنامی، چاپ اول،
۴. امامی فر ا. ۱۳۸۹. شهرداریها در آئینه قوانین و مقررات فضای سبز، چاپ اول، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
۵. اورنگی، علی، ۱۳۸۵، تغییر کاربری اراضی محصول ضعف قانون مجله کانون شماره ۱۰
۶. ایرانی ارباطی ب. ۱۳۸۶. مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، نشر مجد، جلد اول، چاپ دوم،
۷. آدابی ح ر. ۱۳۸۸. حقوق ثبت تخصصی، انتشارات جنگل، چاپ اول و دوم،.
۸. آیت اللهی م ص. ۱۳۸۲. پیشگیری از تظہیر درآمدها و سرمایه‌های نامشروع (مجرمانه) از طریق اصلاح نظام ثبتی اموال غیر منقول، در: پولشویی (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی)، تهران، انتشارات سلسبیل،
۹. بارونی م. ۱۳۸۹. کاداستر برای همه، نشریه ثبت، شماره ۴،
۱۰. براتی دارانی ع ا. ۱۳۹۱. حقوق کاربردی املاک و اراضی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه
۱۱. بشیری ع. ۱۳۸۹. حقوق کاربردی اراضی در ایران، نشر جنگل، چاپ نخست،.
۱۲. بشیری ع. ۱۳۹۲. مجموعه تحلیلی و تفسیری مقررات اراضی داخل محدوده قانونی شهرها، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل
۱۳. بشیری ع. ۱۳۹۲. مقررات اراضی خارج از محدوده شهرها، جلد اول، چاپ دوم تهران، انتشارات جاودانه، جنگل
۱۴. بهشتیان س م. ۱۳۸۶. بررسی نظم حاکم بر حقوق مالکانه در برابر طرح‌های عمومی

شهرداری، تهران، طرح نوین اندیشه.

۱۵. جعفری لنگرودی م ج. ۱۳۹۲. ترمینولوژی حقوق ، چاپ بیست و پنجم ، تهران، انتشارات گنج دانش

۱۶. جوهری م. ۱۳۸۷. مقایسه دعوای تصرف عدوانی با خلع ید، انتشارات فکر سازان، چاپ اول .